

بروزترین و ابرترین
سایت کنکوری کشور

WWW.KONKUR.INFO



بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ

اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَعَجِّلْ فَرَجَهُمْ

عربی، زبان قرآن (۲)

رشته های علوم تجربی - ریاضی و فیزیک

پایه یازدهم

دوره دوم متوسطه



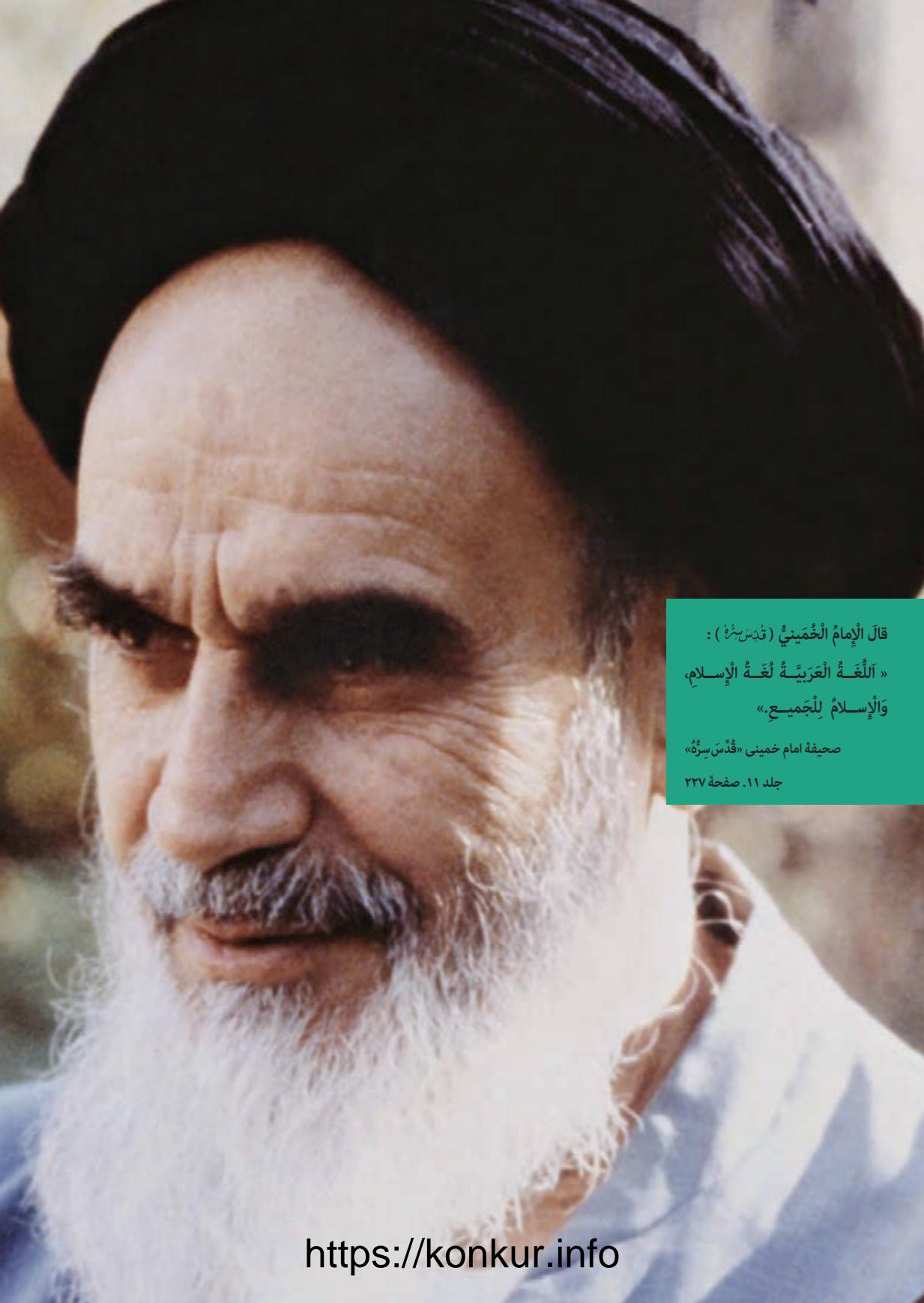


وزارت آموزش و پرورش
سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی

عربی، زبان قرآن (۲) - پایه یازدهم دوره دوم متوسطه - ۱۱۱۲۰۶	نام کتاب:
سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی	پدیدآورنده:
دفتر تألیف کتاب‌های درسی عمومی و متوسطه نظری	مدیریت برنامه‌ریزی درسی و تالیف:
محی الدین بهرام محمدبیان، حبیب تقواوی، علی جانبزگی، حسن حیدری، سیدمحمد دلبری و فاطمه یوسف‌نژاد (اعضای شورای برنامه‌ریزی) اباذر عباچی، علی چراغی، حمید محمدی و عادل اشکبوس (اعضای گروه تالیف) - عادل اشکبوس (سرگروه تالیف) - محمد کاظم بهنیا (پیراستار)	شناسه افزوده برنامه‌ریزی و تالیف:
اداره کل نظارت بر نشر و توزیع مواد آموزشی	مدیریت آماده‌سازی هنری:
احمدرضا امنی (مدیر امور فنی و چاپ) - محمد مهدی ذبیحی فرد (طراح جلد و صفحه‌ها)، آزاده امینیان (تصویرگر) - حسین چراغی، علیرضا ملکان، فاطمه پیشکی و مریم هدقارنژاد (امور آماده‌سازی)	شناسه افزوده آماده‌سازی:
تهران: خیابان ایرانشهر شمالی - ساختمان شماره ۴ آموزش و پرورش (شهید موسوی) تلفن: ۰۸۸۳۱۱۶۱-۹، دورنگار، ۸۸۳۰۹۲۶، کد پستی: ۱۵۸۴۷۷۳۵۹ ویکا: www.irtextbook.ir و www.chap.sch.ir	نشانی سازمان:
شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران تهران: کیلومتر ۱۷ جاده مخصوص کرج - خیابان ۶۱ (دارویخش) تلفن: ۰۴۹۸۵۱۶۱-۵، دورنگار، ۰۴۹۸۵۱۶۰ صندوق پستی: ۳۷۵۱۵-۱۳۹	ناشر:
شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران «سهامی خاص»	چاپخانه:
سال انتشار و نوبت چاپ: ۱۴۰۲	چاپ هفتم

شابک ۵-۹۶۴-۰۵-۲۷۶۶-۹۷۸

ISBN: 978-964-05-2766-5

A close-up portrait of Ayatollah Ruhollah Khomeini, an elderly man with a long white beard and mustache, wearing a dark turban. He is looking slightly to the left with a serious expression.

قال الإمام الخميني (قدس سره) :
«اللغة العربية لغة الإسلام،
والإسلام للجميع.»

صحيفة أمام خميني «قدس سره»

جلد ١١ . صفحة ٢٢٧

کلیه حقوق مادی و معنوی این کتاب متعلق به سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی وزارت آموزش و پرورش است و هرگونه استفاده از کتاب و اجزای آن به صورت چاپی و الکترونیکی و ارائه در پایگاه‌های مجازی، نمایش، اقتباس، تلخیص، تبدیل، ترجمه، عکسبرداری، نقاشی، تهیه فیلم و تکثیر به هر شکل و نوع، بدون کسب مجوز از این سازمان ممنوع است و متخلفان تحت پیگرد قانونی قرار می‌گیرند.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الفِهْرُس

الف	بِيَشْ كَفْتَار
١	الدَّرْسُ الْأَوَّلُ
مِنْ آيَاتِ الْأَخْلَاقِ + اسْمُ التَّعْصِيلِ وَ اسْمُ الْمَكَانِ + حِوارٌ فِي سُوقِ مَشَهُدٍ		
١٩	الدَّرْسُ الثَّانِي
فِي مَحْضِرِ الْمُعَلِّمِ + أَسْلوبُ الشَّرْطِ وَ آدَوَاتُهُ		
٣٣	الدَّرْسُ الثَّالِثُ
عَجَابُ الْأَسْجَارِ + الْمَعْرِفَةُ وَ الْكِتَرَةُ + حِوارٌ فِي الْمَلَعِبِ الْرِّيَاضِيِّ		
٤٩	الدَّرْسُ الرَّابِعُ
آدَابُ الْكَلَامِ + الْجَمْلَةُ بَعْدَ الْكِتَرَةِ		
٦٣	الدَّرْسُ الْخَامِسُ
الْكِذْبُ مِفْتَاحٌ لِكُلِّ شَرٍّ + تَرْجِمَةُ الْفِعْلِ الْمُضَارِعِ (١) + حِوارٌ فِي الصَّيْدِلِيَّةِ		
٧٥	الدَّرْسُ السَّادِسُ
آتَهُ مَارِي شِيمِيلُ + تَرْجِمَةُ الْفِعْلِ الْمُضَارِعِ (٢)		
٨٩	الدَّرْسُ السَّابِعُ
تَأَثِيرُ الْلُّغَةِ الْفَارِسِيَّةِ عَلَى الْلُّغَةِ الْتُّرْكِيَّةِ + مَعَانِي الْأَفْعَالِ النَّاقِصَةِ + حِوارٌ مَعَ الطَّيْبِ		

پیش‌گفتار

سخنی با دبیران، گروه‌های آموزشی، مدیران مدارس و اولیای دانشآموزان

شایسته است که دبیر عربی برای تدریس این کتاب:

۱. کتاب‌های عربی پایه‌های هفتم تا دهم را تدریس، یا به دقت مطالعه کرده باشد.
۲. دوره آموزشی توجیهی ضمن خدمت این کتاب را گذرانده باشد.
۳. کتاب معلم را با دقّت کافی بررسی کرده باشد.

خدای را سپاسگزاریم که به ما توفیق داد تا با نگارش کتاب عربی، زبان قرآن (۲) کتاب مشترک دو رشته علوم تجربی و ریاضی و فیزیک به جوانان کشور عزیزان خدمتی فرهنگی ارائه کنیم. رویکرد برنامه درسی عربی بر اساس برنامه درسی ملی این است: «پروش مهارت‌های زبانی به منظور تقویت فهم قرآن و متون دینی و کمک به زبان و ادبیات فارسی»

شیوه تألیف کتاب‌های عربی هفتم تا یازدهم متن محوری است. انتظار می‌رود دانشآموز پایه یازدهم بتواند در پایان سال تحصیلی، متون و آیات آسان قرآن، حدیث و نیز ترکیبات و عبارات عربی متون نظم و نثر فارسی را در حد ساختارهای خوانده شده، درست بخواند و معنای آنها را بفهمد و ترجمه کند.

همه کتاب‌های درسی با توجه به مصوبات اسناد بالادستی «برنامه درسی ملی» و «راهنمای برنامه درسی» نوشته شده است. برنامه درسی ملی، مهم‌ترین سند تألیف کتب درسی است. راهنمای برنامه درسی حوزه تربیت و یادگیری عربی نیز نقشه راه تألیف تمام کتاب‌های درسی عربی است.

كلمات کتاب‌های عربی پایه هفتم تا یازدهم، پرکاربردترین واژگان زبان عربی است که در قرآن، حدیث، روایات و زبان و ادبیات فارسی بسیار به کار رفته است. در این کتاب، ۲۵۴ کلمه پرکاربرد به کار رفته و افزون بر آن، از ۱۱۳۴ واژه کتاب‌های عربی پایه هفتم تا دهم بسیاری از آنها نیز در کتاب یازدهم تکرار شده است؛ پس در واقع هدف، آموزش حدود ۱۵۰۰ واژه پریسامد زبان عربی است. حدود ۵۵۰ واژه از ۸۱۲ واژه سه کتاب دوره اول متوسطه کاربرد قرآنی داشتند. در دوره دوم متوسطه نیز چنین است.

هدف اصلی، **فهم متون عربی** به ویژه قرآن کریم و نیز فهم متون دینی همانند احادیث، دعاها

و متون ادب فارسی آمیخته با واژگان عربی است.

از آنجا که یکی از چهار مهارت زبانی «سخن گفتن» است و به استناد برنامه درسی ملی، مکالمات کوتاهی در کتاب گنجانده شده است؛ مکالمه بستره مناسب برای آموزش هر زبانی است و کلاس درس را جذاب، شاداب، پرتحرک و فعال می‌سازد؛ ولی هدف اصلی برنامه درسی عربی نیست.

مهمنترین تأکیدات درباره شیوه تدریس و ارزشیابی کتاب:

۱ کتاب عربی زبان قرآن پایه یازدهم در هفت درس تنظیم شده است. هر درس را می‌توان در سه جلسه آموزشی تدریس کرد.

۲ دانش آموز پایه یازدهم تاکنون با این ساختارها آشنا شده است:
فعال‌های ماضی، مضارع، امر، نه، منفی، مستقبل، معادل ماضی استمراری، ترکیب اضافی و وصفی برای ترجمه صفت مؤخر در ترکیب‌های مانند «أَخْوَنُ الصَّغِيرُ»، هدف آموزش ترکیب وصفی و اضافی در عربی پایه نهم این بود که دانش آموز بتواند ترکیب‌هایی مانند «أَخِي الْعَزِيزُ» را داخل جمله (نه بپرون از جمله) ترجمه کند.
اسم اشاره، کلمات پرسشی و ساعت‌خوانی.

وزن و ریشه کلمات (در بخش وزن و حروف اصلی نیز با چند وزن معروف آشنا شده است).
عددهای اصلی یک تا صد (بدون توجه به قواعد محدود و ویژگی‌های آن) و عددهای ترتیبی یکم تا بیست، تشخیص و ترجمه فعل مجهول، نون و قایه، اسم فاعل، اسم مفعول و اسم مبالغه.
تشخیص محل اللإعرابی یعنی فاعل، مفعول، مبتدأ، خبر، صفت، مضاف اليه، جار و مجرور؛ اماً تشخیص إعراب (اصلی و فرعی) هدف نیست.

در این کتاب، تشخیص نوع باب و صیغه فعل مانند «مفروض مذکور غایب» و ذکر اصطلاحات ثالثی مجرد و مزید و تشخیص آنها از اهداف آموزشی نیست.

دانش آموز باید «تم» را در «فاللُّهُ» بشناسد و این فعل‌ها را به دنبال آن، درست ترجمه کند:
خَرَجْتُمْ، تَخَرَّجْتُمْ، أَخْرَجْتُمْ وَ إِسْخَرَجْتُمْ.
در کل کتاب آموخته‌های پیشین تکرار شده است، تا با گذر زمان، کم کم این آموخته‌ها ملکه ذهن فراکیر شود.

۳ متن درس اول، بخشی از آیات اخلاقی قرآن (آیات ۱۱ و ۱۲ سوره حُجُرات) است. قواعد درباره شناخت اسم تفضیل و اسم مکان است. در تمرینات اسم فاعل، اسم مفعول و اسم مبالغه که در سال گذشته آموزش داده شده دوباره تکرار شده است.

۴ موضوع متن درس دوم، احترام نهادن به کلاس و معلم است. قواعد درباره اسلوب شرط است.
دانش آموز با نحوه ترجمه ادوات شرط «مَنْ، مَا، إِنْ وَ إِذَا» آشنا می‌شود. فعل شرط و جواب آن را تشخیص می‌دهد. اماً آموزش جزء اهداف نیست.

۵ موضوع متن درس سوم، شگفتی‌های درختان است. اندیشیدن پیرامون آفریده‌های خدا در رهنمودهای بزرگان دین همواره تأکید شده، با توجه به سن پر جوش و خروش جوانی دانستنی‌هایی در متن آمده است که موجب ایجاد علاوه و انگیزه نسبت به درس شود. قواعد درس درباره ترجمه درست اسم معرفه و نکره است. از شش نوع اسم معرفه، فقط دو نوع توضیح داده شده که مهم‌ترین آنهاست؛ (معرفه به ال و علم).

۶ موضوع متن درس چهارم، آداب سخن گفتن است. آداب سخن گفتن با بهره‌گیری از سخنان بزرگان دین برای دانش‌آموز شرح داده شده است. هدف از تدریس کتاب پیش رو، تنها مهارت‌های چهارگانه زبانی نیست. در بیشتر متون و عبارات کتاب، برنامه‌پنهان آموزش وجود دارد که هدف آنها آموزش غیر مستقیم فرهنگ ایرانی - اسلامی است.

دانش‌آموز در بخش قواعد با معادلهایی از ماضی استمراری، ماضی بعيد و مضارع التزامی آشنا می‌شود.

۷ متن درس پنجم، داستانی در نکوهش دروغگویی است. این داستان برای دانش‌آموزان آراسته به سخنان بزرگان دین است و در آن از شیوه آموزش غیر مستقیم استفاده شده، روشنی که بنا به باور متخصصان حوزه تعلیم و تربیت مؤثرترین روش تربیتی است.

در قواعد این درس، معانی حروف «آن» و «ی، ل، لیک و حتی» آموزش داده شده است. نصب فعل مضارع، از اهداف نیست. لذا از آن سؤال طراحی نمی‌شود. هدف این است که دانش‌آموز فعل‌هایی مانند «لَنْ يَيَّسَ» را در جمله بشناسد، درست بخواند و درست ترجمه کند.

۸ متن درس ششم، درباره شادروان دکتر بانو آنه ماری شیمل است. شخصیتی جهانی که در شناساندن فرهنگ و ادبیات فارسی و نیز عربی به جهانیان نقشی شگفت‌انگیز داشته است. قواعد درس، درباره معانی حروف «لم، ل و لا» است. هدف این است که دانش‌آموز فعل‌هایی مانند «لَمْ يَسْمَعْ» را در جمله بشناسد، درست بخواند و درست ترجمه کند. آموزش جزم فعل، از اهداف نیست.

۹ متن درس هفتم، درباره تأثیر زبان فارسی در عربی است. موضوعی که برای بیشتر دانش‌آموزان و دیگران جالب بوده است و در نظرسنجی‌ها خواهستار چنین متنی در کتاب درسی بودند. از بخش «للمطالعه» سؤال امتحانی طرح نمی‌شود. کتاب‌های بسیاری درباره معربات فارسی نگاشته شده است، از آن جمله:

مُعَجَّمُ الْمُعَرَّبَاتِ الْفَارَسِيَّةِ مُنْذُ بَوَاكِيرِ الْعَصْرِ الْحَاضِرِ. محمد التونجي. مكتبة لبنان ناشرون. ریشه‌یابی واژه‌ها در قرآن. جلال الدین السیوطی (برگردان محمد جعفر اسلامی). شرکت سهامی انتشار.

واژه‌های دخیل در قرآن مجید. آتور چفری (برگردان فریدون بدره‌ای). توس.

الْمُهَدَّبُ فِي مَا وَقَعَ فِي الْقُرْآنِ مِنَ الْمُعَرَّبِ. جلال الدین السیوطی. مكتبة مشکاة الإسلامية. قواعد درس هفتم، کاربرد فعل‌های ربطی «کان، صار، یس و أَصْبَحَ» در زبان عربی است. دانش‌آموز با معانی مختلف این فعل‌ها آشنا می‌شود.

۱۰ نیازی به ارائه جزوه مکمل قواعد به دانش‌آموز نیست. هرجه در این باره لازم بوده در کتاب آمده است، یا سال بعد خواهد آمد.

۱۱ تحلیل صرفی و اعراب، تعریف و تشکیل و اعراب‌گذاری از اهداف کتاب درسی نیست. کل کتاب

درسی اعراب‌گذاری شده است، تا دانشآموز در درست‌خوانی دچار مشکل نشود. شایسته است طراحان آزمون، متون و عبارات امتحانی را کاملاً حرکت‌گذاری کنند.

۱۲ آموزش فعل و ضمیر در کتاب‌های دوره اول متوشطه بومی‌سازی شده و بر اساس «من، تو، او، ما، شما، ایشان» است. سبک پیشین این‌گونه بود: «هو، هُمَا، هُم، هيَ، هُنَّ، أَنْتَ، أَنْتُمَا، أَنْتُمْ، أَنْتُنَّ، أَنْتُنَّ، أنا، تَحْنُّ». آنچه نوین در تدریس آزمایشی کاملاً موفق بوده است و دانشآموزان درس را بهتر آموخته‌اند.

۱۳ تبدیل «مذگر به مؤتّ»، یا «مخاطب به غیر مخاطب»، یا «جمع به غیر جمع» و موارد مشابه از اهداف کتاب نیست.

۱۴ معنای کلمات در امتحان داخل چمله خواسته می‌شود. در چند تمرین کتاب درسی، معنای کلمه، بیرون از جمله است؛ اما جهت تسهیل آموزش و ارزشیابی شیوه طرح آن، همراه با یک نمونه ارائه شده است.

۱۵ روخانی‌های دانشآموز و فعالیت‌های او در بخش مکالمه در طول سال، نمره شفاهی دانشآموز را تشکیل می‌دهد.

۱۶ در کتاب به اندازه کافی جا برای نوشتن ترجمه و حل تمرین در نظر گرفته شده است، تا نیازی به دفتر تمرین نباشد. تنها متن درس جای کافی برای نوشتن ندارد که با نهادن یک برگه در کتاب، مشکل حل می‌شود.

۱۷ کلمات جدیدی که معنای آنها در پاورقی آمده است در آزمون‌ها طرح می‌شوند.
۱۸ از همکاران ارجمند خواستاریم تا با رویکرد دفتر تألیف همگام شوند؛ شش کتاب درسی عربی مجموعه‌ای یکپارچه‌اند و آموزش برخلاف اهداف درسی به روند آموزش آسیب می‌رساند.

آگاهی از نظریات شما موجب خوشحالی ما می‌شود؛ می‌توانید از طریق وبگاه گروه عربی پیغام بگذارید.

<http://arabic-dept.talif.sch.ir>

نشانی وبگاه گروه عربی:

سخنی با دانشآموز

عربی را می‌آموزیم؛ زیرا زبان قرآن، حدیث، دعا و زبان رسمی بسیاری از کشورهای مسلمان است؛ زبان و ادبیات فارسی با آن درآمیخته و برای فهم بهتر زبان و ادبیات فارسی آشنایی با زبان عربی لازم است؛ یکی از شش زبان رسمی سازمان ملل متحده است؛ زبانی پرمغنا و قوی است؛ و کتاب‌های بسیاری از دانشمندان به این زبان نوشته شده است.

این کتاب ادامه چهار کتاب پیشین است. هرچه در چهار سال گذشته آموخته‌اید در متون، عبارات و تمرین‌های این کتاب تکرار شده است. ترجمهٔ متون و عبارات کتاب بر عهدهٔ شمامت و دبیر نقش راهنمای دارد. شما به راحتی می‌توانید متون را ترجمه کنید.

استفاده از کتاب‌کار توصیه نمی‌شود. در کتاب‌هایی که به نام تیزهوشان یا آمادگی برای مسابقات طراحی می‌شود، موارد بسیاری می‌آید که از اهداف آموزشی زبان‌آموزی نیست. در آزمون‌هایی نیز که مؤسسات مختلف برگزار می‌کنند بسیاری از سؤالات خارج از اهداف آموزشی است و جنبهٔ معنّا دارد، یا اینکه حجمش آن قدر زیاد است که دانش‌آموز در پاسخ‌دهی وقت کم می‌آورد. لذا اگر در چنین آزمون‌هایی شرکت می‌کنید شایسته است بدانید از نظر اصول آموزش زبان، نه تنها مورد تأیید نیستند بلکه خلاف اهداف نیز هستند و موجب نالمیدی و دلسردی می‌شوند. برای یادگیری هر زبانی تکرار و تمرین لازم است. اگر می‌خواهید در درس عربی موفق‌تر باشید، متون و واژگان درس‌ها را پیش‌مطالعه کنید.

هدف این کتاب فهم متن است. اگر شما بتوانید متون عربی را خوب بخوانید، درست بفهمید و درست ترجمه کنید، خود به خود می‌توانید از فارسی به عربی نیز ترجمه کنید و حتی سخن بگویید؛ شما می‌توانید از آیات و احادیث کتاب‌های درسی عربی در سخنرانی، انشا و مقاله‌نویسی استفاده کنید.

«کتاب گویا» نیز برای پایهٔ تحصیلی یازدهم تهیّه شده است تا با تلفظ درست متون آشنا شوید. ترجمهٔ متون و عبارات کتاب و حل تمرین‌ها در کلاس به صورت گروهی است.

سخنی ویژه با مدیران مدارس

این کتاب نیازی به کتاب کار ندارد و تهیّه کتاب کار موجب لطمہ به روند آموزشی خواهد گردید. اگر مدرسهٔ شما ساعت اضافه برای درس عربی اختصاص داده، بهتر است که این زمان صرف تقویت مهارت‌های شفاهی زبان شود.

که را ز شنخوی بود در سرث

بیند ز طاووس جزپای زشت

(سعدی)



الْدَّرْسُ الْأَوَّلُ



﴿... يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا

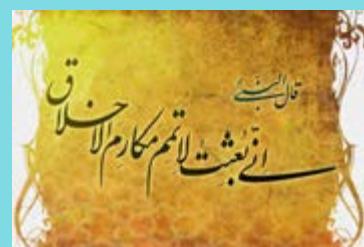
اجْتَنِبُوا كُثُرًا مِنَ الظُّنُّ ... ﴾ الحُجُّرات: ١٢

ای کسانی که ایمان آورده اید، از بسیاری از گمان ها بپرهیزید.

مِنْ آيَاتِ الْأَخْلَاقِ

﴿بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ﴾

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا يَسْخِرُ قَوْمٌ مِّنْ قَوْمٍ عَسَى أَنْ يَكُونُوا خَيْرًا مِّنْهُمْ وَلَا نِسَاءٌ
مِّنْ نِسَاءٍ عَسَى أَنْ يَكُنَّ خَيْرًا مِّنْهُنَّ وَلَا تَلْمِزُو أَنفُسَكُمْ وَلَا تَنابِزُو بِالْأَلْقَابِ
بِئْسَ الْإِسْمُ الْفُسُوقُ بَعْدَ الْإِيمَانِ وَمَنْ لَمْ يَتَبَّعْ فَأُولَئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ * يَا أَيُّهَا
الَّذِينَ آمَنُوا اجْتَنِبُوا كَثِيرًا مِّنَ الظُّنُنِ إِنَّ بَعْضَ الظُّنُنِ إِثْمٌ وَلَا تَجْسِسُوا وَلَا يَغْتَبُ
بَعْضُكُمْ بَعْضًا أَيُّحِبُّ أَحَدُكُمْ أَنْ يَأْكُلَ لَحْمَ أَخِيهِ مَيْتًا فَكَرِهْتُمُوهُ
وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ تَوَابٌ رَّحِيمٌ﴾ الْحُجَّرَاتُ: ١٢٥١١



قَدْ يَكُونُ بَيْنَ النَّاسِ مَنْ هُوَ أَحْسَنُ مِنْهُ، فَعَلَيْنَا أَنْ نَبْتَعِدَ عَنِ الْعُجْبِ وَأَنْ لَا نَذْكُرَ عُيوبَ
الآخَرِينَ بِكَلَامٍ حَفِيٌّ أَوْ بِإِشَارَةٍ. فَقَدْ قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: «أَكْبَرُ الْعَيْبِ أَنْ تَعِيبَ



ما فِيكَ مِثْلُهُ».

تَصَحُّنَا إِلَيْهِ الْأُولَىٰ وَ تَقُولُ: لَا تَعْيِبُوا الْآخَرِينَ. وَ لَا تُلْقِبُوهُم بِالْقَابٍ يَكْرَهُونَهَا.

يُئْسَ الْعَمَلُ الْفُسُوقُ! وَ مَنْ يَفْعَلُ ذَلِكَ فَهُوَ مِنَ الظَّالِمِينَ.

إِذْنَ فَقَدْ حَرَمَ اللَّهُ تَعَالَى فِي هَاتِنِ الْآيَتِينِ:

■ **الْإِسْتِهْزَاءُ بِالْآخَرِينَ، وَ تَسْمِيَةُهُمْ**

بِالْأَسْمَاءِ الْقَبِيحةِ.

■ سُوءُ الْظَّنِّ، وَ هُوَ اتِّهَامُ شَخْصٍ لِشَخْصٍ آخَرَ

بِدُونِ دَلِيلٍ مَنْطَقِيٍّ.

■ الْأَتَجَسْسَ، وَ هُوَ مُحاوَلَةٌ قَبِيحةٌ لِكَشْفِ أَسْرَارِ

النَّاسِ لِقَضْحِهِمْ وَ هُوَ مِنْ كَبَائِرِ الدُّنُوبِ فِي مَكْتِبَنَا

وَ مِنَ الْأَخْلَاقِ السَّيِّئَةِ.

■ وَ الْغَيْبَةُ، وَ هِيَ مِنْ أَهْمَمِ أَسْبَابِ قَطْعِ

الْتَّوَاصُلِ بَيْنَ النَّاسِ.

سَمِّيَ بَعْضُ الْمُفَسِّرِينَ سُورَةَ الْحُجْرَاتِ الَّتِي

جَاءَتْ فِيهَا هَاتِنِ الْآيَاتِنِ بِسُورَةِ الْأَخْلَاقِ.



عَسْيٌ : شاید = **رُبَّما**
فُسُوق : آلوده شدن به گناه
فَضْح : رسوا کردن
قَدْ : گاهی، شاید (بر سر مضارع)
 «**قَدْ يَكُونُ**: گاهی می باشد» / بر سر فعل ماضی برای نزدیک ساختن زمان فعل به حال و معادل ماضی نقلی است.
كَبَائِر : گناهان بزرگ «مفرد: **كَبِيرَة**»
كَرِهَ : ناپسند داشت (مضارع: **يَكُرُهُ**)
لَحْمٌ : گوشت «جمع: **لُحُومٌ**»
لَقْبٌ : لقب داد (مضارع: **يُلَقِّبُ**)
لَمَرَّ : عیب گرفت (مضارع: **يَلْمِرُ**)
مَيْتٌ : مُرْدَه = **مَيْتٌ**
 «جمع: **أَمْوَاتٌ**، **مَوْتَىٰ**» ≠ **حَيٌّ**

تَسْمِيَة : نام دادن، نامیدن
 (**سَمِّيٌّ** / **يُسَمِّي**)
تَنَابُزٌ بِالْأَلْقَابِ : به یکدیگر لقب های رشت دادن (تَنَابَزٌ، **يَتَنَابَزُ**)
تَوَابَ : بسیار توبه پذیر، بسیار توبه کننده
تَوَاصُلٌ : ارتباط (تَوَاصَلٌ، **يَتَوَاصِلُ**)
حَرَمٌ : حرام کرد (مضارع: **يُحَرِّمُ**)
خَفِيٌّ : پنهان ≠ ظاهر
سَخِرَ مِنْ : مسخره کرد (مضارع: **يَسْخُرُ** / مصدر: **سُخْرِيَّة**)
 لا **يَسْخَرُ**: نباید مسخره کند
عَابٌ : عیب جویی کرد، عیب دار کرد (مضارع: **يَعِيبُ**)
عَجْبٌ : خودپسندی

إِنْقَيٌّ : پروا کرد (مضارع: **يَنْقِي**)
إِنْتَقَوا اللَّهُ : از خدا پروا کنید
إِثْمٌ : گناه = **ذَنْبٌ**
إِسْتِهْزَاءٍ : ریشخند کردن
 (**إِسْتَهْزَأَ**، **يَسْتَهْزِئُ**)
إِغْنَابٌ : غیبت کرد (مضارع: **يَغْتَابُ**)
 لا **يَغْتَبُ**: نباید غیبت کند
أَنْ يَكُنْ : که باشد (کان، **يَكُونُ**)
أَنْ يَكُونُوا : که باشند (کان، **يَكُونُ**)
بَعْضٌ ... بَعْضٌ : یکدیگر
بِشْسَ : بد است
تَابٌ : توبه کرد (مضارع: **يَتُوبُ**)
لَمْ يَتُبُّ : توبه نکرد
تَجَسَّسَ : جاسوسی کرد (مضارع: **يَتَجَسَّسُ**)



عَيْنِ الصَّحِيحَ وَ الْخَطَا حَسَبَ نَصَّ الدَّرِسِ.

١- سَمِّيَ بَعْضُ الْمُفَسِّرِينَ سُورَةَ الْحُجَّرَاتِ بِعَرَوْسِ الْقُرْآنِ.

٢- حَرَمَ اللَّهُ فِي هَاتِينِ الْأَيَتَيْنِ الِاسْتِهْزَاءُ وَالْغَيْبَةُ فَقَطُ.

٣- الْغَيْبَةُ هِيَ أَنْ تَدْكُرَ أَخَاكَ وَ أَخْتَكَ بِمَا يَكْرَهَا.

٤- إِنَّ اللَّهَ يَنْهَا النَّاسَ عَنِ السُّخْرِيَّةِ مِنَ الْآخَرِينَ.

٥- الْسَّعْيُ لِمَعْرِفَةِ أَسْرَارِ الْآخَرِينَ أَمْرٌ جَمِيلٌ.

اعلَمُوا

إِسْمُ التَّفْضِيلِ وَ اسْمُ الْمَكَانِ

■ اسم **تفضيل** مفهوم برتری دارد و بر وزن «أَفْعَلٌ» است.

اسم تفضيل معادل «**صفت برتر**» و «**صفت برترین**» در زبان فارسي است؛ مثال:

گبیر: بزرگ **أَكْبَرٌ**: بزرگتر، بزرگترین **حَسَنٌ**: خوب **أَحْسَنٌ**: خوبتر، خوبترین

آسیا **بِزَرْگٌ تَرٌ از** اروپا است. آسیا **أَكْبَرُ مِنْ أُورُوْبَاً**.

آسیا **بِزَرْگٌ تَرٌ قَارَهٰ هَاهِي** جهان است. آسیا **أَكْبَرُ قَارَاتِ الْعَالَمِ**.

آسیا **بِزَرْگٌ تَرٌ قَارَهٰ** در جهان است. آسیا **أَكْبَرُ قَارَةٍ فِي الْعَالَمِ**.



جَبَلٌ دَمَاؤَنْدٌ أَعْلَى مِنْ جَبَلٍ دِنَا. كوه دماوند بلندتر از کوه دناس است.

جَبَلٌ دَمَاؤَنْدٌ أَعْلَى جِبالٍ إِيرَانَ. كوه دماوند بلندترین کوههای ایران است.

جَبَلٌ دَمَاؤَنْدٌ أَعْلَى جَبَلٍ فِي إِيرَانَ. کوه دماوند بلندترین کوه در ایران است.



أَكْبَرُ الْعَيْبِ، أَنْ تَعِيبَ مَا فِيكَ مِثْلُهُ. الإمامُ عَلَيْهِ السَّلَامُ

بزرگترین عیب آن است که [از کسی] عیبی بگیری که مانند آن در خودت هست.

■ گاهی وزنِ اسم تفضیل به این شکل‌ها می‌آید:

أَعْلَى: بُلندتر، بلندترین
أَعْلَى: گران‌تر، گران‌ترین

أَقْلَى: کمتر، کمترین
أَحَبّ: محبوب‌تر، محبوب‌ترین

■ مؤنث اسم تفضیل بر وزن «فُعلی» می‌آید؛ مثال:

فاطِمَةُ الْكُبْرَى: فاطمه بزرگ‌تر، زَيَّبُ الصُّغْرَى: زینب کوچک‌تر
«اسم تفضیل» در حالت مقایسه بین دو اسم مؤنث معمولاً بر همان وزن «أَفعَل» می‌آید؛
مثال: فاطمه أَكْبَرُ مِنْ زینب.



■ غالباً جمع اسم تفضیل بر وزن «أَفْاعِل» است؛ مثال:

إذا مَلَكَ الْأَرَادِيلُ هَلَكَ الْأَفَاضِيلُ. (أَرَادِيل جمع أَرْدَل و أَفَاضِيل جمع أَفْضَل است).

■ هرگاه بعد از اسم تفضیل، حرف جر «من» باید (أَفعُل مِنْ ...)، معنای «برتر»

دارد؛ مثال:

هذا أَكْبَرُ مِنْ ذَاكَ.
این از آن بزرگ‌تر است.

و هرگاه اسم تفضیل مضاف واقع شود، معنای «برترین» دارد؛ مثال:

سورةُ الْبَقَرَةِ أَكْبَرُ سورةٍ فِي الْقُرْآنِ. سوره بقره بزرگ‌ترین سوره در قرآن است.

اِخْتِبَرْ نَفْسَكَ: تَرْجِمُ الْأَحَادِيثَ التَّالِيَةَ، ثُمَّ ضَعْ خَطًّا تَحْتَ اسْمِ التَّفْضِيلِ.

١ سُئِلَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: مَنْ أَحَبُّ النَّاسِ إِلَى اللَّهِ؟ قَالَ: أَنْفَعُ النَّاسِ لِلنَّاسِ.

٢ أَحَسَنُ زِينَةِ الرَّجُلِ السَّكِينَةُ مَعَ إِيمَانٍ. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ

٣ أَفْضَلُ الْأَعْمَالِ الْكَسْبُ مِنَ الْحَلَالِ. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ

دو کلمه «خَيْر» و «شَرّ» علاوه بر اینکه به معنای «خوبی» و « بدی» هستند، می‌توانند به معنای اسم تفضیل نیز بیایند؛ در این صورت، معمولاً بعد از آن حرف جرّ «مِنْ» است، یا به صورت « مضاف» می‌آید؛ مثال:

٤ خَيْرٌ مِنَ الْخَيْرِ فَاعِلُهُ، وَ أَجَلٌ مِنَ الْجَمِيلِ قَائِلُهُ. الْإِمَامُ الْهَادِي عَلَيْهِ الْكَوَافِرُ

بهتر از خوبی انجام دهنده‌اش است و زیباتر از زیبا گوینده‌اش می‌باشد.

٥ شَرُّ التَّالِيْسِ مَنْ لَا يَعْتَقِدُ الْأَمَانَةَ وَ لَا يَجْتَبِيُ الْخِيَانَةَ. أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ الْكَوَافِرُ

بدترین مردم کسی است که پاییند به امانت نباشد و از خیانت دوری نکند.

٦ خَيْرُ الْأُمُورِ أَوْسَطُهَا. أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ الْكَوَافِرُ

بهترین کارها میانه ترین آنهاست.

٧ حَيَّ عَلَى خَيْرِ الْعَمَلِ.

به سوی بهترین کار بشتاب.

١ سُئِلَ: از ... پرسیده شد ٢ آلرَّجُلُ: انسان، مرد ٣ آلسَكِينَةُ: آرامش ٤ حَيَّ: بشتاب

١ إِخْتِرْ نَفْسَكَ: تَرْجِمُ الْعِبَارَاتِ التَّالِيَةَ.

﴿... رَبَّنَا آمَنَا فَاغْفِرْلَنَا وَارْحَمْنَا وَأَنْتَ خَيْرُ الرَّاحِمِينَ﴾ الْمُؤْمِنُونَ: ٩٠ ١

٢ خَيْرُ إِخْوَانِكُمْ مَنْ أَهْدَىٰ إِلَيْكُمْ عِيُوبَكُمْ. رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

٣ ﴿لَيْلَةُ الْقَدْرِ خَيْرٌ مِّنْ أَلْفِ شَهْرٍ﴾ الْقَدْرُ: ٣



٤ مَنْ غَلَبَ شَهْوَتُهُ عَقْلَهُ فَهُوَ شَرٌّ مِّنَ الْبَهَائِمِ. أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ

٥ شَرُّ النَّاسِ ذُو الْوَجْهَيْنِ.

١ - أَهْدَى: هدية كرد ٢ - غَلَبَتْ: چیره شد

■ **اسم مکان** بر مکان دلالت دارد و بیشتر بر وزن **مفعَل** و **گاهی** بر وزن **مفعِل** و **مفعَلة** است؛ مثال:

مَطْعَمٌ: رستوران مَصْنَعٌ: کارخانه مَلْعَبٌ: ورزشگاه

مَكْتبَةٌ: کتابخانه مَطْبَعَةٌ: چاپخانه مَوْقِفٌ: ایستگاه

■ جمع اسم مکان بر وزن «**مفاعِل**» است؛ مانند: مَدَارِس، مَلَاعِب، مَطَاعِم و مَنَازِل.

إِخْتَيِرْ نَفْسَكَ: تَرْجِمِ الْأَيْتَيْنِ وَالْعِبَارَةَ، ثُمَّ عَيَّنِ اسْمَ الْمَكَانِ وَاسْمَ التَّفْضِيلِ.

﴿... وَ جَادَلُهُم بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ بِمَنْ ضَلَّ عَنْ سَبِيلِهِ ...﴾ ١

آلنَّحْل: ١٢٥

﴿وَ الْآخِرَةُ حَيْرٌ وَ أَبْقَى﴾ الآئُغْلَى: ١٧ ٢

٣ كانت مكتبة «جندی سابور» في خوزستان أكبر مكتبة في العالم القديم.



١- جادل: بحث کن ٢- ضَلَّ: گمراه شد

در گروه‌های دو نفره شبیه گفت‌وگوی زیر را اجرا کنید.

حِوارٌ

(في سوق مشهد)

بائع الملابس

الزائرة العربية

عَلَيْكُمُ السَّلَامُ، مَرْحَبًا بِكِ.

سَلَامٌ عَلَيْكُمْ.

سِتُّونَ آلْفَ تومان.

كَمْ سُعْرٌ هَذَا الْقَمِيصِ الرِّجَالِيُّ؟

عِنْدَنَا يَسِعْرُ خَمْسِينَ آلْفَ تومان. تَفَضَّلِي، أُنْظُرِي.

أُرِيدُ أَرْخَصَ مِنْ هَذَا. هَذِهِ الْأَسْعَارُ غَالِيَةٌ.

أَبْيَضُ وَأَسْوَدُ وَأَزْرَقُ وَأَحْمَرُ وَأَصْفَرُ وَ
بَنَفَسَجِيًّا.

أَيْ لَوْنٍ عِنْدَكُمْ؟

تَبَدَّلُ الْأَسْعَارُ مِنْ خَمْسَةٍ وَسَبْعِينَ آلْفًا إِلَى
خَمْسَةٍ وَثَمَانِينَ آلْفَ تومان.

بِكُمْ تومان هَذِهِ الْفَسَاتِينُ؟

سَيِّدَتِي، يَخْتَلِفُ السُّعْرُ حَسْبَ النَّوْعِيَّاتِ.^۲

الْأَسْعَارُ غَالِيَةٌ!

السُّرَوَالُ الرِّجَالِيُّ بِتِسْعِينَ آلْفَ تومان، وَالسُّرَوَالُ
النِّسَائِيُّ بِخَمْسَةٍ وَتِسْعِينَ آلْفَ تومان.

بِكُمْ تومان هَذِهِ السُّرَاوِيلُ؟

ذُلِّكَ مَتَجْرٌ زَمِيلِيٌّ، لَهُ سَرَاوِيلٌ أَفْضَلُ.

أُرِيدُ سَرَاوِيلَ أَفْضَلَ مِنْ هَذِهِ.

۱- سِعْرٌ: قيمت «جمع:أسعار» ۲- نَوْعِيَّة: جنس ۳- مَتَجْرٌ: مغازه ۴- زَمِيلٌ: همکار

في متجر زميله ...

صار المبلغ مئتين و ثلاثين ألف تومان.
أعطيوني بعد التخفيض مئتين و عشرين ألفاً.

رجاءً، أعطني سروالاً من هذا النوع و ...
كم صار المبلغ؟



١- تخفيض: تخفييف

الَّتَّمَرِينُ الْأَوَّلُ: أَيُّ كَلِمَةٍ مِنْ كَلِمَاتِ مُعَجمِ الدَّرِسِ تُنَاسِبُ التَّوْضِيحاَتِ التَّالِيَّةَ؟

١- جَعَلَهُ حَرَاماً:

.....

٢- الَّذِي لَيْسَ حَيَاً:

.....

٣- الْذُنُوبُ الْكَبِيرَةُ:

.....

٤- الَّذِي يَقْبِلُ التَّوْبَةَ عَنِ عِبَادِهِ:

.....

٥- تَسْمِيَّةُ الْآخَرِينَ بِالْأَسْمَاءِ الْقَبِيحةِ:

.....

٦- ذَكَرَ مَا لَا يَرْضِي بِهِ الْآخِرُونَ فِي غِيَابِهِمْ:

الَّتَّمَرِينُ الثَّانِي: تَرْجِمْ هَذِهِ الْأَحَادِيثُ النَّبِيَّةُ، ثُمَّ عَيْنِ الْمَطْلُوبَ مِنْكَ.

١- حُسْنُ الْخُلُقِ يُصْفُ الدِّينِ. (المُبَيَّدَا وَ الْخَبَرَ)

٢- مَنْ سَاءَ خُلُقُهُ عَذَّبَ نَفْسَهُ. (المفعول)

٣- اللَّهُمَّ كَمَا حَسَّنْتَ خَلْقِي، فَحَسِّنْ خُلُقِي. (الفعل الماضي و فعل الأمر)

٤- لَيْسَ شَيْءٌ أَثْقَلَ فِي الْمِيزَانِ مِنَ الْخُلُقِ الْحَسَنِ. (اسم التفضيل والجار و المجرور)

١- ساء: بد شد ٢- عَذَّبَ: عذاب داد ٣- حَسَّنْتَ: نيكو گردانید ٤- ميزان: ترازو (ترازوی اعمال)

الْتَّمَرِينُ الْثَالِثُ: تَرْجِمُ الْأَفْعَالَ وَالْمَصَادِرَ التَّالِيَةَ.

الْمَصْدَر	الْأَمْرُ وَ النَّهْيُ	الْمُضَارِعُ وَ الْمُسْتَقْبِلُ	الْمَاضِي
إِحْسَان: نیکی کردن أَخْسِنْ:	يُحْسِنُ: نیکی می کند قَدْ أَحْسَنَ:
إِقْتِرَاب: نزدیک شدن لَا تَقْتَرِبُوا: يَقْتَرِبُونَ:	إِقْرَاب: نزدیک شد
إِنْكِسَار: شکسته شدن	لا تَنْكِسْرُ: شکسته نشو سَيْنَكِسْرُ: إِنْكَسَرَ:
إِسْتِغْفار:.....	إِسْتَخْفَرْ: آمرزش بخواه يَسْتَخْفِرُ:	إِسْتَخْفَرَ: آمرزش خواست
مُسَافَرَة: سفر کردن لَا تُسَافِرْ: لَا يُسَافِرُ:	ما ساقَرْتُ: سفر نکردم
تَعْلُم: یاد گرفتن تَعْلَمْ:	يَتَعَلَّمَانِ: یاد می گیرند تَعَلَّمَ:
تَبَادُل: عوض کردن	لا تَتَبَادَلُوا: عوض نکنید تَتَبَادَلُونَ: تَبَادَلْتُمْ:
تَعْلِيم: آموزش دادن عَلَّمْ:	سَوْفَ يُعَلَّمُ:	قَدْ عَلَّمَ: آموزش داده است

الْتَّمْرِينُ الرَّابِعُ: أَكْتُبِ الْعَمَلِيَّاتِ الْحِسَابِيَّةَ التَّالِيَّةَ كَالْمِثَالِ:

- ١- عَشَرَةُ زَائِدُ أَرْبَعَةٍ يُسَاوِي أَرْبَعَةَ عَشَرَ.
- ٢- مِئَةُ تَقْسِيمٍ عَلَى اثْنَيْنِ يُسَاوِي خَمْسِينَ.
- ٣- ثَمَانِيَّةٌ فِي ثَلَاثَةٍ يُسَاوِي أَرْبَعَةَ وَعِشْرِينَ.
- ٤- سِتَّةٌ وَسَبْعُونَ ناقِصٌ أَحَدُعَشَرَ يُسَاوِي خَمْسَةً وَسِتِّينَ.

الْتَّمْرِينُ الْخَامِسُ: عَيْنِ الْمَحَلِ الْإِعْرَابِيِّ لِلْكَلِمَاتِ الْمُلَوَّنَةِ.

- ١- ﴿فَأَنْزَلَ اللَّهُ سَكِينَتَهُ عَلَى رَسُولِهِ وَعَلَى الْمُؤْمِنِينَ﴾ الفتح: ٢٦
- ٢- ﴿لَا يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا﴾ البقرة: ٢٨٦
- ٣- السُّكُوتُ ذَهَبٌ وَالْكَلَامُ فِضَّةٌ. رسول الله ﷺ
- ٤- أَحَبُّ عِبَادَ اللَّهِ إِلَيْهِ اللَّهُ أَنْفَعُهُمْ لِعِبَادَةِ رسول الله ﷺ
- ٥- عَدَاوَةُ الْعَاقِلِ حَيْرٌ مِنْ صَدَاقَةِ الْجَاهِلِ. أمير المؤمنين ع عليه السلام

آلَّثَمْرِينُ السَّادِسُ: تَرْجِمَ التَّرَاكِيبَ وَالْجُمَلَ التَّالِيَةَ، ثُمَّ عَيْنَ اسْمَ الْفَاعِلِ، وَاسْمَ الْمَفْعُولِ، وَاسْمَ الْمُبَالَغَةِ، وَاسْمَ الْمَكَانِ، وَاسْمَ التَّفْضِيلِ.

١- ﴿رَبُّ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ﴾: الْشِّعْرَاءُ: ٢٨

٢- ﴿... إِنَّكَ أَنْتَ عَلَّامُ الْغُيُوبِ﴾ الْمَائِدَةُ: ١٠٩

٣- ﴿... مَنْ بَعَثَنَا مِنْ مَرْقَدِنَا هَذَا مَا وَعَدَ الرَّحْمَنُ وَصَدَقَ الْمُرْسَلُونَ﴾ يس: ٥٢

٤- يَا مَنْ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ:

٥- يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ:

٦- يَا سَاتِرَ كُلِّ مَعِيوبٍ:

٧- يَا عَفَّارَ الدُّنُوبِ:

الَّتَّمَرِينُ السَّابِعُ: عَيْنِ الْكَلِمَةِ الْغَرِيبَةِ فِي كُلِّ مَجْمُوعَةٍ.

<input type="checkbox"/> مَيْت	<input type="checkbox"/> لَيْل	<input type="checkbox"/> مَسَاء	<input type="checkbox"/> صَبَاح
<input type="checkbox"/> إِثْم	<input type="checkbox"/> فُسُوق	<input type="checkbox"/> لَحْم	<input type="checkbox"/> عُجْب
<input type="checkbox"/> أَوْلَاد	<input type="checkbox"/> رِجَال	<input type="checkbox"/> نِسَاء	<input type="checkbox"/> كَبَائِر
<input type="checkbox"/> لَمَرْ	<input type="checkbox"/> سَاعَدَ	<input type="checkbox"/> عَابَ	<input type="checkbox"/> سَخِيرَ
<input type="checkbox"/> أَصْلَح	<input type="checkbox"/> أَجْمَل	<input type="checkbox"/> أَحْسَن	<input type="checkbox"/> أَحْمَر
<input type="checkbox"/> أَكْثَر	<input type="checkbox"/> أَبْيَض	<input type="checkbox"/> أَزْرَق	<input type="checkbox"/> أَصْفَر

الَّتَّمَرِينُ الثَّامِنُ: ضَعْ فِي الْفَرَاغِ كَلِمَةً مُنَاسِبَةً.

- ١- إِشْتَرِينَا وَفَسَاتِينَ بِأَسْعَارٍ رَخِيمَةٍ فِي الْمَتَجِرِ.
 - ٢- مَن الْمُؤْمِنِينَ فَعَلَيْهِ أَنْ يَعْتَذِرَ إِلَيْهِمْ.
 - ٣- خَمْسَةُ وَسِتُّونَ نَاقِصُ ثَلَاثَةٍ وَعِشْرِينَ يُسَاوِي
 - ٤- أَرَادَ الْمُشَتَّري السُّعْرِ.
- اِغْتَابَ اِتَّقَى مَدَحَ
- اِثْنَيْنِ وَأَرْبَعِينَ اِثْنَيْنِ وَسَبْعِينَ أَرْبَعَةُ وَعِشْرِينَ
- نَوْعِيَّةَ مَثَجَرَ تَخْفِيَضَ

● الْبَحْثُ الْعِلْمِيُّ

■ إِسْتَخْرَجَ خَمْسَةً أَسْمَاءً تَفْضِيلٍ مِنْ دُعَاءِ الْإِفْتَتاحِ.

اللَّهُمَّ إِنِّي أَفْتَحُ الشَّنَاءَ بِحَمْدِكَ وَأَنْتَ مُسَدِّدُ لِلصَّوَابِ بِمَنْكَ، وَأَيَقْنَتُ أَنَّكَ أَنْتَ أَرَحَمُ الرَّاحِمِينَ فِي مَوْضِعِ الْعَفْوِ الرَّحْمَةِ، وَأَشَدُ الْمُعَاكِبَيْنَ فِي مَوْضِعِ النَّكَالِ وَالتِّقْمَةِ، وَأَعْظَمُ الْمُتَجَبِّرِينَ فِي مَوْضِعِ الْكَبْرِيَاءِ وَالْعَظَمَةِ.

خدایا، من با سپاسگزاری از تو ستایشیت را آغاز می‌کنم و تو با مهوروزی‌ات رهمنمون به راه درست هستی. باور کردم که تو در جایگاه گذشت و مهربانی مهربان‌ترین مهربانانی و در جایگاه کیفر و انتقام، سخت‌ترین کیفر دهنده‌گانی و در جایگاه بزرگ‌منشی و بزرگ‌واری، بزرگ‌ترین نیرومندانی.

اللَّهُمَّ أَذِنْتَ لِي فِي دُعَائِكَ وَمَسَالَّتِكَ، فَاسْمَعْ يَا سَمِيعُ مِدْحَتِي، وَأَحِبْ يَا رَحِيمُ دُعَوَتِي، وَأَقِلْ يَا غَفُورُ عَثْرَتِي، فَكُمْ يَا إِلَهِي مِنْ كُرْبَةٍ قَدْ فَرَجْتَهَا، وَهُمُومٍ قَدْ كَشَفْتَهَا، وَعَثْرَةٍ قَدْ أَقْلَلْتَهَا، وَرَحْمَةٍ قَدْ نَسَرْتَهَا، وَحَلْقَةٍ بَلَاءٍ قَدْ فَكَكْتَهَا!

خدایا، در فراخواندنت و در درخواست از خودت به من اجازه دادی، پس ای شنووا ستایشیم را بشنو و ای مهربان دعاایم را برآورده کن و ای آمرزنده از لغزشم در گذر، ای خدای من، چه بسیار اندوه‌هایی که از آن گره گشودی و غم‌هایی که از من برداشتی و لغزشی که از آن در گذشتی و چه بسیار مهربانی که آن را گستردنی و زنجیر بلای که آن را گشودی.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَرَسُولِكَ وَأَمِينِكَ وَصَفِيلِكَ وَحَبِيبِكَ وَخَيرِتِكَ مِنْ خَلْقِكَ، وَحَافِظْ سِرْكَ، وَمُبْلِغْ رِسَالَاتِكَ أَفْضَلَ وَأَحْسَنَ وَأَجْمَلَ وَأَكْمَلَ وَأَرْكَ وَأَنْسَى وَأَطْبَى وَأَطْهَرَ وَأَسْنَى وَأَكْثَرَ مَا صَلَّيْتَ وَبَارِكْتَ وَتَرَحَّمْتَ وَتَحْنَثَتَ وَسَلَّمْتَ عَلَى أَحَدٍ مِنْ عِبَادِكَ وَأَبْيَائِكَ وَرُسُلِكَ وَصِفْوَاتِكَ وَأَهْلِ الْكَرَامَةِ عَلَيْكَ مِنْ خَلْقِكَ.

خدایا، درود بفرست بر محمد: بندهات، فرستادهات، امانتدارت، برگزیدهات، یارت، بهترین آفریدهات، نگاهدار رازت، رساننده پیام‌هایت. [درودی که] برترین، بهترین، زیباترین، کامل‌ترین، پاک‌ترین، بالندترین، خوب‌ترین، پاکیزه‌ترین، بلندترین و بیشترین درودی باشد که فرستادهای و برکت دادهای و مهربانی کردهای و مهر ورزیدهای و سلام دادهای بر یکی از بندهگان و پیامبران و فرستادگان و برگزیدگان‌ت و اهل بخشش از آفریدگان‌ت.





الدُّرْسُ الثَّانِي



﴿إِقْرَا وَرَبُّكَ الْأَكْرَمُ * الَّذِي عَلَمَ بِالْقَلْمَ﴾

العلق: ٣ و ٤

بخوان که پروردگارت گرامیترین است، همو که با قلم یاد داد.

فِي الْحِصَةِ الْأُولَى كَانَ الطُّلَّابُ يَسْتَمِعُونَ إِلَى كَلَامِ مُدَرِّسِ الْكِيمِيَاءِ، وَ كَانَ بَيْنَهُمْ طَالِبٌ مُشَاغِبٌ قَلِيلُ الْأَدَبِ، يَضُرُّ الطُّلَّابَ بِسُلُوكِهِ، يَلْتَفِتُ تَارَةً إِلَى الْوَرَاءِ وَ يَتَكَلَّمُ مَعَ الَّذِي خَلْفَهُ وَ تَارَةً يَهْمِسُ إِلَى الَّذِي يَجْلِسُ جَنْبَهُ حِينَ يَكْتُبُ الْمُعَلِّمُ عَلَى السَّبَّوْرَةِ؛ وَ فِي الْحِصَةِ الثَّانِيَةِ كَانَ الطَّالِبُ يَسْأَلُ مُعَلِّمَ عِلْمِ الْأَحَيَاِ تَعْنِتًا؛ وَ فِي الْحِصَةِ الْثَالِثَةِ كَانَ يَتَكَلَّمُ مَعَ زَمِيلٍ مِثْلِهِ وَ يَضْحَكُ؛ فَنَصَّحَهُ الْمُعَلِّمُ وَ قَالَ: مَنْ لَا يَسْتَمِعُ إِلَى الدَّرْسِ جَيِّدًا يَرْسُبُ فِي الْإِمْتِحانِ. وَلِكِنَّ الطَّالِبَ اسْتَمَرَ عَلَى سُلُوكِهِ.



فَكَرْ مِهْرَانُ حَوْلَ هَذِهِ الْمُشْكِلَةِ، فَدَهَبَ إِلَى مُعَلِّمِ الْأَدَبِ الْفَارِسِيِّ وَ شَرَحَ لَهُ الْقَضِيَّةَ وَ قَالَ: أُحِبُّ أَنْ أَكْتُبَ إِنْشَاءً تَحْتَ عِنْوَانِ «فِي مَحَضِرِ الْمُعَلِّم»؛ فَوَافَقَ الْمُعَلِّمُ عَلَى طَلَبِهِ، وَ قَالَ لَهُ: إِنْ تُطَالِعَ كِتَابَ «مُنْيَةِ الْمُرِيدِ» لِزَيْنِ الدِّينِ الْعَامِلِيِّ «الشَّهِيدِ الثَّانِي» يُسَاعِدُكَ عَلَى كِتَابَةِ إِنْشَائِكَ؛ ثُمَّ كَتَبَ مِهْرَانُ إِنْشَاءً وَ أَعْطَاهُ لِمُعَلِّمِهِ. فَقَالَ الْمُعَلِّمُ لَهُ: إِنْ تَقْرَأُ إِنْشَاءَكَ أَمَّا الطُّلَابُ فَسَوْفَ يَتَبَرَّأُ زَمِيلُكَ الْمُشَاغِبُ.

وَ هَذَا قِسْمٌ مِّنْ نَصٍّ إِنْشَائِيٍّ

... الْأَلْفُ عَدْدٌ مِّنَ الْعُلَمَاءِ كُتُبًا فِي مَجَالَاتِ التَّرْبِيَّةِ وَ التَّعْلِيمِ، يَرْتَبِطُ بَعْضُهَا بِالْمُعَلِّمِ، وَ الْأُخْرَى بِالْمُتَعَلِّمِ؛ وَ لِلْطَّالِبِ فِي مَحَضِرِ الْمُعَلِّمِ آدَابٌ، مَنْ يَلْتَزِمُ بِهَا يَنْجُحُ؛ أَهْمُمُهَا:

١ أَنْ لَا يَعْصِي أَوْاْمِرَ الْمُعَلِّمِ.

٢ الْأَجْتِنَابُ عَنْ كَلَامِ فِيهِ إِسَاءَةٌ لِلْأَدَبِ.

٣ أَنْ لَا يَهْرُبَ مِنْ أَدَاءِ الْوَاجِبَاتِ الْمَدَرِسِيَّةِ.

٤ عَدَمُ النَّوْمِ فِي الصَّفِّ، عِنْدَمَا يُدَرِّسُ الْمُعَلِّمُ.

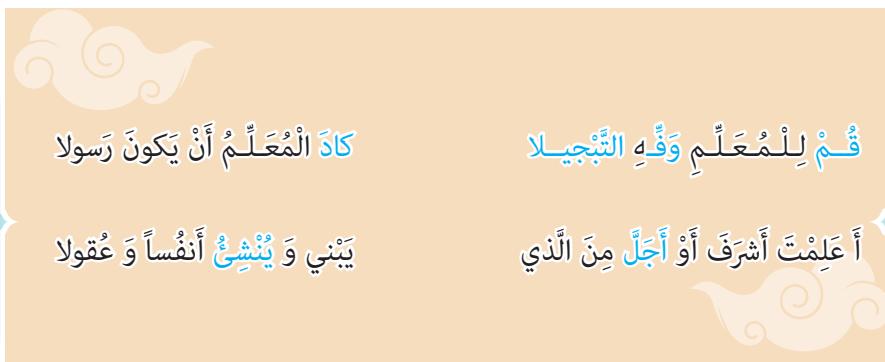
٥ أَنْ لَا يَتَكَلَّمَ مَعَ غَيْرِهِ مِنَ الطُّلَابِ عِنْدَمَا يُدَرِّسُ الْمُعَلِّمُ.

٦ أَنْ لَا يَقْطَعَ كَلَامَهُ، وَ لَا يَسْبِقَهُ بِالْكَلَامِ، وَ يَصِيرَ حَتَّى يَقْرُغَ مِنَ الْكَلَامِ.

٧ الْجُلوْسُ أَمَامَهُ بِأَدَبٍ، وَ الْإِسْتِمَاعُ إِلَيْهِ بِدِقَّةٍ وَ عَدَمُ الْإِلْتِفَاتِ إِلَى الْوَرَاءِ إِلَّا لِضَرْوَرَةٍ.

لَمَّا سَمِعَ الطَّالِبُ الْمُشَاغِبُ إِنْشَاءَ مهراً، خَجَلَ وَ نَدَمَ عَلَى سُلُوكِهِ فِي الصَّفِّ.

قال الشاعر المصري أحمد شوقي عن المعلم:



عِلْمُ الْأَحْيَاءِ : زِيَست شناسی	تَعْنَتْ فِي السُّؤَالِ : پرسیدن به
فَكَرْ : اندیشید (مضارع: يُفَكِّرُ)	مُنْظَرٌ بِهِ سُخْتَى وَ لَغْزَشٌ اندَاخْتَن
قُمْ : برخیز ← (قام، يَقُومُ)	تَبَّنَّةٌ : آگاه شد
كَادَ : نزدیک بود که (مضارع: يَكَادُ)	(مضارع: يَتَبَّنَّهُ) = اِنْتَبَهَ
مَجَالٌ : زمینه	حِصَّةٌ : زنگ درسی، قسمت
مُشَاغِبٌ : شلوغ‌کننده و اخلالگر	خَجَلٌ : شرمنده شد (مضارع: يَخْجُلُ)
وَافِقٌ : موافقت کرد (مضارع: يُوَافِقُ)	سَبَقَ : پیشی گرفت (مضارع: يَسْبِقُ)
وَفِيٌ : كامل کرد (مضارع: يُوَفِّي)	سَبُورَةٌ : تخته سیاه
«وَفِيٰ التَّبْجِيلِ»: احترامش را كامل بهجا بیاور.	سُلُوكٌ : رفتار
هَمَسَ : آهسته سخن گفت (مضارع: يَهْمِسُ)	ضَرَّ : زیان رساند (مضارع: يَضْرُ)

أَجَلٌ : گران قدر تر	إِرْتَبَطَ : ارتباط داشت (مضارع: يَرْتَبِطُ)
إِسْتَمَاعَ : گوش فراداد (مضارع: يَسْتَمِعُ)	إِلْتَزَمَ : پاییند شد (مضارع: يَتَّزَمِّنُ)
إِلْتِفَاتٌ : روی برگرداندن	إِلْتَفَتَ : روی برگرداند (مضارع: يَتَّفِتُ)
أَلَّفَ : نگاشت (مضارع: يُوَلِّفُ)	أَنْشَأَ : ساخت (مضارع: يُنْشِئُ)
تَارَةً : یک بار = مرَّةً	تَبَجِيلٌ : بزرگداشت

أُكْتُبْ جَوَابًا قَصِيرًا، حَسَبَ نَصّ الدَّرِسِ.

١- إِلَى مَنْ ذَهَبَ مِهْرَانُ؟

٢- كَيْفَ يَحِبُّ الْجُلُوسُ أَمَامَ الْمُعَلِّمِ؟

٣- كَيْفَ كَانَتْ أَخْلَاقُ الطَّالِبِ الَّذِي كَانَ يَلْتَفِتُ إِلَى الْوَرَاءِ؟

٤- مَا اسْمُ الْكِتَابِ الَّذِي قَرَأَهُ مِهْرَانُ فِي مَجَالِ التَّرْبِيَةِ وَالتَّعْلِيمِ؟

٥- فِي أَيِّ حِصَّةٍ كَانَ الطُّلَّابُ يَسْتَمِعُونَ إِلَى كَلَامِ أَسْتَاذِ الْكِيمِيَاءِ؟



اعلموا

أَسْلُوبُ الشَّرْطِ وَ أَدَوَاتُهُ

■ مهم‌ترین ادوات شرط عبارت‌اند از: «مَنْ، مَا وَ إِنْ». معمولاً این ادوات بر سر عبارتی

می‌آیند که دو فعل دارد، فعل اول، فعل شرط و فعل دوم، جواب شرط نام دارد.

این ادوات در معنای فعل و جواب شرط تغییراتی را ایجاد می‌کنند؛ مثال:

مَنْ يُفَكِّرْ قَبْلَ الْكَلَامِ، يَسْلَمْ مِنَ الْخَطَايَا غَالِبًاً.^۱

جواب شرط

ادات شرط

إِنْ تَحْتَرِمُوا الْآخَرِينَ، تَكْتَسِبُوا حُبَّهُمْ.

جواب شرط

ادات شرط

■ گاهی نیز جواب شرط به صورت جمله اسمیه است؛ مثال:

﴿وَ مَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسِيبٌ﴾^۲ آل‌اللاق: ۳

جواب شرط

ادات شرط

■ وقتی ادوات شرط بر سر جمله‌ای بیاید که فعل شرط و جواب آن ماضی باشد،

می‌توانیم فعل شرط را مضارع التزامی و جواب آن را مضارع اخباری ترجمه کنیم.

مَنْ فَكَرَ قَبْلَ الْكَلَامِ، قَلَ خَطَوْهُ.



هرکس پیش از سخن گفتن بیندیشد، خطایش کم می‌شود.

هرکس پیش از سخن گفتن اندیشید، خطایش کم شد.

۱- معمولاً ادوات شرط «مَنْ»، «مَا» و «إِنْ» در شکل ظاهری فعل شرط و جواب شرط (هنگامی که مضارع هستند)، تغییراتی را انجام می‌دهند. با این تغییرات در پایه نهم در فعل نه آشنا شده بودید. این کلمات، نشانه انتهای فعل‌های «يَفْعَلُ، تَفْعَلُ، أَفْعَلُ وَ تَنْفَعُلُ» را تغییر می‌دهند. ← ...يَفْعَلُ، ... تَفْعَلُ، ... أَفْعَلُ وَ ... تَنْفَعُلُ» و حرف نون را در انتهای فعل‌های «يَفْعَلُونَ، يَفْعَلُونَ، تَفْعَلُونَ، تَفْعَلُونَ وَ تَفْعَلَيْنَ» حذف می‌کنند. این حروف در شکل ظاهر دو فعل جمع مؤنث «يَتَفْعَلُنَ» و «تَفْعَلُنَ» هیچ تغییری ایجاد نمی‌کنند.

۲- يَتَوَكَّلْ: توکل کرد ۳- حَسِيبٌ: بس، کافی

■ و هرگاه فعل شرط مضارع باشد، به صورت مضارع التزامی ترجمه می‌شود.



■ «مَنْ: هرکس» مثال:

مَنْ يُحَاوِلُ كَثِيرًا، يَصِلُ إِلَى هَدَفِهِ.

هرکس بسیار تلاش کند، به هدفش می‌رسد.



■ «ما: هرچه» مثال:

ما تَزْرَعُ فِي الدُّنْيَا، تَحْصُدُ فِي الْآخِرَةِ.

هرچه در دنیا بکاری، در آخرت درو می‌کنی.

ما فَعَلْتَ مِنِ الْخَيْرَاتِ، وَجَذَّبَهَا ذَخِيرَةً لِآخِرَتِكَ.

هرچه از کارهای نیک انجام بدھی، آنها را اندوخته‌ای برای آخرت می‌یابی.



■ «إِنْ: اگر» مثال:

إِنْ تَرَعْ خَيْرًا، تَحْصُدُ سُورًا.

اگر نیکی بکاری، شادی درو می‌کنی.



إِنْ صَبَرَتْ، حَصَلَتْ عَلَى النَّجَاحِ فِي حِيَاتِكَ.

اگر صبر کنی، در زندگی‌ات موفقیت به دست می‌آوری.



■ «إِذا: هرگاه، اگر»؛ نیز معنای شرط دارد؛ مثال:

إِذَا اجْتَهَدْتَ، نَجَحْتَ.

هرگاه (اگر) تلاش کنی، موفق می‌شوی.

إِخْتَيْرْ نَفْسَكَ: تَرْجُمْ مَا يَلِي، ثُمَّ عَيْنْ أَدَاءَ الشَّرْطِ وَ فِعْلَ الشَّرْطِ، وَ جَوَابَهُ.

﴿وَ مَا تُقْدِمُوا لَا نَفْسٌ كُمْ مِنْ خَيْرٍ تَجِدُوهُ عِنْدَ اللَّهِ﴾ الْبَقَرَةَ: ١١٠ ١

﴿إِنْ تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ وَ يُثْبِتُ أَقْدَامَكُمْ﴾ مُحَمَّد: ٧ ٢

﴿وَ إِذَا خَاطَبُوكُمُ الْجَاهِلُونَ قَالُوا سَلَامًا﴾ الْفَرْقَان: ٦٣ ٣



٤ إِنْ تَرْزَعُوا الْعُدُوانَ، تَحْصُدُوا الْخُسْرَانَ.

١- ما يَلِي: آنچه می آید ٢- ما تُقْدِمُوا: هرجه را از پیش بفرستید ٣- يُثْبِت: استوار می سازد

٤- خاطَبَ: خطاب کرد ٥- سلام: سخن آرام



الْتَّمَرِينُ الْأَوَّلُ: عَيْنِ الْجُمْلَةِ الصَّحِيحَةِ وَغَيْرِ الصَّحِيحَةِ حَسَبَ الْحَقِيقَةِ.

١- التَّعْنُتُ طَرُحُ سُؤَالٍ صَعِبٌ بِهَدَافٍ إِيجَادٌ مَشَقَّةٌ لِلْمَسْؤُولِ.

٢- عِلْمُ الْأَحْيَاءِ عِلْمٌ مُطَالَعَةٌ خَواصُ الْعَنَاصِرِ.

٣- الْأَلْنِفَاتُ هُوَ كَلْمٌ خَفِيٌّ بَيْنَ شَخْصَيْنِ.

٤- الْسَّبُورَةُ لَوْحٌ أَمَامَ الطُّلَابِ يُكْتَبُ عَلَيْهِ.

الْتَّمَرِينُ الثَّانِي: تَرْجِمُ الْأَيَّةَ وَالْأَحَادِيثَ، ثُمَّ عَيْنِ الْمَطْلُوبَ مِنْكَ.

١- ﴿وَ مَا تُفْقِدُوا مِنْ خَيْرٍ فَإِنَّ اللَّهَ يِهِ عَلِيمٌ﴾ الْبَقَرَةُ: ٢٧٣ (الْمَجْرُورُ بِحَرْفِ جُرْ)

٢- مَنْ عَلِمَ عِلْمًا، فَلَهُ أَجْرٌ مَنْ عَمِلَ بِهِ لَا يَنْفُضُ مِنْ أَجْرِ الْعَالِمِ. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ (اَسْمَ الْفَاعِلِ)

٣- الْنَّاسُ أَعْدَاءُ مَا جَهَلُواٰ. الْإِمَامُ عَلَيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ

٤- إِذَا تَمَّ الْعَقْلُ نَفَّصَ الْكَلَامُ. الْإِمَامُ عَلَيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ

٥- الْعَالِمُ حَيٌّ وَإِنْ كَانَ مَيِّتًاٰ. الْإِمامُ عَلَيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ

٦- قُمْ عَنْ مَجْلِسِكَ لِأَبِيكَ وَمُعَلِّمِكَ وَإِنْ كُنْتَ أَمِيرًاٰ. الْإِمامُ عَلَيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ (اَسْمَ الْمَكَانِ وَاسْمَ الْفَاعِلِ)

١- الْأَجْرُ: پاداش ، مزد ٢- جَهَل: ندانست ٣- الْمَيِّتُ: مُرْدَه ٤- وَإِنْ كُنْتَ أَمِيرًا: اگرچه فرمانده باشی

التمرين الثالث: ترجم الأفعال و المصادر التالية.

المصدر	الأمر و النهي	المضارع و المستقبل	الماضي
إنقاذ: نجات دادن	آنقد: آنقد: نجات مى دهد	يُنقد: نجات مى دهد	قد آنقد: قد آنقد: دور شدن
ابتعاد: دور شدن	لا تَبْتَعِدْ: لا يَبْتَعِدْ: دور نمى شود	لا يَبْتَعِدْ: دور نمى شود	ابتعاد:
انسحاب: عقب نشينى کردن	لا تَنسِحِبْ: سَيَنْسَحِبُ:	سَيَنْسَحِبُ:	انسحاب: عقب نشينى کرد
استخدام:	إِسْتَخْدِمْ: به کار بگیر	يَسْتَخْدِمْ:	استخدام: به کار گرفت
مجالسة:	جالس: جالس: همنشينى مى کند	يُجَالِسُ: همنشينى مى کند	جالس: همنشينى کرد
تَذَكْرَ: به یاد آوردن	لا تَتَذَكَّرْ: يَتَذَكَّرُ:	يَتَذَكَّرُ:	تَذَكَّرْ: به یاد آورد
تعايشه: همزیستی کردن	تعایش: همزیستی کن	يَتَعَايَشُ:	تعايشه:
تحريم:	لا تُحرِّمْ: يُحرِّمْ: حرام مى کند	يُحرِّمْ: حرام مى کند	قد حرم: حرام کرده است

التمرين الرابع: ضع هذه الجمل و التراكيب في مكانها المناسب.

هؤلاء ناجحات / هذان المكييفان / تلك الحصة / أولئك مستمعون / هؤلاء جنود / هاتان الإطاقات

جمع مذكر مسّر	جمع مؤنث سالم	جمع مذكر سالم	مثنى مؤنث	مثنى مذكر	مفرد مؤنث

التمرين الخامس: ضع المترادفات و المتضادات في مكانها المناسب. (≠)

وْد / بَعْد / تَكَلْم / إِجْلِس / نِهايَة / عَدَاوَة / احْتِرَام / أَحْيَاء / مَرَه / نَفَع / دَنْب / هَرَب

..... = حُبٌ = تارَةً = تَبْجِيل = إِثْمٌ
..... ≠ قُم ≠ دَنَا ≠ أَمْوَات = فَرَّ
..... ≠ صَدَاقَة ≠ سَكَتَ ≠ بِدَائِيَة ≠ ضَرَّ

آلٰتَّمَرِينُ السَّادِسُ: أَكْمَلْ تَرْجِمَةً مَا يَلِي، ثُمَّ عَيْنَ أَدَاءَ الشَّرِطِ وَفِعْلَ الشَّرِطِ، وَجَوَابُهُ.

۱- ﴿ وَ مَا تَفْعَلُوا مِنْ خَيْرٍ يَعْلَمُهُ اللَّهُ ﴾ الْبَقَرَةُ: ۱۹۷

و آنچه را از کار نیک ، خدا آن را می داند. (از آن آگاه است).

۲- ﴿ إِنْ أَحْسَنْتُمْ أَحْسَنْتُمْ لَا نَفْسٌ كُمْ ﴾ الْإِسْرَاءُ: ۷

اگر نیکی کنید، به خودتان

۳- ﴿ إِنْ تَتَّقُوا اللَّهَ يَجْعَلُ لَكُمْ فُرْقَانًا ﴾ الْأَنْفَالُ: ۲۹

اگر از خدا پروا کنید، برایتان نیروی تشخیص حق از باطل

۴- إِذَا غَضِبْتَ، فَاسْكُنْتُ. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ

هرگاه خشمگین شدی،

۵- مَنْ سَأَلَ فِي صَغِيرٍ، أَجَابَ فِي كَبِيرٍ. الْأَمَامُ عَلَيْ عَلَيْهِ السَّلَامُ

هرکس در خردسالی اش بپرسد، در بزرگسالی اش

آلٰتَّمَرِينُ السَّابِعُ: ضَعْ فِي الدَّائِرَةِ الْعَدَدَ الْمُنَاسِبَ. «كَلِمَةٌ واحِدَةٌ زَائِدَةٌ»

۱- الْمُشَاغِبُ : هُوَ تَحْرِيكُ الْوَجْهِ إِلَى الْيَمِينِ وَ إِلَى الْيَسَارِ.

۲- الْحِصَةُ : هُوَ الَّذِي يُسَبِّبُ مَسَاكِلَ وَ يَضُرُّ النَّظَمَ.

۳- الْفُسُوقُ : مَا يُعْطِي مُقَابِلَ عَمَلٍ عَامِلٍ أَوْ مُوَظَّفٍ.

۴- الْأَجْرُ : تَرْكُ أَمْرِ اللَّهِ، وَ ارْتِكَابُ الْمَعَاصِي.

۵- الْإِلْتِفَاتُ : أَعْمَالُ الْإِنْسَانِ وَ أَخْلَافُهُ.

۶- الْسُّلُوكُ :

۱- فرقان: جدا کننده حق از باطل

الَّتَّمَرِينُ الثَّامِنُ: أَكْتُبْ مُفَرَّدَ الْكَلِمَاتِ التَّالِيَةِ.

أَمْوَاتٌ	أَحْيَاءٌ	أَنْفُسٌ	أَخْلَاقٌ	مَعَاصِيٌ
.....
طُلُّوبٌ	أَعْدَاءٌ	نَاجِحَاتٌ	بِطَاقَاتٍ	جُنُودٌ
.....
ذُنُوبٌ	أَسْعَارٌ	فَسَاطِينٌ	أَقْدَامٌ	خَوَاصٌ
.....
مَلَائِكَةٌ	سَرَاوِيلٌ	أَسْمَاءٌ	عُيُوبٌ	غُيُوبٌ
.....
كَبَائِرٌ	أَفْاضِلٌ	بَهَائِمٌ	عِبَادٌ	إِخْوَانٌ
.....
مُكَيْفَانٌ	مُسْتَمِعُونَ	أَعْمَالٌ	جُمَلٌ	تَرَاكِيبٌ
.....

البَحْثُ الْعِلْمِيُّ

■ ابْحَثْ فِي كِتَابِ «مُنْيَةُ الْمُرِيدِ» لِرَبِّنَا الدِّينِ الْعَامِلِيِّ «الشَّهِيدِ الثَّانِي» عَنْ نَصٍّ قَصِيرٍ حَوْلَ آدَابِ التَّعْلِيمِ وَالتَّعَلُّمِ ثُمَّ اكْتُبْهُ.



الْعَالَمُ كَمَنْ مَعَهُ شَمْعَةٌ تُضِيءُ لِلنَّاسِ. الْإِمَامُ مُحَمَّدُ الْبَاقِرُ عَلَيْهِ السَّلَامُ





الدُّرْسُ الثَّالِثُ



﴿إِنَّ اللَّهَ فَالِقُ الْحَبَّ وَالثَّوْيٰ يُخْرِجُ الْحَيَّ
مِنَ الْمَيِّتِ وَمُخْرِجُ الْمَيِّتِ مِنَ الْحَيَّ ...﴾

الأنعام: ٩٥

بی گمان خدا شکافنده دانه و هسته است.

زنده را از مرده بیرون می آورد و بیرون آورنده مرده از زنده است.

عَجَائِبُ الْأَشْجَارِ

ظَوَاهِرُ الطَّبِيعَةِ تُثِبُّ حَقِيقَةً وَاحِدَةً وَهِيَ قُدرَةُ اللَّهِ، وَالآنَ يَصِفُ بَعْضُ هُذِهِ الظَّواهِرِ:



الْعَنْبُ البرازيليُّ شَجَرَةٌ تَخْتَلِفُ عَنْ باقي أَشْجَارِ الْعَالَمِ، تَنْبُتُ فِي البرازيلِ، وَتَنْمُو أَثْمَارُهَا عَلَى جُذُعِهَا، وَمِنْ أَهَمِّ مُوَاضِفَاتِ هُذِهِ الشَّجَرَةِ أَنَّهَا تُعْطِي أَثْمَاراً طَوْلَ السَّنَةِ.



شَجَرَةُ السُّكُويَا شَجَرَةٌ مِنْ أَطْوَولِ أَشْجَارِ الْعَالَمِ في كاليفورنيا، قَدْ يَلْغُ ارْتِفَاعُ بَعْضِهَا أَكْثَرَ مِنْ مِئَةِ مِترٍ وَقَدْ يَلْغُ قُطْرُهَا تِسْعَةَ أَمْتَارٍ، وَيَزِيدُ عُمُرُهَا عَلَى ثَلَاثَةِ آلَافٍ وَخَمْسِمِائَةِ سَنَةٍ تَقْرِيباً.



الشَّجَرَةُ الْخَانِقَةُ شَجَرَةٌ تَنْمُو فِي بَعْضِ
الغَابَاتِ الْأَسْتِوائِيَّةِ، تَبَدَّلُ حَيَاتَهَا بِالِالْتِفَافِ
حَوْلَ جِذْعِ شَجَرَةٍ وَغُصُونِهَا، ثُمَّ تَخْفُّها
تَدَريجيًّا. يُوجَدُ نَوْعٌ مِنْهَا فِي جَزِيرَةِ قِشْمِ
الَّتِي تَقْعُدُ فِي مُحَافَظَةِ هُرْمُوزِجَانَ.



مَدِينَةُ بُرُودُخُونُ فِي مُحَافَظَةِ بوشِهرِ.



شَجَرَةُ الْحُبْزِ شَجَرَةٌ أَسْتِوائِيَّةٌ تَنْمُو فِي
جُزْرِ الْمُحِيطِ الْهَادِيِّ، تَحْمِلُ أَثْمَارًا فِي
نِهَايَةِ أَعْصَانِهَا گَالْحُبْزِ. يَأْكُلُ النَّاسُ لُبَّ
هُذِهِ الأَثْمَارِ.

شَجَرَةُ النَّفْطِ شَجَرَةٌ يَسْتَخْدِمُهَا الْمُزَارِعُونَ كَسِيَاجٍ حَوْلَ الْمُزَارِعِ لِحِمَايَةِ مَحَاصِيلِهِم مِنَ الْحَيَوانَاتِ؛ لِأَنَّ رَائِحَةَ هَذِهِ الشَّجَرَةِ كَرِيهَةٌ تَهُبُّ مِنْهَا الْحَيَوانَاتُ، وَتَحْتَوِي بُذُورُهَا عَلَى مِقْدَارٍ مِنَ الرُّؤُوتِ لَا يُسَبِّبُ اشْتِعَالُهَا خُروجَ أَيِّ غَازٍ مُلَوَّثٍ. وَيُمْكِنُ إِنْتَاجُ النَّفْطِ مِنْهَا. وَيُوجَدُ نَوْعٌ مِنْهَا فِي مَدِينَةِ نِيَكَشَهُرِ بِمُحَافَظَةِ سِيَسْتَانِ وَبَلْوَشِسْتَانِ بِاسْمِ شَجَرَةِ مِدادٍ



شَجَرَةُ الْبَلْوَطِ هيَ مِنَ الْأَشْجَارِ الْمُعَمَّرَةِ وَ قَدْ تَبْلُغُ مِنَ الْعُمُرِ الْفَيْ سَنَةً. تَوَجَّدُ غَابَاتٌ جَمِيلَةٌ مِنْهَا فِي مُحَافَظَتَيْ إِيلَامِ وَلُرِسْتَانِ. يَدْفَنُ السَّنْجَابُ بَعْضَ جَوْزَاتِ الْبَلْوَطِ السَّلِيمَةِ تَحْتَ التُّرَابِ، وَقَدْ يَنْسَى مَكَانَهَا. وَفِي السَّنَةِ الْقَادِمَةِ تَنْمُو تِلْكَ الْجَوْزَةُ وَتَصِيرُ شَجَرَةً.



قال الإمام الصادق عليه السلام :

إِذْعَوا وَأَغْرِسُوا، ... وَاللَّهِ مَا عَمِلَ النَّاسُ عَمَلاً أَحَلَّ وَلَا أَطَيَّبَ مِنْهُ.

کشاورزی کنید و نهال بکارید، ... به خدا سوگند مردم کاری را حلال تر و خوب تر از آن انجام نداده اند.

مَحَاصِيل : محاصيلات
الْمُحِيطُ الْهَادِيُّ : اقيانوس آرام
مُزَارِع : كشاورز = زارع، فلاح
مُعَمَّر : كهن سال
مُلْوَثٌ : آلوده کننده
مُواصَفَات : ويژگیها
نَبَتٌ : روید (مضارع: يَنْبُتُ)
نَصِفٌ : توصيف می کنیم
نَوْيٌ : هسته

جُدْع : تنه «جمع: جُذوع»
جُزْرُ : جزیره‌ها «مفرد: جَزِيرَة»
جَوْزَةٌ : دانه گرد، بلوط و مانند آن
خَقَّ : خفه کرد (مضارع: يَخْنُقُ)
خَانِقٌ : خفه کننده
سَبَبَ : سبب شد (مضارع: يُسَبِّبُ)
سِيَاجٌ : پرچین
غَازٌ : گاز
فَالِقٌ : شکافنده
لُبٌّ : مغز میوه

أَحَلٌّ : حلال تر، حلال ترین
إِشْتِعال : برافروخته شدن، سوختن
 (اشتَعَلَ، يَشْتَعِلُ)
أَطْيَبٌ : خوب تر، خوب ترین = أَحْسَنَ،
 أَفْضَلَ
أَغْصَانٌ، غُصُونٌ : شاخه‌ها
 (مفرد: غُصْنٌ)
إِلْتِفَافٌ : در هم پیچیدن
 (الْتَّفَّ، يَلْتَفُ)
بُذُورٌ : دانه‌ها «مفرد: بَذْرٌ»

صُنْعٌ فِي الْقِرَاعِ كَلِمَةً مُنَاسِبَةً حَسَبَ نَصَّ الدَّرِسِ.

١- تَبَدَّأُ الشَّجَرَةُ الْخَانِقَةُ حَيَاةَهَا بِ حَوْلِ جُدْعِ شَجَرَةٍ وَ غُصُونِهَا.

٢- لَا يُسَبِّبُ اشْتِعالُ زُيُوتِ شَجَرَةِ النَّفْطِ خُرُوجَ أَيِّ مُلَوْنَةٍ.

٣- تَوَجُّدُ غَابَاتٌ جَمِيلَةٌ مِنْ أَشْجَارِ الْبَلْوُطِ في إِيلَامٍ وَ لُرِستانٍ.

٤- قَدْ يَنْلُغُ ارْتِفَاعُ بَعْضِ أَشْجَارِ السَّكُوِيَا أَكْثَرَ مِنْ مِثْرٍ.

٥- تَحْمِلُ شَجَرَةُ الْخُبْزِ أَشْمَارًا في نِهَايَةِ كَالْخُبْزِ.

٦- تَنْمُو أَشْمَارُ الْعِنْبِ الْبِرازِيلِيِّ عَلَى شَجَرَتِهِ.

اعلَمُوا

الْمَعْرِفَةُ وَ النَّكِرَةُ

■ اسم **معرفه** اسمی است که نزد گوینده و شنونده، یا خواننده **شناخته** شده است؛ اما

اسم **نکره**، **ناشناخته** است. مهم‌ترین نشانه اسم معرفه، داشتن «ال» است؛ مثال:

جاءَ الْمُدَرِّسُ. معلم آمد.

وَجَدْتُ الْقَلَمَ. قلم را یافتم.

■ معمولاً هرگاه اسمی به صورت نکره باید و همان اسم دوباره همراه «ال» تکرار شود،

می‌توان الف و لامش را «این» یا «آن» ترجمه کرد؛ مثال:

رَأَيْتُ أَفْرَاسًا. کانَتِ **الأَفْرَاسُ** جَنْبَ صَاحِبِهَا.

اسپ‌هایی را دیدم. آن اسپ‌ها کنار صاحب‌شان بودند.



كلمة **أفراساً** «نکره» است. اسم نکره نزد گوینده، شنونده، یا خواننده **ناشناخته** است؛ اسم

نکره معمولًا **تنوين** (ـ، ـ، ـ) دارد؛ مثال: **رَجُلًا**, **رَجُلٍ** و **رَجُلٌ**

در زبان فارسی اسم نکره به سه صورت می‌آید:

مردی آمد. / **یک مرد آمد.** / **یک مردی** آمد.

معادل عربی هر سه جمله بالا می‌شود: **جاءَ رَجُلٌ**.

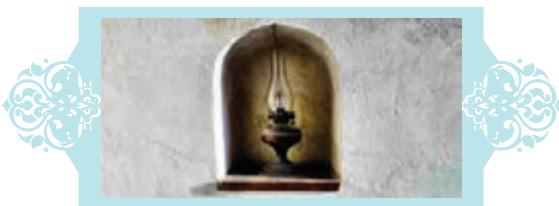
■ اسم خاص (يعنى نام مخصوص کسی يا جای) در زبان عربی «اسم عَلَم» نامیده می‌شود و معرفه به شمار می‌رود؛ مانند: هاشم، مريم، بغداد، بيروت و ... اسم عَلَم، مانند: عَبَّاسُ، كاظِمٌ و حُسَيْنٌ تنوين دارد، ولی نکره نیست؛ بلکه معرفه است. سال گذشته با مبتدا و خبر آشنا شدید. گاهی خبر تنوين دارد؛ مثال:

فَرَيَقْنَا فَائِزٌ. تیم ما برنده است.

در دو مثال بالا کنْزُ و فائزُ تنوين دارند؛ اما نیازی به نکره معنا کردن نیست.

إِخْتِيرْ نَفْسَكَ: تَرِجمْ مَا يَلِي حَسَبَ قَوَاعِدِ الْمَعْرِفَةِ وَ النَّكِرَةِ.

﴿اللَّهُ نُورُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ مَثُلُّ نُورِهِ كِبِيشَكَاءٍ﴾^۱ فیها مِصَابُحُ الْمِصَابُحِ فی
رُجَاجَةٍ الرُّجَاجَةُ كَانَّهَا كَوْكِبُ دُرَرٍ^۲ ﴿آللَّهُوَ : ۳۵﴾



﴿... أَرَسَلْنَا إِلَى فِرْعَوْنَ رَسُولًا فَعَصَى فِرْعَوْنُ الرَّسُولَ...﴾^۳ آللَّهُوَ : ۱۵ و ۱۶

﴿عَالِمٌ يُنَتَّقُ بِعِلْمِهِ، خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ عَابِدٍ. رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ﴾^۴

۱- الْمِشَكَاء: چراغدان ۲- الدُّرَر: درخشان

در گروه‌های دو نفره شبیه گفت‌وگوی زیر را اجرا کنید.

حوارٌ

(في الملعب الرياضي)

إبراهيم

إسماعيل

لِمُشَاهَدَةِ أَيْ مُبَارَةٍ؟^١

تَعَالَ نَذَهَبُ إِلَى الْمَلَعِبِ.

بَيْنَ مَنْ هُذِهِ الْمُبَارَةُ؟

لِمُشَاهَدَةِ مُبَارَةِ كُرْةِ الْفَوْلَادِ.

الْفَرِيقَانِ تَعَادَلَا^٢ قَبْلَ أَسْبُوعَيْنِ.

بَيْنَ فَرِيقِ الصَّدَاقَةِ وَ السَّعَادَةِ.

أَيُّ الْفَرِيقَيْنِ أَقْوَى؟

أَتَذَكَّرُ^٣ ذَلِكَ.

عَلَى عَيْنِي. تَعَالَ نَذَهَبُ.

كَلا^٤ هُمَا قَوْيَانِ. عَلَيْنَا بِالدَّهَابِ إِلَى الْمَلَعِبِ قَبْلَ أَنْ يَمْتَلِئَ^٥ مِنَ الْمُتَقْرِبِينَ.

في الملعب

هُوَ هَجَمَ عَلَى مَرْمَى^٦ فَرِيقِ السَّعَادَةِ.
هَدَافُ، هَدَافُ!

أُنْظُرْ؛ جَاءَ أَحَدُ مُهَاجِمِي فَرِيقِ الصَّدَاقَةِ.
سَيُسَجِّلُ^٧ هَدَافًا^٨.

رُبَّما بِسَبِبِ تَسْلُلٍ^٩.

لَكِنَّ الْحَكَمَ^{١٠} مَا قَبِيلَ الْهَدَافَ؛ لِمَاذَا؟!

يُعْجِبُنِي^{١٢} جِدًا حَارِسُ مَرْمَى^{١٣} فَرِيقِ السَّعَادَةِ!

أُنْظُرْ، هَجَمَةً قَوِيَّةً مِنْ جَانِبِ لاعِبِ فَرِيقِ الصَّدَاقَةِ.

مَنْ يُسَجِّلُ هَدَافًا يَدْهَبُ إِلَى النَّهَائِيِّ.

مَنْ يَدْهَبُ إِلَى النَّهَائِيِّ؟

لَقَدْ تَعَادَلَا مَرَّةً ثَانِيَةً بِلَا هَدَافٍ.

الْحَكَمُ يَصْفِرُ.



- ۱- المُبَارَة: مسابقه ۲- تَعَادَل: برابر شد ۳- أَتَذَكَّر: به ياد می آورم ۴- كلا: هر دو ۵- أَنْ يَمْتَلِئ: که پر شود
۶- الْمُتَقْرِبُ: تماساچی ۷- سَيُسَجِّلُ: ثبت خواهد کرد ۸- الْهَدَافُ: کُلُّ ۹- الْمَرْمَى: دروازه ۱۰- الْحَكَمُ: داور
۱۱- الْتَّسْلُلُ: آفساید ۱۲- يُعْجِبُنِي: مرا در شگفت می آوردم، خوش می آید (أَعْجَبَ، يُعْجِبُ) ۱۳- حَارِسُ الْمَرْمَى: دروازه بان

الْتَّمَرِينُ الْأَوَّلُ: أَيُّ كَلِمَةٍ مِنْ كَلِمَاتِ مُعَجَمِ الدَّرِسِ تُنَاسِبُ التَّوْضِيحاَتِ التَّالِيَّةَ؟

..... ١- بَحْرٌ يُعادِلُ ثُلْثَ الْأَرْضِ تَقْرِيباً.

..... ٢- اَتَجَمَّعُ وَ الدَّوْرَانُ حَوْلَ شَيْءٍ.

..... ٣- الَّذِي يُعْطِيهِ اللَّهُ عُمْراً طَوِيلًا.

..... ٤- الَّذِي يَعْمَلُ فِي الْمَزَرَعَةِ.

..... ٥- صِفَاتُ أَحَدٍ أَوْ شَيْءٍ.

الْتَّمَرِينُ الثَّانِي: تَرْجِمِ الْأَحَادِيثِ النَّبُوَيَّةَ، ثُمَّ عَيِّنِ الْمَطْلُوبَ مِنْكَ.

١- مَا مِنْ مُسْلِمٍ يَرْعِزُ زَرْعًا أَوْ يَغْرِسُ غَرْسًا فَيَأْكُلُ مِنْهُ طَيْرٌ أَوْ إِنْسَانٌ أَوْ بَهِيمَةٌ إِلَّا
 (الْجَارُ وَالْمَجْرُورُ، وَاسْمُ الْفَاعِلِ) كَانَتْ لَهُ بِهِ صَدَقَةً.



٢- مَا مِنْ رَجُلٍ يَغْرِسُ غَرْسًا إِلَّا كَتَبَ اللَّهُ لَهُ مِنَ الْأَجْرِ قَدْرَ مَا يَخْرُجُ مِنْ ثَمَرٍ ذَلِكَ
 (الْفِعْلُ الْمَاضِيُّ، وَالْمَفْعُولُ) الْغَرْسُ.

٣- سُئِلَ النَّبِيُّ ﷺ: أَيُّ الْمَالِ خَيْرٌ؟ قَالَ: زَرْعٌ زَرَعَهُ صَاحِبُهُ. (الْفِعْلُ الْمَجْهُولُ، وَالْفَاعِلُ)

الَّتَّمَرِينُ التَّالِيُّونُ: أَجْبُ عَنِ الْأَسْئِلَةِ التَّالِيَّةِ حَسْبَ الصُّورِ.



فِي أَيِّ بِلَادٍ تَقْعُدُ هَذِهِ الْأَهْرَامُ؟



بِمَ يَذْهَبُ الطُّلُّابُ إِلَى الْمَدْرَسَةِ؟



لِمَنْ هَذَا التَّمَثَّلُ؟



كَيْفَ الْجَوْءُ فِي أَرْدَبِيلِ فِي الشَّتَاءِ؟



مَاذَا تُشَاهِدُ فَوْقَ النَّهَرِ؟



هَلْ تُشَاهِدُ وَجْهًا فِي الصُّورَةِ؟

ألف: عَيْنِ التَّرْجِمَةِ الصَّحِيحَةِ حَسَبَ قَواعِدِ الْمَعْرِفَةِ وَ النَّكِرَةِ.

١- سِمِعْتُ صَوْتاً عَجِيباً.

صدای عجیب را شنیدم.

صدای عجیبی را شنیدم.

٢- وَصَلَتْ إِلَى الْفَرَيْةِ.

به روستا رسیدم.

به روستایی رسیدم.

٣- نَظَرَةٌ إِلَى الْمَاضِي

نگاه به گذشته

نگاهی به گذشته

٤- الْعِبَادُ الصَّالِحُونَ

بندگان درستکار

بندگانی درستکار

٥- الْسُّوارُ الْعَتِيقُ

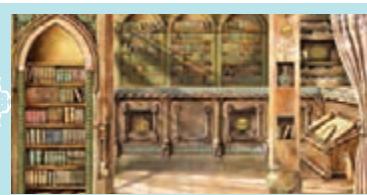
دستبندی کهنه

دستبند کهنه

٦- الْتَّارِيخُ الْذَّهَبِيُّ

تاریخ زرین

تاریخی زرین



ب: ترجم الجملة التالية حسب قواعد المعرفة والنكرة، ثم عين المعرفة والنكرة في ما أشير إليه بخطٍ.



سجّلت منظمة اليونسكو مسجد الإمام وقبة قابوس في قائمة التراث العالمي.



عَمَارَةُ خُسْرُوَ آبَادِ فِي سَنَدَاجِ تَجْذِبُ سُيَاحًا مِنْ مُدُنِ إِرَانَ. حَدِيقَةُ شَاهِزادَه قُرْبَ كِرْمَانَ جَهَنَّمَ فِي الصَّحْرَاءِ.



مَعْبُدُ كُرْدُكُلَا^۱ فِي مُحَافَظَةِ مَارَزَبَانَ أَحَدُ الْأَثَارِ الْقَدِيمَةِ.

۱- أشير: أشاره شد ۲- قائمة التراث العالمي: ليست ميراث جهاني

۳- تکیه گرد کلا از آثار ملی ایران در شمال شهرستان جویبار

الَّتَّمَرِينُ الْخَامِسُ: عَيْنُ الْكَلْمَةِ الصَّحِيحَةِ حَسْبَ الْفِعْلِ الْمَاضِي.

الْفِعْلُ الْمَاضِي	الْفَعْلُ الْمُضَارِعُ	فِعْلُ الْأَمْرِ	الْمَصْدَرُ	اِسْمُ الْفَاعِلِ
وَاقِفٌ	يُوافِقُ	وَافِقٌ	تَوْفِيقٌ	<input type="checkbox"/> مُوافِقٌ
وَفِقٌ	يُوَفِقُ	وَفِقٌ	مُوَافَقَةٌ	<input type="checkbox"/> مُوَفِّقٌ
تَقْرَبٌ	يُقْرَبُ	قَرْبٌ	تَقْرُبٌ	<input type="checkbox"/> مُقْرِبٌ
تَقَرَّبٌ	يَتَقَرَّبُ	تَقَرَّبٌ	تَقْرِيبٌ	<input type="checkbox"/> مُتَقْرِبٌ
تَعَارَفٌ	يَتَعَارَفُ	تَعَارِفٌ	مُعَاوَرَةٌ	<input type="checkbox"/> مُتَعَارِفٌ
يَتَعَارَفُ	يَتَعَارِفُ	تَعَارُفٌ	تَعَارِفٌ	<input type="checkbox"/> مَعَرِفٌ
إِشْتَغَلٌ	يَإِشْتَغِلُ	إِشْتَغِلٌ	إِنْشِغالٌ	<input type="checkbox"/> مُشْتَغِلٌ
يَإِشْتَغِلُ	يَإِشْتَغِلُ	إِشْتَغِلٌ	إِشْتَغَالٌ	<input type="checkbox"/> مُشْتَغِلٌ
إِنْفَتِحٌ	يَإِنْفَتِحُ	إِنْفَتِحٌ	إِسْتِفْتَاحٌ	<input type="checkbox"/> مُتَفَتِّحٌ
يَإِنْفَتِحُ	يَإِنْفَتِحُ	إِنْفَتِحٌ	إِنْفَتَاحٌ	<input type="checkbox"/> مُنْفَتِحٌ
إِسْتَرْجَعٌ	يَإِسْتَرْجِعُ	إِسْتَرْجِعٌ	إِرْتِجَاعٌ	<input type="checkbox"/> مُسْتَرْجِعٌ
يَإِسْتَرْجِعُ	يَإِسْتَرْجِعُ	إِسْتَرْجِعٌ	إِسْتِرْجَاعٌ	<input type="checkbox"/> مُرَجِّعٌ
نَزَّلٌ	يُنَزِّلُ	إِنْزِلٌ	نُزُولٌ	<input type="checkbox"/> مُنَزِّلٌ
يُنَزِّلُ	يُنَزِّلُ	نَزِّلٌ	تَنْزِيلٌ	<input type="checkbox"/> نَازِلٌ
أَكْرَمٌ	يُكْرِمُ	أَكْرِمٌ	إِكْرَامٌ	<input type="checkbox"/> أَكْرَمٌ
يُكْرِمُ	يُكْرِمُ	كَرْمٌ	تَكْرِيمٌ	<input type="checkbox"/> مُكْرِمٌ

الَّتَّمَرِينُ السَّادِسُ: ضَعْ فِي الْفَرَاغِ كَلِمَةً مُنَاسِبَةً.

- ١- يُشَجِّعُ الـ فَرِيقُهُمْ فِي الْمَلْعِبِ. مُواصَفَاتُ مَتَاجِرُ مُتَفَرِّجُونَ
- ٢- شُرْطُ الْمُرُورِ حَتَّى تَوَقَّفَ السَّيَارَاتُ. يَصْفِرُ يَتَعَادِلُ يَمْتَلِئُ
- ٣- وَضَعْتُ الْمِصْبَاحَ فِي الْبَيْتِ. تَخْفِيْضُ مِفْتَاحُ مِشْكَاةُ
- ٤- جَدِّي لَا بَعْضُ ذِكْرِيَّاتِهِ. يَغْرِسُ يَتَذَكَّرُ يَنْبُتُ
- ٥- شَارَكَ زُمَلَوْنَا فِي عِلْمِيَّةٍ. مُبَارَأَةُ إِنْتِفَافُ بُذُورٍ
- ٦- سَجَّلَ لِاعْبُنَا رَائِعًا. جِدْعًاً هَدَفًاً نَوْعِيَّةً

الَّتَّمَرِينُ السَّابِعُ: أَكْتُبْ جَمْعَ هَذِهِ الْأَسْمَاءِ.

..... = فَرِيهَة = تَارِيخ = أَثْر = سَائِح
..... = مَلَعْب = بَهِيمَة = دُولَة = عَبْد
..... = شَجَر = غُصْن = سِرْوَال = رَسُول
..... = قَبْر = حَيْيٌ = رَزْيَت	

الف: عَيْنِ الْكَلِمَةِ الْغَرِيبَةِ. (حَسَبَ الْمَعْنَى)

- | | | | |
|---|---|---|---|
| <input type="checkbox"/> بُذُورُ النَّباتِ | <input type="checkbox"/> جُذُوعُ الْأَشْجَارِ | <input type="checkbox"/> جَوَازُ الْبَلْوَطِ | <input type="checkbox"/> جَدَارُ الْعِمَارَةِ |
| <input type="checkbox"/> حَارِسُ الْمَرْمَى | <input type="checkbox"/> رُجَاجَةُ الْمِصْبَاحِ | <input type="checkbox"/> حَكْمُ الْمُبَارَاهِ | <input type="checkbox"/> كُرْهَةُ الْقَدَمِ |
| <input type="checkbox"/> مُحَافَظَةٌ | <input type="checkbox"/> قَرَىَه | <input type="checkbox"/> بَهِيمَه | <input type="checkbox"/> مَدِينَه |
| <input type="checkbox"/> ذِكْرَى | <input type="checkbox"/> حَدَادٍ | <input type="checkbox"/> خَبَازٌ | <input type="checkbox"/> شُرْطِيٌّ |
| <input type="checkbox"/> عَشَراتٍ | <input type="checkbox"/> مِئَاتٍ | <input type="checkbox"/> آلَافٍ | <input type="checkbox"/> سِيَاجٍ |

ب: عَيْنِ الْكَلِمَةِ الْغَرِيبَةِ. (حَسَبَ قَواعِيدَ الْمَعْرِفَهِ وَ النَّكِرَهِ)

- | | | | |
|--|-------------------------------------|------------------------------------|------------------------------------|
| <input type="checkbox"/> كِرمانشاھ | <input type="checkbox"/> سَنَدَج | <input type="checkbox"/> إِيلَام | <input type="checkbox"/> تِمَثَال |
| <input type="checkbox"/> الْمُنْظَمَه | <input type="checkbox"/> الْسَّاحَه | <input type="checkbox"/> شَارِعٌ | <input type="checkbox"/> السُّيَاح |
| <input type="checkbox"/> الْمُتَفَرِّج | <input type="checkbox"/> الْبِسَه | <input type="checkbox"/> الْهَدَف | <input type="checkbox"/> الْفَرِيق |
| <input type="checkbox"/> صَادِقٌ | <input type="checkbox"/> مَحْمُودٌ | <input type="checkbox"/> سِنْجَابٌ | <input type="checkbox"/> سَعِيدُ |
| <input type="checkbox"/> اِمْرَأَه | <input type="checkbox"/> مَعْصُومَه | <input type="checkbox"/> زَهْرَاء | <input type="checkbox"/> فاطِمَه |

الْبَحْثُ الْعِلْمِيُّ

ابحث عن نصٍّ حول أهمية زراعة الأشجار.





الدُّرْسُ الرَّابع



﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَقُولُوا قَوْلًا سَدِيدًا﴾

الأحزاب: ٧٠

ای کسانی که ایمان آورده‌اید، از خدا پروکنید و سخنی درست و استوار بگویید.

آدَابُ الْكَلَام

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّقُوا اللَّهَ وَ قُولُوا قَوْلًا سَدِيدًا﴾ آلَّاَحْزَاب: ٧٠

لِلْكَلَامِ آدَابٌ يَجِبُ عَلَى الْمُتَكَلِّمِ أَنْ يَعْمَلَ بِهَا وَ يَدْعُو الْمُخَاطَبِينَ بِكَلَامٍ جَمِيلٍ إِلَى الْعَمَلِ

الصَّالِحِ، وَ أَنْ لَا يُجَادِلُهُمْ بِتَعْنِيتٍ **﴿أَدْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحِكْمَةِ وَ الْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَ**

جَادِلُهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحَسَنُ آلَّنْحَل: ١٢٥

وَ يَجِبُ أَنْ يَكُونَ عَالِمًا بِمَا يَقُولُ، حَتَّى يُعَيِّرَ سُلُوكَهُمْ، **﴿لَمْ تَقُولُنَّ مَا لَا تَفْعَلُونَ﴾** الصَّف: ٢

وَ يَجِبُ أَنْ يُسَلِّمَ قَبْلَ التَّكَلُّمِ **«السَّلَامُ قَبْلُ الْكَلَامِ».** الْإِمَامُ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ، كَمَا يَجِبُ أَنْ يَكُونَ

كَلَامُهُ **لَيْلَانِا** وَ أَنْ يَكُونَ عَلَى قَدْرِ عُقُولِ الْمُسْتَمِعِينَ، لِكَيْ يُقْنِعُهُمْ وَ يَكْسِبَ مَوْدَتَهُمْ، **«كَلَمٌ**

النَّاسَ عَلَى قَدْرِ عُقُولِهِمْ».

رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، وَ **«عَوْدٌ لِسَائِكَ لِبَنِ الْكَلَامِ».** الْإِمَامُ عَلَيْهِ السَّلَامُ

وَ عَلَيْهِ أَنْ لَا يَتَكَلَّمَ فِي مَا لَيْسَ لَهُ بِهِ عِلْمٌ، **﴿وَ لَا تَقْتُفُ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ﴾** الإِسْرَاء: ٣٦

وَ عَلَيْهِ أَنْ لَا يَتَدَخَّلَ فِي مَوْضِعٍ يُعَرِّضُ نَفْسَهُ لِلثُّمَّةِ.

رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ **«إِنَّقُوا مَوْاضِعَ النُّهَمِ».**


الْمُتَكَلِّمُ يُعْرَفُ بِكَلَامِهِ. «تَكَلَّمُوا تُعْرَفُوا،

فَإِنَّ الْمَرءَ مُخْبُوٌ تَحْتَ لِسَانِهِ.» الْإِمَامُ عَلَيْهِ السَّلَامُ

فِي بَعْضِ الْأَوْقَاتِ قُدْرَةُ الْكَلَامِ أَقْوَى مِنَ السَّلَاحِ.

«رَبَّ كَلَامَ الْحُسَامِ». آمَّا الْإِمَامُ عَلَيْهِ السَّلَامُ

وَرَبَّ كَلَامٍ يَجِلُّ لَكَ الْمَشَاكِلَ. فَكَرِّرْتُمْ تَكَلَّمْ تَسْلِمْ مِنَ الزَّلَلِ. آمَّا الْإِمَامُ عَلَيْهِ السَّلَامُ

يَحِبُّ عَلَى الْإِنْسَانِ إِلْجَنَابُ عَنْ ذِكْرِ الْأَقْوَالِ الَّتِي فِيهَا اخْتِمَالُ الْكِذْبِ. لَا تُخَدِّثْ بِمَا

تَخَافُ تَكَذِيبَهُ. آمَّا الْإِمَامُ عَلَيْهِ السَّلَامُ

طَوْبَى لِمَنْ لَا يَخَافُ النَّاسُ مِنْ لِسَانِهِ. مَنْ خَافَ النَّاسُ مِنْ لِسَانِهِ فَهُوَ مِنْ أَهْلِ النَّارِ. رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

وَمِنْ آدَابِ الْكَلَامِ قِلَّتُهُ، خَيْرُ الْكَلَامِ مَا قَلَّ وَدَلَّ. آمَّا الْإِمَامُ عَلَيْهِ السَّلَامُ



وَقَفَ رَجُلٌ جَمِيلُ الْمَظَاهِرِ أَمَامَ سُقْرَاطَ
يَفْتَخِرُ بِمَلَاسِهِ وَبِمَظَاهِرِهِ، فَقَالَ لَهُ
سُقْرَاطُ: تَكَلَّمْ حَتَّى أَرَأَكَ.

۱- ما قَلَّ وَدَلَّ: آنچه کم باشد و راهنمایی کند. (سخنی کوتاه که منظور را کامل به شنونده برساند).

لِكَيْ يُقْنِعَ : تا قانع کند
(أَقْنَعَ، يُقْنِعُ)

لَيْنَ : نرم ≠ خشن

لِپْنَ : نرم ≠ خشونة

مَخْبُوءَ : پنهان = حفی

يُعَرِّضُ : در معرض می گذارد
(ماضی: عَرَضَ)

عَوَدَ : عادت داد

(مضارع: يُعَوِّدُ)

قِلَّةَ : کمی ≠ کثرة

كَلْمَ : سخن گفت = حدث، تکلم

(مضارع: يُكَلِّمُ)

لَا تُحَدِّثُ : سخن نگو

(حدث، يُحَدِّثُ)

لَا تَقْفُ : پیروی نکن (قفنا، يَقْفُوا)

أُدْعُ : فرا بخوان

(دعا، يَدْعُو)

أَنْ لَا يَتَدَخَّلَ : که دخالت نکند

(تَدَخَّلَ، يَتَدَخَّلُ)

تُهْمَ : تهمت‌ها «مفرد: تہمة»

زَلَّ : لغزش

سَدِيدَ : درست و استوار

طَوبِيٌّ لِـ : خوشابه حال



عَيْنِ الصَّحِيحَ وَالْخَطَأَ حَسَبَ نَصَ الدَّرْسِ.

۱- الَّذِي يَتَكَلَّمُ فِي مَا لَا يَعْلَمُ، يَقَعُ فِي خَطَا.

۲- مَنْ خَافَ النَّاسُ مِنْ لِسَانِهِ فَهُوَ قَوِيٌّ.

۳- عَلَيْنَا أَنْ لَا نَجْرَحَ الْآخَرِينَ بِلِسَانِنَا.

۴- الَّذِي لَا يَتَكَلَّمُ لَا يُعْرِفُ شَأْنُهُ.

۵- لَا نُحَدِّثُ بِمَا نَخَافُ تَكْذِيبُهُ.

اعلَمُوا

الْجُمَلَةُ بَعْدَ النَّكِرَةِ

■ معمولاً هنگامی که بعد از اسم نکره فعلی باید که درباره آن اسم نکره توضیح دهد، در ترجمه به فارسی بعد از آن اسم حرف ربط «که» می‌آید و فعل، مطابق شرایط جمله ترجمه می‌شود؛ مثال:

شاهدنا سنجاباً يقفز مِنْ شَجَرَةٍ إِلَى شَجَرَةٍ.

سنجبای را دیدیم که از درختی به درختی می‌پرید.



إِرْضَاءُ النَّاسِ غَايَةٌ لَا تُنْدِرُكُ.

راضی ساختن مردم، هدفی است که به دست آورده نمی‌شود.

رَأَيْتُ وَلَدًا يَمْشِي بِسُرْعَةٍ

پسری را دیدم که به سرعت راه می‌رفت.

■ عبارت (رَأَيْتُ وَلَدًا يَمْشِي بِسُرْعَةٍ) از دو جمله تشکیل شده، و بعد از اسم نکره «وَلَدًا» فعل مضارعی آمده است که درباره «وَلَدًا» توضیح می‌دهد؛ در ترجمة فارسی بین دو جمله، حرف ربط «که» می‌آید و فعل مضارع نیز معمولاً ماضی استمراری ترجمه می‌شود.

ماضی + اسم نکره + مضارع \Leftarrow ماضی استمراری

ترجمه

■ اما اگر فعل اول مضارع باشد، ترجمة فعل دوم چگونه خواهد بود؟ به مثال دقیق کنید.

أَفْتَشُ عَنْ مُعْجَمٍ يُسَاعِدُنِي فِي فَهِمِ النُّصُوصِ.

دنیال فرهنگ لغتی می‌گردیم ^{که} مرا در فهم متون کمک کند. (کمک می‌کند)

أَشَاهِدُ طَالِبًا يَكْتُبُ تَمَارِينَ الدَّرْسِ فِي الصَّفِّ.

دانش آموزی را می‌بینم ^{که} تمرين‌های درس را در کلاس می‌نویسد.

مضارع + اسم نکره + مضارع \Leftarrow مضارع التزامي يا مضارع إخباري

ترجمه



اکنون به ترجمة جملة زیر دقیق کنید.

إِشْتَرَىتِ الْيَوْمَ كِتَابًا قَدْ رَأَيْتُهُ مِنْ قَبْلِهِ.

امروز کتابی را خریدیم ^{که} قبل آن را دیده بودم. (دیدم)

ماضی + اسم نکره + ماضی \Leftarrow ماضی بعيد يا ماضی ساده

ترجمه

تذکر: ترجمه هنر است و باید در ترجمه به مطالب بسیاری مانند موضوع متن، قرائت و قواعد زبان مقصد توجه کرد.

إِخْتَيِرْ نَفْسَكَ: تَرْجِمْ هَذِهِ الْعِبَارَةَ حَسَبَ قَوَاعِدِ الدَّرْسِ؛ ثُمَّ عَيْنْ نَوْعَ الْأَفْعَالِ.

اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ تَقْفِيسٍ لَا تَشْبَعُ^۱ وَ مِنْ قَلْبٍ لَا يَخْشَعُ^۲ وَ مِنْ عِلْمٍ لَا يَنْفَعُ وَ
مِنْ صَلَاتٍ لَا تُرْفَعُ^۳ وَ مِنْ دُعَاءٍ لَا يُسْمَعُ. (مِنْ تَعْقِيبَاتِ صَلَاتِ الْعَصْرِ)

۱- لا تشبّع: سیر نمی‌شود ۲- لا يخشع: فروتنی نمی‌کند ۳- لا ترفع: بالا برده نمی‌شود

آلَّتَّمَارِينُ الْأَوَّلُ: إِمْلَا الْقَرَاغَ فِي آيَاتٍ نَصٌ الدَّرْسٍ وَأَحَادِيثِهِ بِكَلِمَاتٍ صَحِيقَةٍ.

عِلْمٌ ، النَّارِ ، عُقُولِهِمْ ، الْحَسَنَةِ ، أَحْسَنُ ، لِسَانِهِ ، تَفْعَلُونَ

١- ﴿أَدْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحِكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ وَجَادِلُهُمْ بِالَّتِي

هِيَ آتَنَّهُنَّا : ١٢٥﴾

٢- ﴿وَلَا تَقْفُ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ آتَيْنَاكُمْ آتِيَالْإِسْرَاءَ : ٣٦﴾

٣- ﴿لَمْ تَقُولُوا مَا لَا آتَيْنَاكُمْ آتِيَالصَّفَّ : ٢﴾

٤- ﴿كَلِمَ النَّاسَ عَلَى قَدْرٍ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ .﴾

٥- تَكَلَّمُوا تُعْرَفُوا فَإِنَّ الْمَرْءَ مَحْبُوَّةً تَحْتَ آتَيْنَاكُمْ آتِيَالإِمَامِ : ١ .﴾

٦- مَنْ خَافَ النَّاسُ مِنْ لِسَانِهِ فَهُوَ مِنْ أَهْلِ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ .﴾



آلَّا تَمْرِينُ الثَّانِي: تَرْجِمُ الْأَحَادِيثَ، ثُمَّ عَيْنِ الْمَطْلُوبَ مِنَكَ.

١- إِنَّ مِنْ شَرِّ عِبَادِ اللَّهِ مَنْ تُكَرِّهُ مُجَالَسَتُهُ لِفُحْشَيْهِ^١. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ .
(الفعل المجهول و الجار والمجرور)

٢- أَتَقَى النَّاسُ مَنْ قَالَ الْحَقَّ فِي مَا لَهُ وَعَلَيْهِ. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ .
(اسم التفضيل و المضاف إليه)

٣- الْعِلْمُ نُورٌ وَ ضِياءٌ يَقْدِفُهُ اللَّهُ فِي قُلُوبِ أَوْلِيَائِهِ. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ .
(المُبْتَدَأُ وَ الْفَاعِلُ)

٤- قُلِ الْحَقُّ وَإِنْ كَانَ مُرَاً^٢. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ .
(فعل الأمر و المفعول)

٥- لَا تَقُلْ مَا لَا تَعْلَمُ، بَلْ لَا تَقُلْ كُلَّ مَا تَعْلَمُ. أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ.
(المضارع المنفي و فعل النهي)



١- فُحْشٌ: گفتار و کردار زشت ٢- مُرًا: تلخ

آلَّتَمْرِينُ الثَّالِثُ: تَرْجِمْ كَلِمَاتِ الْجَدَوْلِ، ثُمَّ اكْتُبْ رَمَزَهُ.

يُجَادِلُ / مِتَانٍ / تَعْلِيمٍ / حَفَلَاتٍ / أَقْلَامٍ / إِمْرَأَةً / مُعَمَّرَةً / مُزَارِعٍ / تِلْمِيذٍ / رَائِحَةً
حاسوب / أَبْنَاءً / الْفَانِ / أَزْهَارٍ / أَسَاوِرٍ / إِعْصَارٍ / تَبْعِيلٍ / ساحاتٍ / كَبَائِرٍ

رمز ↓	
	گرامی داشتن (۱)
	کهنسل (۲)
	ستیز می کند (۳)
	یاد دادن (۴)
	کشاورز (۵)
	جشن ها (۶)
	دانش آموز (۷)
	زن (۸)
	بو (۹)
	دو هزار (۱۰)
	گردباد (۱۱)
	گناهان بزرگ (۱۲)
	میدان ها (۱۳)
	دویست (۱۴)
	فیلم ها (۱۵)
	رایانه (۱۶)
	دستبندها (۱۷)
	فرزندان (۱۸)
	شکوفه ها (۱۹)

قالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ :

«.....»

الَّتَّمْرِينُ الرَّابِعُ: عَيْنٌ فِي كُلِّ مَجْمُوعَةِ الْكَلِمَةِ الْعَرَبِيَّةِ.

- | | | | | | | | |
|--------------------------|-------------|--------------------------|-------------|--------------------------|-------------|--------------------------|-------------|
| <input type="checkbox"/> | الْغَاز | <input type="checkbox"/> | النَّوْيِ | <input type="checkbox"/> | اللُّبْ | <input type="checkbox"/> | القِشْر |
| <input type="checkbox"/> | السَّيَاج | <input type="checkbox"/> | الْقَدَم | <input type="checkbox"/> | الرَّأْس | <input type="checkbox"/> | الْيَد |
| <input type="checkbox"/> | الْخَطِيَّة | <input type="checkbox"/> | الحِصَّة | <input type="checkbox"/> | الَّذِنْب | <input type="checkbox"/> | الْإِثْم |
| <input type="checkbox"/> | الَّذِنْب | <input type="checkbox"/> | اللَّيْن | <input type="checkbox"/> | الْكَلْب | <input type="checkbox"/> | النَّعَلْ |
| <input type="checkbox"/> | الْمُوَظَّف | <input type="checkbox"/> | الْعَامِل | <input type="checkbox"/> | الْمُزَارِع | <input type="checkbox"/> | الرُّؤْيُوت |
| <input type="checkbox"/> | السَّمَك | <input type="checkbox"/> | الْفُسْتَان | <input type="checkbox"/> | الْقَمِيص | <input type="checkbox"/> | السُّرْوَال |

الَّتَّمْرِينُ الْخَامِسُ: تَرْجِمُ الْجُمَلَ التَّالِيَّةَ، ثُمَّ عَيْنِ الْمَطْلُوبَ مِنَكَ.

(المَجْرُورَ بِحَرْفِ جَ وَالْمَفْعُولَ)

١- سَافَرْتُ إِلَى قَرِيَّةٍ شَاهَدْتُ صُورَتَهَا أَيَّامَ صَغْرِيِّ.

(الْمَفْعُولَ وَ الْمُضَافُ إِلَيْهِ)

٢- عَصَفَتْ رِيَاحٌ شَدِيدَةٌ خَرَبَتْ بَيْتًا جَنْبَ شَاطِئِ الْبَحْرِ.

(الْمَفْعُولَ وَ الْمُضَافُ إِلَيْهِ)

٣- وَجَدْتُ بَرَنَامِجًا يُسَاعِدُنِي عَلَى تَعْلِيمِ الْعَرَبِيَّةِ.

(الْمُبْتَدَأُ وَ الْخَبَرُ)

٤- الْكِتَابُ صَدِيقٌ يُنْقِذُكَ مِنْ مُصِيَّةِ الْجَهَلِ.

(الْجَمَعُ الْمُكَسَّرُ وَ نُونُ الْوِقَايَةِ)

٥- يُعْجِبُنِي عِيدٌ يَفْرَحُ فِيهِ الْفُقَرَاءُ.

الْتَّمَرِينُ السَّادِسُ: عَيْنِ الْبَيْتِ الْفَارِسِيِّ الَّذِي يَرْتِبُ بِالْأَيْةِ أَوِ الْحَدِيثِ فِي الْمَعْنَى.

١- ﴿وَلَا تَنَابِزُوا بِالْأَلْقَابِ﴾ الْحُجُّرَاتُ: ١١

٢- عَوْدٌ لِسَانَكَ لِيَنَ الْكَلَامُ. الإِمَامُ عَلَيْهِ السَّلَامُ

٣- فَكَرْرُ ثُمَّ تَكَلَّمْ تَسْلَمْ مِنَ الزَّلَلِ. الإِمَامُ عَلَيْهِ السَّلَامُ

٤- أَكْبَرُ الْعَيْبِ أَنْ تَعِيبَ مَا فِيهِ مِثْلُهُ. الإِمَامُ عَلَيْهِ السَّلَامُ

٥- تَكَلَّمُوا تُعَرَّفُوا؛ فَإِنَّ الْمَرْءَ مَخْبُوءٌ تَحْتَ لِسَانِهِ. الإِمَامُ عَلَيْهِ السَّلَامُ

الف) تا مرد سخن گنفته باشد
عيوب هر شن نهفته باشد (سعدي شيرازی)

ب) سخن کان از سر اندیشه ناید
نوشتن را و گفتن را نشاید (ظامی گنجائی)

ج) به شیرین زبانی و لطف و خوشی
تونی که پیلی به مویی کشی (سعدي شيرازی)

د) خلائق را به تعالی که زشت است
خواهد حرکه او نیکو سر شست است (حمدی ابی قمشه ای)

ه) آن کس که به عیوب خلق پرداخته است زان است که عیوب خویش شناخته است (اسئله و جواب دیلمان)

التمرين السادس: أكتب مفرد الكلمات التالية.

مواضع	أولياء	ساحات	أساور	زُيوت	رياح
.....
أقوال	عقول	مُخاطبين	آداب	تهم	نُصوص
.....

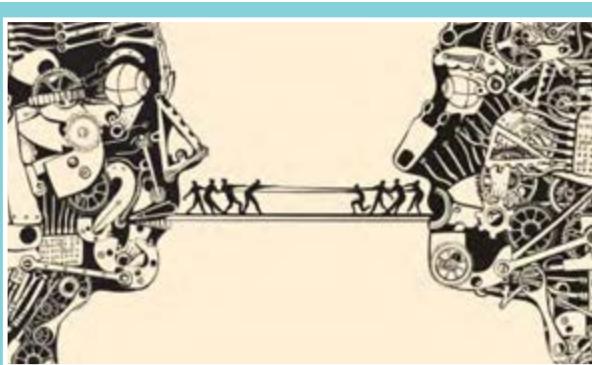
التمرين الثامن: ضع المِرَادِفاتِ وَالمُضادَاتِ فِي الفَرَاغِ الْمُنَاسِبِ. (= ≠)

امتلاً / شاطئ / مزارع / إثم / صغر / تبجيل / ضياء / مخبوء / كلام / ترفع / سديد / مودة

..... = ساحل = ذنب ≠ فراغ = فلاح
..... ≠ سگت = مستور ≠ بکر = تكريم
..... ≠ تنزل = صحيح = نور = حب

الْبَحْثُ الْعِلْمِيُّ

■ يبحث عن خمس آيات أو أحاديث حول قواعد الدّرس.



﴿... وَجَعَلْنَا لَهُ نُورًا يَمْسِي بِهِ فِي النَّاسِ ...﴾ الأنعام: ١٢٢

﴿... إِنَّا سَمِعْنَا كِتَابًا أُنزَلَ مِنْ بَعْدِ مُوسَىٰ ...﴾ الأحقاف: ٣٠

﴿وَجَعَلْنَا هُمْ أَئِمَّةً يَهْدُونَ بِأَمْرِنَا ...﴾ الأنبياء: ٧٣

- ١

- ٢

- ٣

- ٤

- ٥



<https://konkur.info>



الدُّرْسُ الْخَامِسُ



﴿إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي مَنْ هُوَ كَاذِبٌ كَفَّارٌ﴾

آلرُّمَّٰمٰ:

بی گمان خدا کسی را که دروغگو و بسیار کافر است راهنمایی نمی کند.

الْكِذْبُ



الْكِذْبُ مِفْتَاحٌ لِكُلِّ شَرٍّ. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ

جاءَ رَجُلٌ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ ﷺ فَقَالَ: عَلِمْنِي حُلْقًا يَجْمَعُ لِي خَيْرَ الدُّنْيَا وَالآخِرَةِ.

فَقَالَ ﷺ: لَا تَكْذِبْ.

وَ قَالَ الْإِمَامُ عَلَيْهِ اَللَّهُ تَعَالَى أَعْلَمُ :

خَيْرُ إِخْوَانِكَ مَنْ دَعَاكَ إِلَى صِدْقِ الْمَقَالِ بِصِدْقِ مَقَالِهِ، وَ تَنَاهَى كَ إِلَى أَفْضَلِ الْأَعْمَالِ بِحُسْنِ أَعْمَالِهِ.

إِذْنُ فَكْنُ صادِقًا مَعَ نَفْسِكَ وَ مَعَ الْأَخْرَينَ فِي الْحَيَاةِ، وَ لَا تَهْرُبْ مِنَ الْوَاقِعِ أَبَدًا، فَإِنْ هَرَبْتَ مِنَ الْوَاقِعِ فَسَوْفَ تُواجِهُ مَشَاكِلَ وَ صُعُوبَاتٍ كَثِيرَةً، وَ تُضْطَرُّ إِلَى الْكِذْبِ عِدَّةَ مَرَّاتٍ، وَ بَعْدَ ذَلِكَ يَتَبَيَّنُ كِذْبُكَ لِلْأَخْرَينَ، فَتَفَشَّلُ فِي حَيَاتِكَ.

وَ هَذِهِ قِصَّةٌ قَصِيرَةٌ تُبَيِّنُ لَكَ نَتْيَاجَةَ الْكِذْبِ:

قرَّ أَرْبَعَةُ طُلَّابٍ أَنْ يَغْيِبُوا عَنِ الْإِمْتِحَانِ فَاتَّصَلُوا بِالْأَسْتَاذِ هَاتِفِيًّا وَ قَالُوا لَهُ: أَحَدُ إِطَارَاتِ

سِيَارَتِنَا انْفَجَرَ، وَ لَيْسَ لَنَا إِطَارٌ اخْتِيَاطِيٌّ، وَ لَا تَوَجُّدُ سِيَارَةٌ تَنْقُلُنَا إِلَى الْجَامِعَةِ، وَ نَحْنُ الْآنَ فِي الطَّرِيقِ بَعِيدُونَ عَنِ الْجَامِعَةِ، وَ لَنْ نَسْتَطِعَ الْحُضُورَ فِي الْإِمْتِحَانِ فِي الْوَقْتِ الْمُحَدَّدِ.

وَاقِفُ الأُسْتَادُ أَنْ يُؤَجِّلَ لَهُمُ الْإِمْتِحَانَ لِمُدَّةٍ أَسْبُوعٍ وَاحِدٍ، فَفَرَحَ الطُّلَّابُ بِذَلِكَ؛ لِأَنَّ خُطْقَهُمْ لِتَأْجِيلِ الْإِمْتِحَانِ نَجَحَتْ.

فِي الْأَسْبُوعِ التَّالِي حَضَرُوا لِلِّإِمْتِحَانِ فِي الْوَقْتِ الْمُحَدَّدِ، وَ طَلَبَ الأُسْتَادُ مِنْهُمْ أَنْ يَجْلِسُوا فِي قَاعَةِ الْإِمْتِحَانِ، ثُمَّ وَزَعَ عَلَيْهِمْ أَوْرَاقَ الْإِمْتِحَانِ.



لَمَّا نَظَرُوا إِلَى الْأَسْيَلَةِ، تَعَجَّبُوا لِأَنَّهَا كَانَتْ هَكَذَا:

١ لِمَاذَا انْفَجَرَ الْإِطَارُ؟

٢ أَيُّ إِطَارٍ مِّنْ سَيَارَتِكُمْ انْفَجَرَ؟

٣ فِي أَيِّ طَرِيقٍ وَقَعَ هَذَا الْحَادِثُ؟

٤ مَا هُوَ تَرْتِيبُ جُلُوسِكُمْ فِي السَّيَارَةِ؟

٥ كَيْفَ اسْتَطَعْتُمْ أَنْ تَحْلُوا مُشَكِّلَتَكُمْ؟

٦ كَمْ كَانَتِ السَّاعَةُ عِنْدَ انْفِجَارِ الْإِطَارِ؟

٧ مَنْ كَانَ مِنْكُمْ يَسُوقُ السَّيَارَةَ فِي ذَلِكَ الْوَقْتِ؟

٨ هَلْ تَضْمَنْ أَنْ يُجِيبَ أَصْدِقَاؤُكَ مِثْلَ إِجَابَتِكَ؟

خَجَلَ الطُّلَّابُ وَنَدِمُوا وَاعْتَدَرُوا مِنْ فِعْلِهِمْ، نَصَحَّهُمُ الْأَسْتَاذُ وَقَالَ:

مَنْ يَكِيدُ لَا يَنْجُحُ. عَاهَدَ الطُّلَّابُ أَسْتَاذَهُمْ عَلَى أَنْ لَا يَكِيدُوا، وَقَالُوا لَهُ نَادِمِينَ:

تَعَلَّمْنَا دَرْسًا لَنْ نَنْسَاهُ أَبَدًا.



قرَّرَ : قرار گذاشت

(مضارع: يُقْرِرُ)

كُنْ : باش

لَنْ : حرف نشانه آینده منفي

مُحَدَّدٌ : مشخص شده

مقال : گفتار = قَوْل، کلام

نَدَبَ : فرا خواند (مضارع: يَنْدُبُ)

واجَهَ : رو به رو شد (مضارع: يُوَاجِهُ)

وزَعَ : پخش کرد (مضارع: يُوزِعُ)

ساقَ : رانندگی کرد (مضارع: يَسُوقُ)

صُعُوبَةٌ : سختی ≠ سُهولة

ضَمِنَ : ضمانت کرد

(مضارع: يَضْمَنُ)

عَاهَدَ : پیمان بست

(مضارع: يَعْاهِدُ)

عِدَّةٌ : چند

فَشَلَ : شکست خورد

(مضارع: يَفْشُلُ)

أَجَّلَ : به تأخير انداخت

(مضارع: يُؤَجِّلُ / مصدر: تأجيل) = **أَخْرَ**

إِضْطَرَ : ناگزیر کرد (مضارع: يَضْطَرُ)

تُضْطَرُ : ناگزیر می شوی

إِطَارٌ : تاییر، چارچوب

إِطَارٌ اخْتِيَاطِيٌّ : چرخ یدکی

تَبَيَّنَ : آشکار شد (مضارع: يَتَبَيَّنُ)

خُطَّةٌ : نقشه، برنامه «جمع: خُطَّاتٌ»

زاوية : گوشه «جمع: زوايا»

أَجَبْ عَنِ الْأَسْئِلَةِ التَّالِيَةِ حَسَبَ نَصْ الدَّرْسِ.

١- هل وافق الأستاذ أن يوجّل الامتحان للطلاب لمدة أسبوعين؟

٢- ماذا قال الرجل لرسول الله ﷺ حين جاء إليه؟

٣- ما قال الطالب لأستاذهم نادمين؟

٤- من قال «من يكذب لا ينصح»؟

٥- كيف اتصل الطالب بالاستاذ؟

٦- لماذا فرّح الطالب؟

اعلَمُوا

تَرْجِمَةُ الْفِعْلِ الْمُضَارِعِ (۱)

■ حروف «أَنْ» و «كِي، لِـ، لِكِي، حَتَّـ»: تا، برای اینکه» بر سر فعل مضارع می‌آیند و در معنای آن تغییر ایجاد می‌کنند؛ فعل‌هایی که دارای این حروف‌اند، در فارسی «مضارع التزام»

ترجمه می‌شوند؛ مثال:

حَتَّـيٌ يَحْكُـمـ: تا داوری کند	يَحْكُـمـ: داوری می‌کند
أَنْ يُحاوِلُـوا: که تلاش کنند	يُحاوِلُـونـ: تلاش می‌کنند
لِكِـي تَفْرَحُـوا: تا شاد شوید	تَفْرَحُـونـ: شاد می‌شوید
لِيَجْعَـلـ: تا قرار بدهد	يَجْعَـلـ: قرار می‌دهد
كِـي يَذْهَبُـنـ: تا بروند	يَذْهَبُـونـ: می‌روند

■ فعل مضارع دارای «لَنْ» معادل «آینده منفي» در زبان فارسی است؛ مثال:

لَنْ تَنَالُـوا: دست نخواهید یافت تَنَالُـونـ: دست می‌یابید

این حروف در انتهای فعل مضارع تغییراتی را ایجاد می‌کنند.^۱

۱- آشنایی با این تغییرات از اهداف آموزشی کتاب نیست؛ اما خوب است بدانید این حروف (که حروف ناصبه نام دارند)، نشانه انتهای فعل‌های «يَفْعَـلـ، تَفْعَـلـ، أَفْعَـلـ و نَفْعَـلـ» را تغییر می‌دهند. ← «... يَفْعَـلـ، ... تَفْعَـلـ، ... أَفْعَـلـ و ... نَفْعَـلـ»

و حرف نون را در انتهای فعل‌های «يَفْعَـلـونـ، يَفْعَـلـوا، تَفْعَـلـونـ و تَفْعَـلـوا» حذف می‌کنند. این حروف در شکل ظاهر دو فعل جمع مؤنث «يَفْعَـلـنـ» و «تَفْعَـلـنـ» هیچ تغییری ایجاد نمی‌کنند.

إِخْتِيرْ نَفْسَكَ: تَرْجِمُ الْآيَتَيْنِ وَالْحَدِيثَ حَسَبَ قَوَاعِدِ الدَّرْسِ، ثُمَّ عِينِ الْأَفْعَالَ الْمُضَارِعَةَ.

١ ﴿ وَعَسَى أَن تَكْرَهُوا شَيئاً وَهُوَ خَيْرٌ لَكُمْ وَعَسَى أَن تُحِبُّوا شَيئاً وَهُوَ شَرٌّ لَكُمْ ﴾ البقرة: ٢١٦

٢ ﴿ ... أَنفَقُوا مِمَّا رَزَقْنَاكُمْ مِنْ قَبْلِ أَن يَأْتِيَ يَوْمٌ لَا بَيْعٌ فِيهِ وَلَا خُلْةٌ ... ﴾ البقرة: ٢٥٤

٣ مِنْ أَخْلَاقِ الْجَاهِلِ الْإِجَابَةُ قَبْلَ أَن يَسْمَعَ وَالْمُعَارَضَةُ قَبْلَ أَن يَقْفَهُمْ وَالْحُكْمُ بِمَا لَا يَعْلَمُ.
الإمام الصادق عليه السلام



٣ - مُعَارَضَة: مخالفت

٢ - خُلْة: دوستی

١ - رَزْق: روزی داد

در گروههای دو نفره شبیه گفت و گوی زیر را اجرا کنید.

حوار

(فِي الصَّيْدَلِيَّةِ)

الصَّيْدَلِيُّ

الْحَاجُ

أَعْطِنِي الْوَرَقَةَ:

مِحْرَارٌ، حُبوبٌ مُسَكِّنَةٌ لِلصُّدَاعِ، حُبوبٌ
مُهَدِّئَةٌ، كَبْسُولٌ أَمْبِيسِيلِينٌ، قُطْنٌ^٤ طِبِّيٌّ،
مَرْهَمٌ^٥ لِحَسَاسِيَّةِ الْجِلدِ ...

لَا بَأْسَ، وَلِكِنْ لَا أُعْطِيَكَ أَمْبِيسِيلِينٌ.

عَفْوًا، مَا عِنْدِي وَصْفَةٌ

وَأُرِيدُ هَذِهِ الْأَدْوِيَةَ^٢ الْمَكْتُوبَةَ عَلَى الْوَرَقَةِ.

لَا يَبْيَعُهَا بِدُونِ وَصْفَةٍ غَيْرِ مَسْمُوحٍ.
لِمَنْ تَشَتَّرِي هَذِهِ الْأَدْوِيَةَ؟

لِمَاذَا لَا تُعْطِينِي؟

رجاءً، راجِعٌ^٣ الطَّبِيبِ؛
آشْفَاءٌ مِنَ اللَّهِ.

أَشْتَرِيَهَا لِرُمْلَائِي فِي الْقَافِلَةِ
يَا حَضْرَةَ الصَّيْدَلِيِّ^٦.



- ١—الصَّيْدَلِيَّةُ: داروخانه ٢—الْأَدْوِيَةُ: داروها، مفرد: الدَّوَاء ٣—الْمِحْرَارُ: دما منج ٤—الْقُطْنُ: پنبه
٥—مَرْهَمٌ: پماد ٦—الْجِلدُ: پوست ٧—حَضْرَةُ الصَّيْدَلِيِّ: جناب داروخانه دار ٨—رَاجِعٌ: مراجعه کن

الْتَّمَرِينُ الْأَوَّلُ: أَيُّ فِعْلٍ مِنْ أَفْعَالِ مُعْجَمِ الدَّرِسِ يُنَاسِبُ التَّوْضِيحاَتِ التَّالِيَّةَ؟

١- شَاهَدَ وَجْهًا لِوَجْهٍ.

٢- ظَهَرَ وَصَارَ وَاضِحًا.

٣- لَمْ يَنْجُحْ بِلْ خَسِرَ.

٤- أَعْطَاهُ عَهْدًا وَقَوْلًا بِإِنْ يَفْعَلْ شَيْئًا.

٥- قَرَرَ أَنْ يَفْعَلَ مَا قَصَدَهُ مَعَ التَّاخيرِ.

الْتَّمَرِينُ الثَّانِي: تَرْجِيمُ الْأَحَادِيثِ، ثُمَّ عَيْنُ الْمَطْلوبِ مِنْكَ.

١- لَا تَعْتَرِوا بِصَلَاتِهِمْ وَلَا بِصِيَامِهِمْ ... وَلَكِنْ اخْتَبِرُوهُمْ عِنْدَ صِدقِ الْحَدِيثِ وَأَدَاءِ
الْأَمَانَةِ. الْإِمَامُ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ

٢- لَا تَسْتَشِيرِ الْكَذَابَ فَإِنَّهُ كَالسَّرَابِ يُقَرِّبُ عَلَيْكَ الْبُعْدَ وَيُبَعِّدُ عَلَيْكَ الْقُرْبَ.
(الْأَسْمَاءُ الْمُبَالَغَةُ)

٣- يَلْعُغُ الصَّادِقُ بِصِدْقِهِ مَا لَا يَلْعُغُهُ الْكَاذِبُ بِإِحْتِيَالِهِ. أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ

٤- لَا تُحَدِّثِ النَّاسَ بِكُلِّ مَا سَمِعْتَ بِهِ. أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ

٣- لَا تَسْتَشِيرُ: با ... مشورت نکن

٢- الصَّيَامُ: روزه

١- لَا تَعْتَرِوا: فریب نخورید

٦- آلِاحْتِيَالِ: فریبکاری

٥- يُبَعِّدُ: دور می سازد

٤- يُقَرِّبُ: نزدیک می سازد

الْتَّمْرِينُ الْثَالِثُ: عَيْنُ الْكَلِمَةِ الَّتِي لَا تُنَاسِبُ الْكَلِمَاتِ الْأُخْرَى مَعَ بَيَانِ السَّبَبِ.

- | | | | |
|------------------------------------|------------------------------------|-----------------------------------|-----------------------------------|
| <input type="checkbox"/> إطار | <input type="checkbox"/> قول | <input type="checkbox"/> كلام | <input type="checkbox"/> مقال |
| <input type="checkbox"/> تكلم | <input type="checkbox"/> كمل | <input type="checkbox"/> حدث | <input type="checkbox"/> كلم |
| <input type="checkbox"/> أَغْصَانٌ | <input type="checkbox"/> أَثْمَارٌ | <input type="checkbox"/> تأجيل | <input type="checkbox"/> جذوع |
| <input type="checkbox"/> يَخْنُقُ | <input type="checkbox"/> يَزْرَعُ | <input type="checkbox"/> يَنْبُتُ | <input type="checkbox"/> يَغْرِسُ |
| <input type="checkbox"/> أَكْرَمٌ | <input type="checkbox"/> أَخْضَرٌ | <input type="checkbox"/> أَسْوَدٌ | <input type="checkbox"/> أَحْمَرٌ |

الْتَّمْرِينُ الرَّابِعُ: تَرْجِمِ الْآيَاتِ، ثُمَّ عَيْنِ الْمَطْلُوبَ مِنَكُمْ.

١- ﴿...فَاصْبِرُوا حَتَّىٰ يَحْكُمَ اللَّهُ بَيْنَنَا...﴾ آلَّاَعْرَافٍ: ٨٧

٢- ﴿...يُرِيدُونَ أَنْ يُبَدِّلُوا كَلَامَ اللَّهِ ...﴾ الْفَتْحٍ: ١٥

٣- ﴿هُوَ الَّذِي يُصْلِي^١ عَلَيْكُمْ وَمَلَائِكَتُهُ لِيُخْرِجَكُم مِّنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ﴾ الْأَخْرَاجٍ: ٣

(الْجَارُ وَالْمَجْرُورُ)

٤- ﴿...لِكِيلًا^٢ تَحْرَنُوا عَلَىٰ مَا فَاتَكُمْ ...﴾ آلَّاَلِّمَانٍ: ١٥٣

٥- ﴿لَنْ تَنالُوا^٣ الْبِرَّ حَتَّىٰ تُفْقِدُوا مِمَّا ثَجَبُونَ...﴾ آلَّاَلِّمَانٍ: ٩٢

١- يُصْلِي: درود می فرسنند ٢- لِكِيلًا: لِكِي+لا ٣- فات: از دست رفت ٤- لَنْ تَنالُوا: دست نخواهید یافت

الَّتَّمَرِينُ الْخَامِسُ: تَرْجِمِ الْجُمْلَ التَّالِيَةَ.

١- اِجْلِسْ عَلَى الْكُرْسِيِّ:

.....

٢- تَجْلِسُ مَعَ زَمِيلِكَ:

.....

٣- اِصْبِرْ لِكَيْ يَجْلِسَ:

.....

٤- جَالِسْ خَيْرَ النَّاسِ:

.....

٥- لَا تَجْلِسُوا هُنَاكَ:

.....

٦- لَنْ يَجْلِسُنَّ هُنَا:

.....

٧- أَرِيدُ أَنْ أَجِلِسَ:

.....

٨- رَجَعْنَا لِنَجْلِسَ:

الَّتَّمَرِينُ السَّادِسُ: أَكْتُبْ مُفَرَّدَ الْجُمْوِعِ التَّالِيَةَ.

صُعُوبَات	أَحْيَاء	أَفَاضِل	خُطَط	أَدْوِيَة
.....
أَعْمَال	إِخْوَان	عُيُوب	أَسَاتِذَة	أَصْدِقَاء
.....
أَخْلَاق	طُلَاب	إِجَابَات	أَسَابِيع	أَسْئَلَة
.....

الْبَحْثُ الْعِلْمِيُّ

■ ابْحَثْ عَنْ قِصَّةٍ قَصِيرَةٍ أَوْ أَحَادِيثَ حَوْلَ قُبْحِ الْكِذْبِ وَ عَاقِبَتِهِ السَّيِّئَةِ.



سلام

Ciao
tisla

Hello

السلام
عليكم

Ciao

ola

الدَّرْسُ السَّادِسُ



تعلُّم كُل لُغَةٍ فُتَحَةٌ إِلَى عَالَمٍ جَدِيدٍ.

يادگیری هر زبانی، دریچه‌ای به سوی جهانی نوین است.



تُعَدُ الدُّكْتُورَةُ آنَّهُ ماري شِيمِيلُ مِنْ أَشْهَرِ الْمُسْتَشْرِقِينَ.

وُلِدَتْ فِي «الْأَلْمَانِيَا» وَ كَانَتْ مُنْدُ طُفُولَتِهَا مُشْتَاقَةً إِلَى كُلِّ

مَا يَرْتَبِطُ بِالشَّرْقِ وَ مُعْجَبَةً بِإِيَرانَ كَانَ عُمُرُهَا خَمْسَةَ

عَشَرَ عَامًا حِينَ بَدَأَتْ بِدِرَاسَةِ اللُّغَةِ الْعَرَبِيَّةِ. حَصَلَتْ عَلَى

شَهَادَةِ الدُّكْتُورَاهِ فِي الْفَلْسَفَةِ وَ الدِّرَاسَاتِ الْإِسْلَامِيَّةِ وَ هِيَ فِي التَّاسِعَةِ عَشْرَةَ مِنْ عُمُرِهَا؛

تَعَلَّمَتِ الْلُّغَةَ الْتُّرْكِيَّةَ وَ دَرَسَتْ فِي جَامِعَةِ أَنْقُرَةِ.

كَانَتْ شِيمِيلُ تَدْعُو الْعَالَمَ الْغَرْبِيَّ الْمُسِيَّحِيَّ لِفَهِمِ حَقَائِقِ الدِّينِ الْإِسْلَامِيِّ وَ الْإِطْلَاعِ

عَلَيْهِ. وَ هُذَا الْعَمَلُ رَفَعَ شَأنَهَا فِي جَامِعَاتِ الدُّولِ الْإِسْلَامِيَّةِ، فَحَصَلَتْ عَلَى دُكْتُورَاهِ فَخْرِيَّةٍ

مِنْ جَامِعَاتِ السُّنْدِ وَ إِسْلَامِ آبَادِ وَ بِيشَاوَرِ وَ قُونِيَّةِ وَ طَهْرَانِ.

إِنَّهَا تَعَلَّمَتْ لُغَاتٍ كَثِيرَةً مِنْهَا الْفَارِسِيَّةُ وَ الْعَرَبِيَّةُ وَ الْتُّرْكِيَّةُ وَ الإِنْجِليْزِيَّةُ وَ الْفَرَنْسِيَّةُ وَ

الْأَرْدِيَّةُ؛ وَ كَانَتْ تُلْقِي مُحَاضَرَاتٍ بِالْلُّغَةِ الْفَارِسِيَّةِ. فَهِيَ كَانَتْ مِثَالًا لِهُدُوِّهِ الْعِبَارَةِ:

«الْإِنْسَانُ بِكُلِّ لِسَانٍ إِنْسَانٌ»

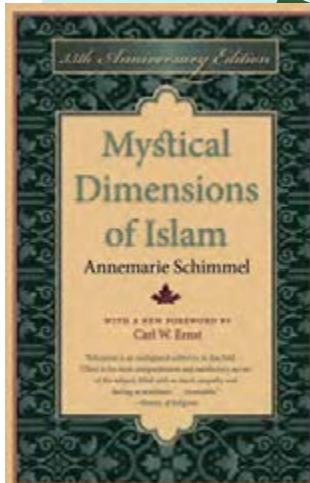
أَلْفَتْ شِيمِيلُ أَكْثَرَ مِنْ مِئَةِ كِتَابٍ وَ مَقَالَةً مِنْهَا كِتَابٌ حَوْلَ شَخْصِيَّةِ جَلالِ الدِّينِ الْبَلْخِيِّ.

هيَ كَانَتْ تُحِبُّ الْعِيشَ فِي الشَّرْقِ، لِذَلِكَ دَرَسَتْ مُدَّةً طَوِيلَةً فِي الْهِنْدِ وَ بَاكِستانِ، وَ دَرَسَتْ كَذَلِكَ مَا يُقَارِبُ خَمْسَةً وَ عِشْرِينَ عَامًا فِي جَامِعَةِ هَارْفَارِدِ.

قَبْلَ وَفَاتِهَا أَوْصَتْ شِيمِيلْ زُمَلَاءَهَا أَنْ يُشَكِّلُوا فَرِيقًا لِلْجَوَارِ الدِّينِيِّ وَ الثَّقَافِيِّ يَكُونُ هَدْفُهُ الْأَعْلَى «مَدَ جُسُورِ الصَّدَاقَةِ وَ التَّفَاهُمْ بَيْنَ أُورُوبَا وَ الْعَالَمِ الْإِسْلَامِيِّ» وَ «الِّتَّحَادَ بَيْنَ الْخَضَارَاتِ».

أَشَارَتْ شِيمِيلْ فِي إِحْدَى مُقَابِلَاتِهَا إِلَى الْأَدْعِيَةِ الْإِسْلَامِيَّةِ وَ قَالَتْ: «أَنَا أَقْرَأُ الْأَدْعِيَةَ وَ الْأَحَادِيثَ الْإِسْلَامِيَّةَ بِاللُّغَةِ الْعَرَبِيَّةِ وَ لَا أُرَاجِعُ تَرْجِمَتَهَا».

هيَ أَوْصَتْ أَنْ يُكْتَبَ هَذَا الْحَدِيثُ عَلَى قَبْرِهَا:



«الَّذِي نَسِيَ نَيَامٌ فَإِذَا مَأْتُوا اُنْتَبَهُوا».
رَسُولُ اللَّهِ ﷺ

فَرَنْسِيَّة : فرانسوی

قارَب : نزدیک شد

«ما يُقارِب» : نزدیک به

مُحاَصَرَة : سخنرانی

مَدَّ : کشید، گسترش داد

مُسْتَشْرِق : خاورشناس

مُعَجَّبَةٌ بِـ : شیفتہ (أَعْجَبَ، يُعْجِبُ)

مُقاَبَلَة : مصاحبه

مُنْدُّ : از هنگام

حَصَلَ عَلَى : به دست آورد

(مضارع: يَحْصُلُ)

حَضَارَة : تمدن

دُكْتُورَاه : دکترا

شَكَلَ : تشکیل داد (مضارع: يُشكّلُ)

شَهَادَة : مدرک

عَدَّ : به شمار آورد، شمرد

(مضارع: يَعُدُّ)

فَخُرَيَّة : افتخاری

أُرْدِيَّة : زبان اردو

أَشَارَ : اشاره کرد (مضارع: يُشيرُ)

أَقْلَى : انداخت (مضارع: يُلْقِي)

كانت تُلْقِي مُحاَصَرَةً : سخنرانی می کرد

إنجِليزِيَّة : انگلیسی

آنکارا : آنکارا

أَوْصَى : سفارش کرد (مضارع: يوصي)

تقافی : فرهنگی

«**نَقَافَة**» : فرهنگ

أَحِبُّ عَنِ الْأَسْئِلَةِ التَّالِيَّةِ حَسَبَ نَصُّ الدَّرْسِ.

١- بِأَيِّ لُغَةٍ كَانَتْ شِيمِلْ تَقْرَأُ الْأَدْعِيَّةِ الْإِسْلَامِيَّةَ؟

٢- أَيِّ حَدِيثٍ كُتِبَ عَلَى قَبْرِ شِيمِلْ؟

٣- كِمْ كِتابًا وَ مَقَالَةً الَّتِي شِيمِلْ؟

٤- بِمَاذَا أَوْصَتْ شِيمِلْ زُمَلَاءَهَا؟

٥- أَيْنَ وُلِدَتْ شِيمِلْ؟

اعلموا

ترجمة الفعل المضارع (۲)

- حروف «لَمْ، لِـ، لـ» بر سر فعل های مضارع می آیند و معنای آن را تغییر می دهند.
- حرف «لَمْ» فعل مضارع را به «ماضی ساده منفی» یا «ماضی نقلی منفی» تبدیل می کند؛ مثال:

لَمْ يَسْمَعْ: نشنید، نشنیده است

يَسْمَعُ: می شنود

لَمْ تَدْهَبُوا: نرفتید، نرفته اید

تَدْهَبُونَ: می روید

لَمْ تَكْتُبْنَ: ننوشtid، ننوشته اید

تَكْتُبْنَ: می نویسید

- حرف «لـ» امر را بر سر فعل مضارع به معنای «باید» است و چنین فعلی معادل «مضارع التزامی» در فارسی می باشد؛ مثال:

لِنْرِجُ: باید برگردیم

نَرْجِعُ: بر می گردیم

لِيَعْلَمُوا: باید بدانند

يَعْلَمُونَ: می دانند

- در کتاب عربی پایه نهم با حرف «لای نهی» بر سر فعل مضارع مخاطب (دوم شخص) آشنا شدید؛ مثال:

لَا تَيِّأْسُ: نامید نشوی

تَيِّأْسُ: نامید می شوی

لَا تُرْسِلُوا: نفرستید

تُرْسِلُونَ: می فرستید

- هmin حرف «لای نهی» اگر بر سر سایر ساخت های فعل مضارع باید، به معنای «نباید» و معادل «مضارع التزامی» منفی در فارسی است؛ مثال:

لَا يُسَافِرُوا: نباید سفر کنند

يُسَافِرُونَ: سفر می کنند

- حروف «لَمْ، لِـ، لـ» در انتهای فعل مضارع تغییراتی ایجاد می کنند.

۱- آشنایی با این تغییرات از اهداف آموختی کتاب نیست؛ اما خوب است بدانید این حروف (که حروف جازمه نام دارند)، نشانه انتهای فعل های «يَفْعُلُ، أَفْعُلُ، يَتَفْعَلُ وَ تَفْعَلُ» را تغییر می دهند. کـ «...يَفْعُلُ، ...تَفْعَلُ، ...أَفْعُلُ وَ ...تَفْعَلُ» و حرف نون را در انتهای فعل های «يَفْعَلُونَ، يَفْعَلُوا، تَفْعَلُونَ، تَفْعَلُوا وَ تَفْعَلَيْهَا» حذف می کنند. این حروف در شکل ظاهر دو فعل جمع مؤنث «يَفْعَلَنَّ» و «تَفْعَلَنَّ» هیچ تغییری ایجاد نمی کنند.

﴿لَا تَحْزُنْ إِنَّ اللَّهَ مَعَنَا﴾ التَّوْبَةُ : ٤٠

﴿إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّىٰ يُغَيِّرُوا مَا بِأَنفُسِهِمْ﴾ الرَّعدُ : ١١

... لَا تَظْلِمْ كَمَا لَا تُحِبُّ أَنْ تُظْلَمَ وَأَحْسِنْ كَمَا تُحِبُّ أَنْ يُحْسَنَ إِلَيْكَ. الإمام علي عليه السلام

چند نکته:

■ نکته (۱) : فعل نهی همان فعل مضارع است.

■ نکته (۲) : ترجمة فعلی مانند «لِيَعْلَمُوا» فقط در جمله و در متن امکان پذیر است؛

مثال:

تَكَلَّمُتُ مَعَ أَصْدِقَائِي لِيَعْلَمُوا كَيْفَ يُمْكِنُ لَهُمْ أَنْ يَنْجَحُوا فِي بَرَاجِهِمْ.

با دوستام سخن گفتم تا بدانند چگونه برایشان امکان دارد که در برنامه هایشان موقع شوند.

قال المُدِيرُ: إِنَّ الامْتِحَانَاتِ تُسَاعِدُ الطُّلَابَ لِتَعْلِمِ دُرُوسِهِمْ فَلِيَعْلَمُوا ذَلِكَ وَ عَلَيْهِمْ أَنْ لَا يَخافُوا مِنْهَا.

مدیر گفت: آزمونها داش آموزان را برای یادگیری درس هایشان کمک می کند و باید این را بدانند و بر آنان لازم است که از آن نترسند.

■ نکته (۳) : حرف «لِ» بر سر ضمیرها به «لَ» تبدیل می شود؛ مثال:

لَهُ، لَهَا، لَهُمْ، لَهُنَّ، لَهُمَا، لَكَ، لَكِ، لَكُمْ، لَكُنَّ، لَكُمَا، لَنَا.

در «لِي» این گونه نیست.

■ **نکته (۴)** : تاکنون با دو نوع حرف «ل» آشنا شده‌اید، یکی بر سر اسم (ضمیر نیز اسم محسوب می‌شود) و دیگری بر سر فعل مضارع می‌آید؛ تشخیص معنای هر یک فقط داخل متن امکان دارد:

- ۱- «ل» به معنای «مال، از آن» مانند «لَمْ تِلْكَ الشَّرِيحَةُ؟»؛ یعنی «آن سیم کارت مال کیست؟»
 - ۲- «ل» به معنای «برای» مانند «إِشْتَرَيْتُ حَقِيقَةً لِلسَّفَرِ»؛ یعنی «چمدانی برای سفر خریدم».
 - ۳- «ل» به معنای «داشت» مانند «لَيَ شَهَادَةٌ فِي الْحَاسُوبِ»؛ یعنی «مدرک رایانه دارم».
 - ۴- «ل» به معنای «باید» مانند «لِتَوَكَّلَ عَلَى اللَّهِ»؛ یعنی «باید به خدا توکل کیم».
- «ل» به معنای «تا» مانند «ذَهَبْتُ إِلَى الْمَتْجَرِ لَاشْتَرِيَ بَطَارِيَّةً لِجَوَالِي»؛ یعنی «به مغازه رفتم تا باتری برای تلفن همراهم بخرم».

حرف «ل» پس از حرف‌هایی مانند «و، ف» معمولاً ساکن می‌شود؛ مثال:

فَ + ل + يَعْمَلُ = فَلْيَعْمَلُ: پس باید انجام دهد.

اِخْتِرْ نَفْسَكَ: تَرْجِمُ الْعِبارَاتِ التَّالِيَةَ حَسَبَ الْقَواعِدِ.

۱) الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ ﴿الْفاتحة: ۲﴾

۲) بُعِثَ النَّبِيُّ لِيَهْدِي النَّاسَ.

۳) لِنَسْتَمِعُ إِلَى الْكَلَامِ الْحَقِّ.

۴) لِمَنْ هُنْدِهِ الْجَوَازَاتُ؟

الَّتَّمَارِين

الَّتَّمَارِينُ الْأَوَّلُ: ضَعْ فِي الْفَرَاغِ كَلِمَةً مُنَاسِبَةً مِنْ كَلِمَاتِ مُعَجَمِ الدَّرِسِ.

- ١- كَانَتْ شِيمِيلْ مُنْدُ طُفُولَتِهَا مُشَتَّاقَةً إِلَى كُلِّ مَا يَتَعَلَّقُ بِالشَّرْقِ وَ بِإِيَران.
- ٢- الْدُّكْتُورَاه هِيَ شَهَادَةٌ تُعْطَى لِشَخْصٍ تَقْدِيرًا لِجُهُودِهِ فِي مَجَالٍ مُعَيَّنٍ.
- ٣- إِنْ ثَانِي أَكْبَرِ مَدِيَّةٍ فِي تُرْكِيا بَعْدَ إِسْطَانْبُول.
- ٤- الْشَّعْبُ الْبَاكِسْتَانِيُّ يَتَكَلَّمُ بِاللُّغَةِ .
- ٥- الْلُّغَةُ الرَّسْمِيَّةُ فِي بِرِيْطَانِيَا .

الَّتَّمَارِينُ الثَّانِي: عَيِّنِ الْكَلِمَةَ الَّتِي لَا تُنَاسِبُ الْكَلِمَاتِ الْأُخْرَى.

- | | | | |
|--|---|--|--|
| <input type="checkbox"/> السَّنَة | <input type="checkbox"/> الْثَّقَافَة | <input type="checkbox"/> الْشَّهْر | <input type="checkbox"/> الْأَسْبُوع |
| <input type="checkbox"/> الْفَخْرِيَّة | <input type="checkbox"/> الْفَرْنِسيَّة | <input type="checkbox"/> الْإِنْجِليزِيَّة | <input type="checkbox"/> الْأَرْدِيَّة |
| <input type="checkbox"/> الْحَيْب | <input type="checkbox"/> الْصَّدِيق | <input type="checkbox"/> الْقَمِيص | <input type="checkbox"/> الْزَّمِيل |
| <input type="checkbox"/> الْنَّيَام | <input type="checkbox"/> الْبِلَاد | <input type="checkbox"/> الْمَدِيَّة | <input type="checkbox"/> الْقَرِيَّة |
| <input type="checkbox"/> الْكِبَر | <input type="checkbox"/> الْصَّغَر | <input type="checkbox"/> الْطُّفُولَة | <input type="checkbox"/> الْشَّهَادَة |
| <input type="checkbox"/> الْعِنْب | <input type="checkbox"/> الْتُّفَاح | <input type="checkbox"/> الْرُّمَان | <input type="checkbox"/> الْقِطْ |

آلٰ التَّمْرِينُ الثَّالِثُ: إِقْرَأُ الْآيَاتِ التَّالِيَّةَ، ثُمَّ انتَخِبِ التَّرْجِمَةَ الصَّحِيحةَ.

۱- ﴿... عَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ﴾ آلٰ عمران: ۱۲۲

الف) مؤمنان تنها باید بر خدا توگل کنند.

ب) مؤمنان فقط به خدا توگل می‌کنند.

۲- ﴿قَالَتِ الْأَعْرَابُ آمَّا قُلْ لَمْ تُؤْمِنُوا وَلَكِنْ قُولُوا أَسْلَمْنَا...﴾ الحُجُّرَات: ۱۴

بادیه‌نشینان گفتند: ...

الف) ... «ایمان می‌آوریم». بگو: «ایمان نمی‌آورید؛ بلکه بگویید: در سلامت می‌مانیم».

ب) ... «ایمان آوردیم». بگو: «ایمان نیاورده‌اید؛ بلکه بگویید: اسلام آوردیم».

۳- ﴿أَوَ لَمْ يَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَنْ يَشَاءُ...﴾ آلٰ زمر: ۵۲

الف) آیا ندانسته‌اند که خدا روزی را برای هرکس بخواهد، می‌گستراند؟

ب) آیا نمی‌دانند که خدا روزی را برای هرکس بخواهد، فراوان می‌کند؟

۴- ﴿قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ * اللَّهُ الصَّمَدُ * لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُوَلَّْ وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُورًا أَحَدٌ﴾ سورهُ الإخلاص

بگو: او خداوند یکتاست، خدا بی‌نیاز است ...

الف) ... نمی‌زاید و زاده نمی‌شود و کسی همانندش نیست.

ب) ... نزاده و زاده نشده و کسی برایش همتا نبوده است.

۴- الْكُفُورُ: همتا

۳- وَلَدَ: زایید (مضارع: يَلِدُ)

۲- الْصَّمَدُ: بی‌نیاز

۱- أَسْلَمَ: اسلام آورد

۵- ﴿... فَلْيَعْبُدُوا رَبَّ هَذَا الْبَيْتِ * الَّذِي أَطْعَمَهُمْ مِنْ جَوَعٍ وَآمَنَهُمْ مِنْ خَوْفٍ﴾

سورة قُرْشٍ

پس پروردگار این خانه را...

- (الف) ... می پرسند؛ زیرا در گرسنگی خوراکشان داد و از ترس [دشمن] در امان نهاد.
- (ب) ... باید بپرسند، همان که در گرسنگی خوراکشان داد و از بیم [دشمن] ایمنشان کرد.



۳- آمن: ایمن کرد، ایمان آورده

۲- الجوع: گرسنگی

۱- أَطْعَمَ: خوراک داد

آلَّا تَمْرِينُ الرَّابِعُ: ضَعْ فِي الْفَرَاغِ كَلِمَةً مُنَاسِبَةً.

- ١- تُسَمَّى مَظَاهِرُ التَّقْدِيمِ فِي مَيَادِينِ الْعِلْمِ وَالصَّنَاعَةِ وَالْأَدَبِ مِهْرَاجَانًا حضارةً حضارَةً
- ٢- أَسْتَاذُ الجَامِعَةِ فِي حَدِيثِهِ إِلَى فَضَائِلِ آنَّهُ مَارِي شِيمِيلُ. أَشَارَ آثارَ أَثَارَ
- ٣- هِيَ الْقِيمُ الْمُشَتَّرَكُهُ بَيْنَ جَمَاعَةِ مِنَ النَّاسِ. الشَّهَادَةُ الشَّفَافَةُ
- ٤- أَلْقَى أَسْتَاذُ الجَامِعَةِ حَوْلَ شِيمِيلَ. مُسَجِّلًا مُحَاذِرَةً
- ٥- هُوَ الشَّخْصُ الَّذِي يَعْمَلُ مَعَكَ. الْرَّمِيلُ الْمِضِيَافُ

آلَّا تَمْرِينُ الْخَامِسُ: اِنْتَخِبِ الْجَوابَ الصَّحِيحَ.

- ١- عَلَيْكَ بِالْمُحاوَلَةِ، وَ فِي حَيَاةِكَ. لَا تَنِيَّسْ كَيْ تَنِيَّسْ كَيْ تَنِيَّسَ
- ٢- أَنَا فِي السَّنَتَيْنِ الْمَاضِيَّتَيْنِ. لَنْ أُسَافِرَ لَمْ أُسَافِرْ لِكَيْ أُسَافِرَ لَمْ أُسَافِرَ
- ٣- أُرِيدُ إِلَى سُوقِ الْحَقَائِبِ. إِنْ أَذْهَبْ لَمْ أَذْهَبْ إِنْ أَذْهَبْ
- ٤- هُوَ إِلَى الْمَلْعَبِ غَدًًا. لَمْ يَرْجِعْ مَارِجَعَ لَنْ يَرْجِعَ
- ٥- مَنْ يَنْجَحُ فِي أَعْمَالِهِ. يَجْتَهِدْ لَا يَجْتَهِدْ لَا يَجْتَهِدُ

الْتَّمَرِينُ السَّادِسُ: عَيْنِ الْبَيْتِ الْفَارِسِيِّ الَّذِي يَرْتَبِطُ بِالْحَدِيثِ فِي الْمَعْنَى.

١- الْمُؤْمِنُ قَلِيلُ الْكَلَامِ كَثِيرُ الْعَمَلِ. الْإِمَامُ الْكَاظِمُ عَلَيْهِ السَّلَامُ

٢- الْعَالِمُ بِلَا عَمَلٍ كَالشَّجَرِ بِلَا ثَمَرٍ. رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

٣- أَمَرَنِي رَبِّي بِمُدَارَةِ النَّاسِ كَمَا أَمَرَنِي بِأَدَاءِ الْفَرَائِضِ. رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

٤- عَدَاوَةُ الْعَاقِلِ خَيْرٌ مِنْ صَدَاقَةِ الْجَاهِلِ. الْإِمَامُ عَلَيْهِ السَّلَامُ

٥- الدَّهْرُ يَوْمَانِ؛ يَوْمٌ لَكَ وَيَوْمٌ عَلَيْكَ. الْإِمَامُ عَلَيْهِ السَّلَامُ

٦- حَيْرُ الْأُمُورِ أَوْسَطُهَا. رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

تازندک توجهان شود پر (نظمی کنج ای)

کالبدی دارد و جایش نیست (امیر خسرو دعلوی)

هم لایق دشمن است و هم لایق دوست (سعدی)

چخ بازیکد ازین بازیچه ها بسیار دارد (فاطم فراهانی)

با دوستان مروت با دشمنان ملا را (حافظ)

بهراز آن دوست که نادان بود (نظمی کنج ای)

الف) کم کوی و گزینیده کوی چون د

ب) علم کز اعمال نشانیش نیست

ج) اندازه نکد دار که اندازه نکوست

د) روپنگار است آن که عزت دید که خواردارد

ه) آسایش دو گیتی تفسیر این دو حرف است

و) دشمن دان که غم جان بود

الَّتَّمَرِينُ السَّابِعُ: ضَعْ فِي الْفَرَاغِ كَلِمَةً مُنَاسِبَةً مِنَ الْكَلِمَاتِ التَّالِيَةِ. «كَلِمَتَانِ زَايدَتَانِ»

(أنقرة/ الإنجلizية/ الحضارة/ فخرية/ منذر/ المستشرق/ محاضرة/ شهادات)

١- ما رأيت جيراني يوم الخميس.

٢- نتعلم اللغة من الصّف السابع.

٣- ألقى الأستاذ ثقافية أمام الطلاب.

٤- كانت السومريّة في جنوب العراق.

٥- أكمل التّخصص في الجامعات.

٦- إن عالم من الدول الغربية عارف بالثقافة الشرقية.



الْبَحْثُ الْعِلْمِيُّ

اَكْتَبَ عَنْ اَحَدِ هُوَلَاءِ الْمُسْتَشِرِقِينَ الَّذِينَ خَدَمُوا الْلُّغَةَ الْفَارِسِيَّةَ اَوِ الْعَرَبِيَّةَ.



هانرى كوربن (هنى كوربن)

Henry Corbin



رينولد نيكلسون

Reynold Alleyne Nicholson



يوهان گوته

Johann Wolfgang von Goethe



ولاديمير مينورسكي

Vladimir Minorski



توши هيكو إيزوتسو

Toshihiko Izutsu



إدوارد براون

Edward Granville Browne

«يوهان گوته» هوَ اَحَدُ اَشْهَرِ اَدْبَاءِ اَلمَانِيَا، وَ الَّذِي تَرَكَ إِرْثًا اَدِيَّاً وَ ثَقَافِيًّا عَظِيمًا لِلْمَكْتَبَةِ الْعَالَمِيَّةِ.

«رينولد نيكلسون» هوَ مُسْتَشِرِقٌ اِنْجِلِيزِيٌّ. خَيْرٌ فِي التَّصْوِيفِ وَ الْأَدَبِ الْفَارِسِيِّ، وَ يُعْتَبَرُ مِنْ اَفْضَلِ الْمُتَرْجِمِينَ

لِاَشْعَارِ جَلَالِ الدِّينِ الرَّوْمَىِّ.

«هَنْرِيٌّ كُورَبِنٌ» فَيْلِسُوفٌ وَ مُسْتَشِرِقٌ فَرَنْسِيٌّ اهْتَمَ بِدِرَاسَةِ اِسْلَامٍ. أَسَسَ فِي فَرَنْسَا قِسْمًا لِتَارِيخِ إِيْرَانِ.

«إِدوارد براون» مُسْتَشِرِقٌ اِنْجِلِيزِيٌّ نَالَ شُهْرَةً وَاسِعَةً فِي الدِّرَاسَاتِ الشَّرْقِيَّةِ وَ كَانَ يَعْرِفُ الْفَارِسِيَّةَ وَ الْعَرَبِيَّةَ جَيِّدًا.

«توشي هيكو إيزوتسو» اَوَّلُ مَنْ تَرَجمَ الْقُرْآنَ إِلَى الْلُّغَةِ اِيْبَانِيَّةِ. وَ كَانَ يَعْرِفُ ثَلَاثَيْنَ لُغَةً مِنْهَا الْفَارِسِيَّةُ وَ الْعَرَبِيَّةُ.

«فلاديمير مينورسكي» مُسْتَشِرِقٌ روْسِيٌّ. أَسْتَاذٌ فِي دِرَاسَةِ الْفَارِسِيَّةِ وَ الْكُرْدِيَّةِ.

١- ترجمةً این متن، از اهداف کتاب درسی نیست.



الدَّرْسُ السَّابِعُ



﴿الرَّحْمَنُ * عَلَّمَ الْقُرْآنَ *

خَلَقَ الْإِنْسَانَ * عَلَّمَهُ الْبَيَانَ﴾ الرَّحْمَنُ: ١ تا ٤

خدای بخشاینده، قرآن را آموزش داد، انسان را آفرید، سخن
گفتن را به او آموخت.

تأثيرُ اللُّغَةِ الْفَارِسِيَّةِ عَلَى الْلُّغَةِ الْعَرَبِيَّةِ



المفردات الفارسية دخلت اللغة العربية مُنْذُ العَصْرِ الْجَاهِلِيِّ، فَقَدْ نُقِلَتْ إِلَى الْعَرَبِيَّةِ أَفَاظٌ

فارسية كثيرةً بسبب التجارة ودخول الإيرانيين في العراق واليمن، وكانت تلك المفردات

ترتبط ببعض البضائع التي ما كانت عند العرب **الملمس** و **الدياج**. و اشتهر النقل من

الفارسية إلى العربية بعد **انضمام** إيران إلى الدولة الإسلامية.

وفي العصر العباسي **أرداد** نفوذ اللغة الفارسية حين شارك الإيرانيون في قيام الدولة العباسية

على يد أمثال أبي مسلم الخراساني و آل برماك. و كان لابن المقفع دوراً عظيم في هذا

التأثير، فقد نقل عدداً من الكتب الفارسية إلى العربية، مثل گليلة و دمنة.

وللفيروزآبادي معجم مشهور باسم القاموس **يضم** مفردات كثيرة باللغة العربية.

و قد **بيَّنَ** علماء اللغة العربية والفارسية أبعاد هذا التأثير في دراساتهم، فقد ألف الدكتور

التونجي كتاباً يضم الكلمات الفارسية **المُعَربَة** سماه «معجم المعرّبات الفارسية في اللغة

العربية».

أَمَّا الْكَلِمَاتُ الْفَارِسِيَّةُ الَّتِي دَخَلَتِ الْلُّغَةَ الْعَرَبِيَّةَ فَقَدْ تَغَيَّرَتْ أَصواتُهَا وَأَوْزَانُهَا، وَنَطَقَهَا الْعَرَبُ وَفَفَّا لِالسِّنَتِهِمْ، فَقَدْ بَدَلُوا الْحُرُوفَ الْفَارِسِيَّةَ «گ، چ، پ، ڙ» الَّتِي لَا تَوْجَدُ فِي

لُغَتِهِمْ إِلَى حُرُوفٍ قَرِيبَةٍ مِنْ مَخَارِجِهَا؛ مِثْلُ:

پَرْدِيس ← فِرْدَوْس، مِهْرَگَان ← مِهْرَجَان، چَادُرْشَب ← شَرْشَف و ...

وَ اشْتَقُوا مِنْهَا كَلِمَاتٍ أُخْرَى، مِثْلُ «يَكِنْزُونَ» فِي آيَةِ ﴿...يَكِنْزُونَ الْذَّهَبَ وَ الْفِضَّةَ...﴾ مِنْ كَلِمَةِ «گَنج» الْفَارِسِيَّةِ.

عَلَيْنَا أَنْ نَعْلَمَ أَنَّ تَبَادُلَ الْمُفَرَّدَاتِ بَيْنَ الْلُّغَاتِ فِي الْعَالَمِ أَمْرٌ طَبِيعِيٌّ يَجْعَلُهَا غَنِيَّةً فِي الْأُسْلُوبِ وَ الْبَيَانِ، وَ لَا نَسْتَطِيعُ أَنْ نَجِدَ لُغَةً بِدُونِ كَلِمَاتٍ دَخِيلَةٍ؛ كَانَ تَأْثِيرُ الْلُّغَةِ الْفَارِسِيَّةِ عَلَى الْلُّغَةِ الْعَرَبِيَّةِ قَبْلَ الإِسْلَامِ أَكْثَرَ مِنْ تَأْثِيرِهَا بَعْدَ الإِسْلَامِ، وَ أَمَّا بَعْدَ ظُهُورِ الإِسْلَامِ فَقَدِ ازْدَادَتِ الْمُفَرَّدَاتُ الْعَرَبِيَّةُ فِي الْلُّغَةِ الْفَارِسِيَّةِ بِسَبَبِ الْعَاملِ الدِّينِيِّ.



مُفَرَّدَاتٌ : واژگان

مِسْكٌ : مُشك

نَطَقٌ : بر زبان آورد (مضارع: ينطِقُ)

نَقلٌ : منتقل كرد (مضارع: ينْقُلُ)

وَفْقًا لِـ : بر اساسِ

يَضْمُونٌ : در برمی گیرد (ماضی: ضَمَّ)

تَغَيَّرٌ : دگرگون شد

(مضارع: يتَغَيِّرُ)

دَخْلٌ : وارد شده

دِبَابِاجٌ : ابریشم

شَارِكٌ : شرکت کرد

(مضارع: يُشارِكُ)

مُعَرَّبٌ : عربی شده

إِزْدَادٌ : افزایش یافت

(مضارع: يَزْدَادُ)

إِشْتَدَادٌ : شدّت گرفت

(مضارع: يَشْتَدُّ)

إِشْتَقَّ : برگرفت (مضارع: يَشْتَقُ)

إِنْصَامٌ : پیوستن (انضمَّ، يَنْصَمُ)

بَيْنَ : آشکار کرد (مضارع: يَبْيَّنُ)

أَجِبْ عَنِ الْأَسْئَلَةِ التَّالِيَةِ مُسْتَعِينًا بِالنَّصْ

١- لماذا ازدادت المفردات العربية في اللغة الفارسية بعد ظهور الإسلام؟

٢- من هو مؤلف «معجم المعرّبات الفارسية في اللغة العربية»؟

٣- متى دخلت المفردات الفارسية في اللغة العربية؟

٤- أي شيء يجعل اللغة غريبة في الأسلوب والبيان؟

٥- متى ازداد نفوذ اللغة الفارسية في اللغة العربية؟

٦- ما هو الأصل الفارسي لكلمة «كنز»؟

اعلَمُوا

مَعَانِي الْأَفْعَالِ النَّاقِصَةِ

■ فعل‌های پرکاربرد «کان، صار، لیس و أَصْبَحَ» افعال ناقصه نام دارند.

■ کان چند معنا دارد:

۱- به معنای «بود»؛ مثال: کان الْبَابُ مُغْلَقاً. در بسته بود.

۲- به معنای «است»؛ مثال: إِنَّ اللَّهَ كَانَ غَفُورًا رَّحِيمًا^{۲۴} الآحزاب: بی‌گمان خدا آمرزنه و مهربان است.

۳- کان به عنوان «فعل کمکی سازنده معادل ماضی استمراري»؛ مثال: کانوا يَسْمَعُونَ: می‌شنیدند.

۴- کان به عنوان «فعل کمکی سازنده معادل ماضی بعيد»؛ مثال: «کان الطَّالِبُ سَمِعَ» و «کان الطَّالِبُ قَدْ سَمِعَ» به این معناست: «دانش‌آموز شنیده بود».

۵- «کان» بر سر «ل» و «عِنْدَ» معادل فارسي «داشت» است؛ مثال: کان لي خاتم فِضَّةٍ. انگشت‌نقره داشتم.
کان عِنْدي سَرِيرٌ حَشَبِيٌّ. تختی چوبی داشتم.

مضارع کان «یکون» به معنای «می‌باشد» و امر آن «كُنْ» به معنای «باش» است.

■ صار و أَصْبَحَ به معنای «شد» هستند. مضارع صار «يَصِيرُ» و مضارع أَصْبَحَ «يُصِّبِحُ»

است؛ مثال:

﴿... أَنَّرَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَتُصْبِحُ الْأَرْضُ مُخْضَرَةً﴾^{۶۳} الحجّ :

از آسمان آبی را فرو فرستاد و زمین سرسیز می‌شود.

نظَّفَ^۲ الطُّلَّابُ مَدَرَّسَتَهُمْ، فَصَارَتِ الْمَدَرَّسَةُ نَظِيفَةً.

دانش‌آموزان مدرسه‌شان را تمیز کردند و مدرسه تمیز شد.

۱- المُخْضَرَةُ: سرسیز
۲- نظَّفَ: تمیز کرد

لَيْسَ يعني «نیست»؛ مثال:

﴿...يَقُولُونَ إِنَّفُوا هُمْ مَا لَيْسَ فِي قُلُوبِهِمْ وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا يَكُتُّمُونَ﴾ آل عمران: ١٦٧

با دهانهایشان چیزی را می‌گویند که در دل‌هایشان نیست و خدا به آنچه پنهان می‌کند داناتر است.

۱ اخْتَيِرْ نَفْسَكَ: ترجم هذه الآياتِ.

﴿وَكَانَ يَأْمُرُ أَهْلَهُ بِالصَّلَاةِ وَالرَّكَأَةِ﴾ مريم: ٥٥

﴿وَأَوْفُوا بِالْعَهْدِ إِنَّ الْعَهْدَ كَانَ مَسْؤُلًا﴾ الإسراء: ٣٤

﴿...يَقُولُونَ بِالْأَسْنَتِهِمْ مَا لَيْسَ فِي قُلُوبِهِمْ﴾ الفتح: ١١

﴿...أَلَيْسَ اللَّهُ بِأَعْلَمَ بِالشَّاكِرِينَ﴾ الأنعام: ٥٣

﴿لَقَدْ كَانَ فِي يُوسُفَ وَإِخْوَتِهِ آيَاتٌ لِلْسَّائِلِينَ﴾ يوسف: ٧

﴿وَادْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءَ فَأَلَّفَ^٢ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَاصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا﴾ آل عمران: ١٠٣

۱—أَوْفُوا: وفا کنید
۲—آیات: نشانه‌ها
۳—أَلَّفَ: همدل کرد، به هم پیوست

در گروه‌های دو نفره شبیه گفت‌وگوی زیر را اجرا کنید.

حوارٌ (مَعَ الطَّبِيبِ)

الْمَرْيِضُ

الْطَّبِيبُ

أَشْعُرُ بِالْأَلْمِ فِي صَدْرِي، وَعِنْدِي صُدَاعٌ.

ما بِكِ؟

ما عِنْدِي ضَغْطٌ الدَّمِ وَلَا مَرَضُ السُّكَّرِ.

أَضَغْطُ الدَّمِ عِنْدَكَ أَمْ مَرَضُ السُّكَّرِ؟

بَعْدَ الفَحْصِ يَقُولُ الطَّبِيبُ:

ما ذَاتَ تَكْتُبُ لِي، يَا حَضْرَةَ الطَّبِيبِ؟

أَنَّتَ مُصَابٌ بِزُكَامٍ، وَعِنْدَكَ حُمَّىٌ
شَدِيدَةٌ. أَكْتُبُ لَكَ وَصْفَةً.

مِنْ أَينَ أَسْتَلِمُ الْأَدوِيَةَ؟

أَكْتُبُ لَكَ الشَّرَابَ وَالْحُبُوبَ الْمُسَكِّنَةَ.

شُكْرًا جَزِيلًا.

إِسْتَلِمِ الْأَدوِيَةَ فِي الصَّيْدَلِيَّةِ الَّتِي فِي نِهايَةِ
مَمَّرِ الْمُسْتَوْصَفِ.

إِنْ شَاءَ اللَّهُ.

تَتَحَسَّنُ حَالُكَ.

فِي أَمَانِ اللَّهِ.

مَعَ السَّلَامَةِ.



۱—الْأَلْمُ: درد ۲—الْمُصَابُ: دچار ۳—الْزُكَامُ: سرماخوردگی شدید ۴—الْحُمَّى: تب ۵—تَتَحَسَّنُ: خوب می‌شود

الَّتَّمَارِينَ

الَّتَّمَرِينُ الْأَوَّلُ: عَيْنِ الْجُمْلَةِ الصَّحِيحَةِ وَغَيْرِ الصَّحِيحَةِ حَسَبَ الْحَقِيقَةِ. ✓ ✗

١- الْمِسْكُ عَطْرٌ يُتَّخَذُ مِنْ نَوْعٍ مِنَ الْغِزَلَانِ.

٢- الشَّرْشَفُ قِطْعَهُ قُمَاشٌ تَوَضَّعُ عَلَى السَّرِيرِ.

٣- الْعَرَبُ يَنْطِقُونَ الْكَلِمَاتِ الدَّخِيلَةَ طِبَقَ أَصْلِهَا.

٤- فِي الْلُّغَةِ الْعَرَبِيَّةِ مِئَاتُ الْكَلِمَاتِ الْمُعَرَّبَةِ ذَاتُ الْأَصْوَلِ الْفَارِسِيَّةِ.

٥- أَلَّفُ الدُّكْتُورُ الْتُونِجِيُّ كِتَابًا يَضْمُنُ الْكَلِمَاتِ التُّرْكِيَّةِ الْمُعَرَّبَةِ فِي الْلُّغَةِ الْعَرَبِيَّةِ.

الَّتَّمَرِينُ الثَّانِي: عَيْنِ الْعِبَارَةِ الْفَارِسِيَّةِ الْمُنَاسِبَةِ لِلْعِبَارَةِ الْعَرَبِيَّةِ.

١- تَجْرِي الرِّيَاحُ بِمَا لَا تَشْتَهِي^١ السُّفْنُ. الف. هر چه پیش آید خوش آید.

٢- الْبَعِيدُ عَنِ الْعَيْنِ، بَعِيدٌ عَنِ الْقَلْبِ. ب. کم گوی و گزیده گوی چون دُرّ.

٣- أَكْلُتُمْ تَمْرِي وَعَصَيْتُمْ أَمْرِي. ج. گر صبر کنی ز غوره حلوا سازی.

٤- خَيْرُ الْكَلَامِ مَا قَلَّ وَدَلَّ. د. نمک خورد و نمکدان شکست.

٥- الْأَصْبَرُ مِفْتَاحُ الْفَرَجِ. ه. از دل برود هر آنکه از دیده رود.

٦- الْحَيْرُ فِي مَا وَقَعَ. وَبَرَدَ كَشْتَنِ آنجا که خواهد خدای وگر جامه بر تن دارد ناخدای

١- تَشْتَهِي: می خواهد، میل دارد

التمرينُ الثالثُ: تَرْجمَةُ الْجُمَلِ التَّالِيَّةِ.

- ١- لا تَكْتُبْ عَلَى الشَّجَرِ ٧- اُكْتُبْ بِخَطٌّ وَاضِحٌ.

٢- كانوا يَكْتُبُونَ رَسائلَ ٨- سَأَكْتُبْ لَكَ الإِجَابَةَ.

٣- لَمْ يَكْتُبْ فِيهِ شَيْئًا ٩- لَنْ أَكْتُبْ جُملَةً

٤- مَنْ يَكْتُبْ يَنْجَحُ ١٠- قَدْ كُتِبَ عَلَى اللَّوْحِ

٥- يَكْتُبْ مَثَلٌ عَلَى الْجِدارِ ١١- أَخَذْتُ كِتابًا رَأَيْتُهُ.

٦- كُنْتُ أَكْتُبْ إِجَابَاتِي ٧- كُنْتُ أَكْتُبْ إِجَابَاتِي.

الثّمرينُ الرّابعُ: بِحَثٌ عَنِ الْأَسْمَاءِ التّالِيَةِ فِي الْجُمْلَ.

(الاسم الفاعل، الاسم المفعول، الاسم المبالغة، الاسم المكان، الاسم التفضيل)

- ١- ﴿... يَمْشُونَ فِي مَسَاكِنِهِمْ...﴾ طه: ١٢٨

٢- ﴿... إِسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ إِنَّهُ كَانَ غَفَارًا﴾ نوح: ١٠

٣- ﴿يُعْرَفُ الْمُجْرِمُونَ بِسِيمَاهُمْ...﴾ الرَّحْمَن: ٤١

٤- إِنَّكُمْ مَسْؤُولُونَ حَتَّىٰ عَنِ الْبِقَاعِ وَالْبَهَائِمِ. الْإِيمَامُ عَلَيْهِ السَّلَامُ

٥- إِنَّ أَحْسَنَ الْحَسَنِ الْخُلُقُ الْحَسَنُ. الْإِمامُ الْحَسَنُ عَلَيْهِ السَّلَامُ

٦- يَا رَازِقَ كُلِّ مَرْزُوقٍ. مِنْ دُعَاءِ الْجَوَشِينِ الْكَبِيرِ

الْتَّمْرِينُ الْخَامِسُ: عَيْنِ التَّرْجِمَةِ الصَّحِيحَةِ، وَ عَيْنِ الْمَطْلُوبِ مِنْكَ.

١- ﴿قَالَ رَبِّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ أَنْ أَسْأَلَكَ مَا لَيْسَ لِي بِهِ عِلْمٌ﴾ هود: ٤٧
گفت: پروردگارا، من به تو ...

(الف) ... پناه بردم که از تو چیزی بپرسم که به آن علم ندارم.

(ب) ... پناه می‌برم که از تو چیزی بخواهم که به آن دانشی ندارم.

الإِسْمُ النَّكِرَةُ، وَ الْفِعْلُ التَّاقِصُ:

٢- ﴿...وَاسْأَلُوا اللَّهَ مِنْ فَضْلِهِ إِنَّ اللَّهَ كَانَ يُكْلِلُ شَيْءًا عَلِيًّا﴾ النساء: ٣٢

(الف) و از خدا بخشش او را بخواهید؛ زیرا خدا به هر چیزی داناست.

(ب) و از فضل خدا سؤال کردند، قطعاً خدا به همه چیزها آگاه بود.

الإِسْمُ النَّكِرَةُ، وَ الْفِعْلُ التَّاقِصُ:

٣- ﴿...يَوْمَ يَنْظُرُ الْمَرْءُ مَا قَدَّمَتْ يَدَاهُ وَ يَقُولُ الْكَافِرُ يَا لَيْتَنِي كُنْتُ ثُرَابًا﴾ النَّبِيَا: ٤٠

روزی که ...

(الف) ... آدمی آنچه را [با] دستانش پیش فرستاده است می‌نگرد و کافر می‌گوید: کاش من خاک بودم.

(ب) ... مرد آنچه را [با] دستش تقديم کرده است می‌نگرد و کافر می‌گوید: من همانند خاک شدم.

الْفِعْلُ الْمُضَارِعُ، وَ الْفِعْلُ التَّاقِصُ:

٤- كَانَ الْأَطْفَالُ يَلْعَبُونَ بِالْكُرْتَةِ عَلَى الشَّاطِئِ وَ بَعْدَ الْعِبْ صارُوا نَشِيطِينَ.

(الف) کودکان در کنار ساحل با توپ بازی می‌کردند و پس از بازی با نشاط شدند.

(ب) بچه‌ها در کنار ساحل توپ بازی کردند و بعد از بازی پر نشاط، خوشحال هستند.

الْمَجْرُورَ بِحَرْفِ الْجَرِّ، وَ الْمُضَارَفُ إِلَيْهِ:

٥_ كُنْتُ سَاكِتاً وَ مَا قُلْتُ كَلِمَةً، لِأَنِّي كُنْتُ لَا أَعْرِفُ شَيْئاً عَنِ الْمَوْضُوعِ.

الف) ساكت شدم و کلمه‌ای نمی‌گوییم؛ برای اینکه چیزی از موضوع نمی‌دانم.

ب) ساكت بودم و کلمه‌ای نگفتم؛ زیرا چیزی درباره موضوع نمی‌دانستم.

الْمَفْعُولُ، وَ الْجَارُ وَ الْمَجْرُورُ:

لِلْمُطَالَعَةِ

الْمُعَرَّبَاتُ الْفَارِسِيَّةُ

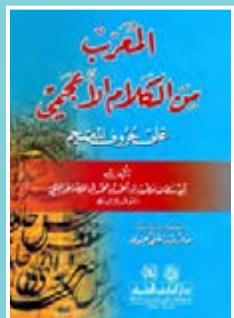
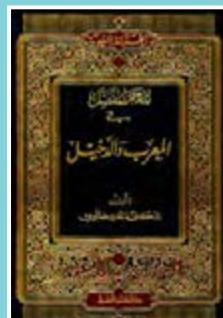
إِبْرِيسِم: إِبْرِيشِم / إِبْرِيق: آبِرِيز / أَرْجُونَيِّ: أَرْغَوَانِي / أَسْتَادِ: أُسْتَاد / إِسْتَبَرْق: سَتِيرْك / أَسْطُوانَة: أَسْتُوَانَه / بَابُونَج: بَابُونَه / بَخْشِيش ← بَخْشِيش (بِالْفَارِسِيَّةِ: انْعَام) / بَابُوج (بَوْعُ مِنَ الْحِذَاءِ) ← پَابُوش / أَسْتُوَانَه / بَابُونَج: بَابُونَه / بَخْشِيش ← بَخْشِيش (بِالْفَارِسِيَّةِ: انْعَام) / بَابُوج (بَوْعُ مِنَ الْحِذَاءِ) ← پَابُوش / بَادِنْجَان: بَادِنْجَان (بِالْفَارِسِيَّةِ: بَادِمْجَان) / بَرْبَط: (بَرْ بِالْفَارِسِيَّةِ: سِينَه + بَت: بِالْفَارِسِيَّةِ: أُرْدَك) مِنْ آلَاتِ الْمُوسِيقَى / بَرْزَخ ← بَرْزَخ أَخْو (الْعَالَمُ الْأَعْلَى: جَهَانِ بَالَا) / بَرَنَامِج: بَرَنَامِه / بَرَواز ← بَرَواز: قَاب / بَرِيد ← بُرِيدَه دُم: پُسْت / بُسْتَان: بُوستان / بَغْداد: بَغ + دَاد (خَدَادَاد) / بُوْسَه / بَهْلَوَان ← بَهْلَوَان (بِالْفَارِسِيَّةِ: بَنْدِبَاز) / بَسْ: بَس / بَطْ: بَت (بِالْفَارِسِيَّةِ: أَرْدَك) / بِلَّوْر: بُلُور / بَنْفَسَج: بَنْفَشَه / تَارِيخ: تَارِيك / تَوْيِيج: تَاجِگَذَارِي ← تَاج / تَحْت: تَحْت / تَرْجُمان (تَرْجَمَه) ← تَرْزُبَان / تَنَور: تَنَور / تَوت: تَوت / جَامِوس: گَاوَمِيش / جَزَر: گَزَر / جَصْ: گَج / جَلَاب: گَلَاب / جَلَنَار: گَلَنَار / جُنَاح: گُنَاه / جُنْدِي: گُنْدِي / جَوْرَاب: گَورَاب (گَورَاب) / جَوْز: گَوْز (بِالْفَارِسِيَّةِ: گِرْدو) / جَوْشَن ← جَوْشَن: زَرَه / جَوَهَر: گَوَهَر /

حُرْباء: هوْبَان (هور: خور «خورشید») / **خَائِة:** خانه (بُيُوتٌ فِي لُعْبَةِ الشُّطَرْنج) / **خُندق:** كَنْدَك / **دِجَّة:** تِيْگَرَه (تند و تيز) / **دَرْوِيش:** درويش / **دُسْتُور** ← دَسْتُور: قانون / **دِيَاج:** ديبا / دين: دين / رازيانچ: رازيانه / **رِزْق** ← روزيک، روزيک «روزى» / **رُوزَنَامَة** ← روزنامه (بالفارسيه: تَقْوِيم) / **رَوْزَنَة** ← روزنه / **رَهَنَمَاج:** راهنمame (دَلِيل لِلسَّفَرَاتِ الْبَحْرِيهِ) / **رَزْكَش** ← زَرْكِش (نَسَاجُ الْقُمَاشِ بِخُيوطِ مِنَ الدَّهَبِ: تارهای زر به پارچه کشید) / **زَمَان:** زمان / **زَهْرَير:** بسيار سرد / **زَنبِيل:** (زن: امرأة + بال: يد = عَلَى يَدِ الْمَرْأَةِ) / **زَنْجَار:** زنگار / **سَادَج:** ساده «سَذَاجَة: سادگى» / **سَاعَه:** سايده / **سِجِيل:** سنگ گل / **سَخَط:** سَخْت (الْعَصْبُ الْكَثِيرُ) / **سِرَاج:** چراغ / **سُرَادِيق:** سراپرده / **سَرْخَس:** سَرَخْس / سِرَدَاب: سرداد (زير زمين: بِنَاءً تَحْتَ الْأَرْضِ) / **سَرَمَد:** سرآمد (بي آغاز و پيان: ما لا أَوْلَ لَهُ وَ لَا آخِرَ) / **سِرْوَال:** شلوار / **سُكَر:** شِكَر / **سَكَنْجَيْن:** سِركه انگيбин / **سَلْجَم:** شَلَغَم / **سِنْجَاب:** سَنْجَاب / **سَوْسَن:** سوسن / **شَاشَه:** صفحه / **تَلَوِيزِيون** ← شيسه / شاهين (صَفْر): شاهين / **شَوْنَدَر:** چُنْدَر / **شَهْدَانِج:** شاهدانه / **شَيءٌ** ← شىء: چيز / **صَفْقَ:** دست زد ← چَنْك / **صَلِيب** ← چليپا / **صَنْج:** چنگ، سنج / **طَازَج:** تازه / **طَسْت:** تشت / **عَبَقَريَ** ← آبکاري / **عِفْرِيت** ← آفريد / **فِرْجَار:** بِرْكَار / **فُسْتُق:** پسته / **فِلَفِل:** پلپل / **فُولَاد:** پولاد / **فَيْرُوز** ← پيروز / **فَيْرُوزَج:** فيروزه / **فِيل:** پيل / **گَأس:** كاسه / **كَافُور:** كاپور / **گَهْرَباء:** كاهربا / **گَنْج:** گنج / **لِجام:** لگام / **مِحرَاب:** مهرباب / **مِسْك** ← **مِشك:** مشك / **مِيزَاب:** ميزاب ← ميزاب: ناودان «گُميـزـآـبـ» / **نَارَنْج** ← نار رنگ: نارنج / **نِسَرِين:** نـسـرين: نـسـرين / **نِفْط:** نفت / **نَمَارِق:** بالشها (جمع نـرمـكـ) / **نَمَوذَج:** نـموـذـجـهـ / **نَمَونَه:** وـرـدـهـ / **وَرْد:** وـرـدـهـ / **وِيَچِير:** ويچـيرـهـ / **هَنْدَسَه:** آندـازـهـ

در امتحانات از بخش معربات فارسي هیچ سؤالی طرح نمی شود. ■

البحث العلمي

■ أكْتُبْ عِشْرِينَ كَلْمَةً مُعَرَّبَةً أَصْلُهَا فَارِسِيٌّ مِنْ أَحَدِ هَذِهِ الْكُتُبِ.



أَيُّهَا الْأَحَبِيَّ، نَسْتَوْدِعُكُمْ^١ اللَّهُ، إِلَى اللِّقاءِ،
سَنَلْتَقِي^٢ بِكُمْ إِنْ شَاءَ اللَّهُ فِي الصَّفَّ
الثَّانِي عَشَرَ،
نَتَمَنِي^٣ لَكُمُ النَّجَاحَ، مَعَ السَّلَامَةِ،
فِي أَمَانِ اللَّهِ.



١- نَسْتَوْدِعُ: مِنْ سِپَارِيم ٢- نَلْتَقِي: دِيدَار مِنْ كِيم ٣- نَتَمَنِي: آرْزو مِنْ كِيم

سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی جهت ایفای نقش خطیر خود در اجرای سند تحول بنیادین در آموزش و پرورش و برنامه درسی ملی جمهوری اسلامی ایران، مشارکت معلمان را به عنوان یک سیاست اجرایی مهم دنبال می کند. برای تحقیق این امر در اقدامی نوآورانه سامانه تعاملی بر خط اعتبارستنی کتاب های درسی راه اندازی شد تا با دریافت نظرات معلمان درباره کتاب های درسی نونگاشت، کتاب های درسی را در اولین سال چاپ، با کمترین اشکال به دانش آموزان و معلمان ارجمند تقدیم نماید. در انجام مطلوب این فرایند، همکاران گروه تحلیل محتوای آموزشی و پژوهشی استان ها، گروه های آموزشی، دبیرخانه راهبری دروس و مدیریت محترم پروژه آقای محسن باهو نقش سازنده ای را بر عهده داشتند. ضمن ارج نهادن به تلاش تمامی این همکاران، اسامی دبیران و هنرآموزانی که تلاش مضاعفی، در این زمینه داشته و با ارائه نظرات خود سازمان را در بهبود محتوای این کتاب یاری کرده اند به شرح زیر اعلام می شود.

اسامي دبیران شركت‌کننده در اعتبارستنجي كتاب عربى، زبان قرآن(۲) - کد ۱۱۱۲۰۶

ردیف	نام و نام خانوادگی	استان محل خدمت	ردیف	نام و نام خانوادگی	استان محل خدمت
۱	حمید قلندریان	خراسان رضوی	۲۴	لیلا اسدبرقی	آذربایجان غربی
۲	مهردی شفابی	آذربایجان شرقی	۲۵	اسمعاعیل رسابی	كرمان
۳	حکیمه حسن‌زاده جعفری	كرمان	۲۶	سید صدرالدین جنید	مرکزی
۴	يوسف فاضل	گلستان	۲۷	آمنه آقایی نعمتی	شهر تهران
۵	زهره آذری	كردستان	۲۸	علي يازرلو	گلستان
۶	يعقوبعلی آقاعلی پور	آذربایجان شرقی	۲۹	مصطفی احمدپناه	سمنان
۷	طهمورث سليماني	كردستان	۳۰	محمد داورپناهی	خراسان شمالی
۸	شكوفه کمانی	مرکزی	۳۱	محمد‌مهدی سربلند	خراسان رضوی
۹	فاطمه رامشی	كرمانشاه	۳۲	علي‌رضا صياد	خراسان شمالی
۱۰	زهرا علی‌آبادی	خراسان جنوبی	۳۳	شهلا اسماعيليان	اصفهان
۱۱	زهرا سالك‌نژاد	فارس	۳۴	حسن علی شریتدار	سمنان
۱۲	طيبة احمدپور	خراسان جنوبی	۳۵	ابراهيم علی دوستی شهرکی	چهارمحال و بختیاری
۱۳	فریده ناطق خشنود	گیلان	۳۶	مهستی رایگان	لرستان
۱۴	سمیره داراخانی	ایلام	۳۷	اکبر میرکی پور	هرمزگان
۱۵	آذر صمدی طلاقانکی	چهارمحال و بختیاری	۳۸	حسین منصوری	اصفهان
۱۶	خسرو گروسی	كرمانشاه	۳۹	فاطمه عامری	قم
۱۷	فاطمه‌زهرا گندم‌كار	خراسان رضوی	۴۰	پانته‌آ امير‌پاشایی	شهر تهران
۱۸	مرجان کرد	خوزستان	۴۱	عبدالله الاخلاصی	قزوین
۱۹	طيبة عباسی	فارس	۴۲	محمد تقی جهانی مهر	همدان
۲۰	سپهلا ملایی یگانه	زنجان	۴۳	هوشنگ جعفردوست	گیلان
۲۱	معصومه ملکی	شهرستان‌های تهران	۴۴	رسول خمّر	سيستان و بلوچستان
۲۲	سيمين پروازيان	اصفهان	۴۵	اسکندر حسین‌زاده	شهر تهران
۲۳	حکیمه ايرانمنش	هرمزگان	۴۶	سپهلا اکبری	کهگيلويه و بويراحمد

بروزترین و ابرترین
سایت کنکوری کشور

WWW.KONKUR.INFO

